



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات ارتقای - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

اصول ۱	موضوع :	۸	پایه :
۱۸	ساعت :	۹۰/۶/۱۳	تاریخ :

نام کتاب: فرآیند اصول، از اول برائت تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دانه نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه از نظر شیخ انصاری صحیح نیست؟ ج ۲۳۴-۲۲۸
 - أ. إن استحقاق المؤاخذة في الشبهات المحصورة مختص بما إذا صادف ما ارتكبه من الأطراف مع الحرام الواقعي.
 - ب. إن المخالفة القطعية في الشبهة المحصورة حرام كما أن الموافقة القطعية فيها واجب.
 - ج. إن حرمة المخالفة القطعية في الشبهة المحصورة مختصة بما إذا كان المكلف مبتلي بأحد الأطراف على الأقل. ■
 - د. لم يجب الموافقة القطعية إذا كان التكليف بحيث لا يتجزأ في كل من أطراف الشبهة لو قطع بوجود المشتبه في ذاك الطرف.
۲. «قوله تعالى: لا يكلف الله نفساً إلا ما آتاها» ماى موصوله در این آیه شریفه در کدام معنا اظهر است؟ ب ۲۱ متوسط
 - أ. المال
 - ب. نفس فعل الشيء أو تركه ■
 - ج. نفس الحكم و التكليف
 - د. الأعم من التكليف و المال
۳. ان الظاهر اختصاص ادلة البرائة بصورة الشك فى الواجب التعيينى ج ۱۵۹ حفظى
 - أ. و التخيري
 - ب. إذا كان اصلياً
 - ج. سواء كان اصلياً او عرضياً ■
 - د. إذا كان عرضياً
۴. کدام گزینه از نظر شیخ انصاری صحیح نیست؟ ج ۳۰۸-۳۰۶
 - أ. إذا انكشف للمتخير في القبلة المرید لإفراغ ذمته، مطابقة ما أتى به للواقع قبل فعل الباقي أجزاء عنه.
 - ب. يمكن التقرب بأحد اطراف الشبهة الموضوعية و إن لم يعلم حين إتيانه هو المقرب بعينه.
 - ج. لو فرض احتمالات الواجب، غير محصورة من ناحية شرطه يسقط الأمتثال فى المشروط لعدم امكان تحصيل شرطه. ■
 - د. لو ترك المصلى المتخير فى القبلة جميع الاحتمالات لم يستحق إلا عقاباً واحداً.

تشریحی:

*«توهم أن كلاً من أطراف الشبهة المحصورة بشرط الاجتماع مع الآخر معلوم الحرمة فإسناد حرمة وإن كانت معلومة، إلا أن الشرط شرط لوصف

كونه معلوم التحقق لا لذات الحرام، فلا يحرم إيجاد الاجتماع، إلا إذا حرم جعل ذات الحرام معلومة التحقق، و مرجعه إلى حرمة تحصيل العلم بالحرام»

۱. توهم و وجه فساد آن را توضیح دهید. ۲۱۴-۲۱۵

توهم: چون علم به حرمت یک طرف داریم ارتکاب هر یک از اطراف شبهه محصوره به شرط اجتماع با اطراف دیگر معلوم الحرمة است لذا نمی توان تمام اطراف را مرتکب شد.

وجه فساد: همراهی در ارتکاب و اجتماع دو طرف، شرط علم به تحقق حرام است نه شرط حرمت هر یک از اطراف به شرط اجتماع، لذا ایجاد اجتماع حرام نیست مگر اینکه معلوم التحقق کردن حرام، خود حرام باشد که بازگشت آن به حرمت تحصيل علم به حرام است و روشن است که تحصيل علم به حرام، حرام نیست.

* «إذا دار الأمر بين المحذورين و يجب الأخذ بأحدهما هل يتعيّن الأخذ بالحرمة أو يتخيّر بينه و بين الأخذ بالوجوب و جهان: يستدلّ على الأوّل بعد قاعدة الاحتياط حيث يدور الأمر بين التخيير و التعيين بأنّ إفضاء الحرمة إلى مقصودها أتمّ من إفضاء الوجوب إلى مقصوده، لأنّ مقصود الحرمة يتأتّى بالترك سواء كان مع قصد أم غفلة، بخلاف فعل الواجب، و يضعّف الأخير، بأنّه يصلح وجهاً لعدم تعيين الوجوب، لا لثني التخيير، و الأوّل بأنّ القاعده غير جار في أمثال المقام ممّا يكون الحاكم فيه العقل فأنّه أمّا أن يستقلّ بالتخيير و إمّا أن يستقلّ بالتعيين فليس الشك في المقام شكّ على كلّ تقدير، و إنّما الشكّ في الأحكام التوقيفيّة التي لا يدركها العقل»

۲. عبارت را توضیح دهید. ۱۸۵

اگر در دوران امر بین محذورین قائل به وجوب اخذ به احدهما شدید آیا لازم است به حرمت اخذ کنیم یا مخیر بین اخذ به حرمت یا وجوب هستیم؟ استدلال بر وجه اول: ۱- در دوران امر بین تخییر و تعیین، احتیاط عقلی مقتضی تعیین است. جواب - مورد این قاعده شک است، در صورتی که در احکام عقلی شک راه ندارد و در بحث نیز یا عقل، حکم به تخییر می کند و یا حکم به تعیین، پس در هر صورت شک در حکم عقل نداریم بلکه شک در حکم توقیفی شارع یعنی وجوب یا حرمت داریم. ۲- حرمت بیشتر از وجوب به مقصود می رساند زیرا مقصود از حرمت با ترک نیز حاصل می شود چه قصد ترک آن را داشته باشد و چه غافل باشد در صورتی که برای واجب باید قصد امتثال کرد جواب - این استدلال می تواند وجه عدم وجوب باشد ولی دلالتی ندارد که حکم تخییر نباشد و لازم باشد جانب حرمت مقدم باشد.

* «لو اضطر إلى ارتكاب بعض المحتملات فإن كان بعضا معينا، فالظاهر عدم وجوب الاجتناب عن الباقي إن كان الاضطرار قبل العلم أو معه، لرجوعه إلى عدم تنجز التكليف بالاجتناب عن الحرام الواقعي، لاحتمال كون المحرم هو المضطر إليه، وإن كان بعده فالظاهر وجوب الاجتناب عن الآخر لأن الإذن في ترك بعض المقدمات العلمية بعد ملاحظة وجوب الاجتناب عن الحرام الواقعي، يرجع إلى اكتفاء الشارع في امتثال ذلك التكليف بالاجتناب عن بعض المشتبهات».

۳. حکم اضطرار به بعض اطراف را در شبهه محصوره با دلیل در ضمن مثال بیان کنید. ۲۴۵

اگر اضطرار به طرف معین باشد مانند اینکه علم دارد یا این آب نجس است یا آن دارو و مضطرّ به شرب دارو نیز هست اگر اضطرار قبل یا همراه حصول علم اجمالی باشد اجتناب لازم نیست؛ چون احتمال دارد همین دارو نجس باشد و به خاطر اضطرار، حرمت شرب آن برداشته شده باشد لذا از اوّل علم به تکلیف فی البین ندارد ولی اگر اضطرار بعد از حصول علم باشد باید از طرف دیگر اجتناب کرد؛ زیرا اذن شارع در ترک بعضی از مقدمات علمیّه با توجه به اینکه اجتناب از حرام واقعی واجب است به این باز می گردد که مولی ترک برخی از اطراف را در مقام امتثال بدل از ترک جمیع اطراف قرار داده است.

* «أمّا قوله × «فهو لك حلال حتى تعرف الحرام منه بعينه» فله ظهور في منع الحرمة المعلوم بالاجمال الا ان بقاء الصحيحة على هذا الظهور يوجب المنافاة لما دل على حرمة ذلك العنوان المشتبه، مثل قوله (اجتنب عن الخمر)». ۲۰۲

۴. دلالت روایت فوق بر عدم حرمت مخالفت قطعیه را تقریر کرده و منافات مذکور در کلام شیخ را توضیح دهید.

وجه ظهور این است که بعینه قید معرفت است پس معنایش این است که معرفت حرام بشخصه لازم است پس حرمت معلوم بعلم اجمالی اثری ندارد ولی اگر این ظهور صحیحه باقی بماند با ادله حرمت واقعی که اطلاق آن شامل فرد معلوم بالاجمال می شود منافات دارد.

* «ومنها: قوله(ع): ان الله يحتج على العباد بما آتاهم وعرفهم». ۴۳-۴۲

۵. جواب اخباری ها از استدلال به این روایت بر براهت در شبهه تحریمیة کلیه چیست؟

اخباری ها مضمون این روایت را قبول دارند و می گویند بله خداوند در مورد چیزی که علمش را به ما نداده باشد بر ما احتجاج نمی کند اما در مورد شبهه تحریمیة علمش را به ما داده و روایات زیادی دالّ بر وجوب احتیاط و توقّف در شبهه تحریمیة داریم.
(إنّ الأخباریین لا ینکرون عدم وجوب الاحتیاط علی من لم یعلم بوجوب الاحتیاط من العقل والنقل بعد التأمل والتبّع.)

* «المسألة الثانية: ما إذا كان دوران حكم الفعل بين الحرمة وغير الوجوب من جهة اجمال النص. إمّا بأن يكون اللفظ الدالّ على الحكم مجملاً وأمّا بأن يكون الدالّ على متعلّق الحكم كذلك، سواء كان الاجمال في وضعه أم كان الاجمال في المراد منه». ۱۱۴

۶. با توجه به عبارت، سه قسم اجمال نصّ را با مثال توضیح دهید.

در شبهه تحریمیه از جهت اجمال نصّ، اجمال نصّ به خاطر یکی از این سه وجه است: ۱. لفظی که بر حکم دلالت می کند مجمل باشد مثل نهی مجرد از قرینه اگر بگوییم مشترک است بین حرمت و کراهت. ۲. لفظی که دلالت بر متعلق حکم می کند از جهت وضع واضح مجمل باشد مثل غناء که نمی دانیم برای صدای مطرب دارای ترجیع وضع شده یا برای صدای مطرب تنها یا برای صدای دارای ترجیع تنها. ۳. در موردی که شک داشته باشیم در متعلق حکم نه از جهت وضع واضح بلکه به خاطر مشکوک بودن موضوع، مثلاً یقین داریم که این مایع شراب است اما چون مسکر نیست شک داریم مراد شارع که شراب را حرام کرده شراب غیر مسکر هم بوده یا نه.

* «إن محلّ الكلام في الشبهة الموضوعية المحكومة بالإباحة ما إذا لم يكن هناك أصل موضوعي قد يقضى بالحرمة، فمثل المرأة المرددة بين الزوجة والأجنبية خارج عن محلّ الكلام». ۱۲۷

۷. در فرض فوق دو اصل وجود دارد که مانع از جریان اصالة الاباحه است. آن دو را بیان کنید.

جواب: ۱. استصحاب عدم علاقه زوجیت. ۲. استصحاب حرمت، پس شک در حلیت نداریم تا اصالة الاباحه را جاری کنیم.

* «ان الثابت في كل المشتبهين لاجل العلم الاجمالي بوجود الحرام الواقعي فيهما هو وجوب الاجتناب، لانه اللازم من باب المقدمة من التكليف بالاجتناب عن الحرام الواقعي، امّا سائر الآثار الشرعيه المترتبه على ذلك الحرام فلا تترتب عليهما». ۲۳۹

۸. وجه ترتب اجتناب بر هر کدام از مشتبهین و عدم ترتب سایر آثار را توضیح دهید. در مورد این آثار تکلیف چیست؟

ترک هر طرف از مشتبهین مقدمه ترک حرام است لذا چون علم به وجود حرام بالفعل داریم لازم است از هر دو طرف مقدمه اجتناب کنیم ولی در دیگر آثار مترتب بر فعل حرام مانند حد چون وجود یک طرف مقدمه تحقق شراب فی البین نیست اثر مترتب نمی شود و باید به اصل جاری در هریک از اطراف رجوع کنیم.

۹. عبارت «أن يكون أحد الدليلين بمدلوله اللفظي متعرضاً لحال دليل آخر من حيث اثبات حكم لشيء أو نفيه عنه» تعریف کدام اصطلاح اصولی است؟ با یک مثال توضیح دهید. ۴۶۲

حکومت - مثل ما دلّ علی الطهارة بالاستصحاب فإنّه حاکم علی ما دلّ علی أنّه «لا صلاة الا بطهور» فإنّه یفید بمدلوله اللفظی انّ ما ثبت من الأحکام للطهارة فی مثل «لا صلاة الا بطهور» ثابت للمتطهر بالاستصحاب.

پاسخنامه مدارس شهرستانها

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول برائت تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آثر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. الإنصاف فی ما دار الأمر بین الوجوب و الحرمة التوصیلین من جهة إجمال الدلیل ... ب ۱۹۰ و ۱۸۵
- أ. جریان أدلة البرائة
- ب. التوقف والتدین بالحکم الواقعی
- ج. الاحتیاط عملاً و التزاماً
- د. جریان استصحاب حال الشرع
۲. در صورتی که مخالفت قطعیه را در شبهات تدریجی جایز بدانیم، نظر مصنف در مورد حکم معاملات تاجری که علم اجمالی دارد در یک ماه به معاملاتی ربوی مبتلا می شود چیست؟ د ۲۴۹
- أ. جریان «اصالة الصحة» در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند
- ب. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند
- ج. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات
- د. جریان «اصالة الفساد» در تمام معاملات
۳. الأقوی فی الشبهة المحصورة لاشتباه الأمور الخارجیة ... أ ۲۱۰
- أ. وجوب الموافقة القطعیة و حرمة المخالفة القطعیة
- ب. وجوب الموافقة القطعیة دون حرمة المخالفة القطعیة
- ج. جواز المخالفة غیر القطعیة
- د. جواز الموافقة غیر القطعیة
۴. إن متعلّق التکلیف مشکوک إذا کان فعلاً جزئياً متعلّقاً للحکم الجزئی، فمنشأ الشکّ فیهِ ... ج ۱۸ متوسط
- أ. فقدان النصّ
- ب. اجمال النصّ
- ج. اشتباه الأمور الخارجیة
- د. تعارض النصّ

سؤالات تشریحی:

- * إحتیج من جوّز ارتکاب ما عدا مقدار الحرام فی الشبهة المحصورة بالأخبار الدالّة علی حلّ ما لم یعلم حرمة و قال فی توضیح ذلك إن الشارع منع عن استعمال الحرام المعلوم و جوّز استعمال ما لم یعلم حرمة، و المجموع من حیث المجموع معلوم الحرمة و لو باعتبار جزئه و کذا کلّ منهما بشرط الاجتماع مع الآخر، فیجب اجتنابه، و کلّ منهما بشرط الانفراد مجهول الحرمة فیكون حلالاً.
۱. دلیل مجوّزین را تقریر کنید.

روایات دالّ بر حلّیت مشکوک الحرمة دلالت می کنند بر تجویز ارتکاب مقداری از اطراف شبهه که زائد بر معلوم بالإجمال هستند؛ زیرا این مقدار زائد، مشکوک الحرمة می باشند. توضیح اینکه مجموع اطراف به ما هو مجموع، معلوم الحرمة هستند - زیرا وقتی حرمت جزء معلوم باشد و کلّ نیز چیزی جز جزء، به انضمام اجزاء دیگر نباشد، حرمت کلّ نیز معلوم است - همان طور که هر طرف به شرط اجتماع با سایر اطراف معلوم الحرمة می باشد لذا باید از آن اجتناب نمود ولی هر طرف به شرط انفراد مجهول الحرمة است و به مقتضای اخبار فوق اجتناب از آن واجب نیست.

- * والتحقیق فی رجحان الإحتیاط بالفعل فی العبادات عند دوران الأمر بین الوجوب و غیر الأستحباب و عدمه: أنّه إن قلنا بكفاية احتمال المطلوبة فی صحّة العبادة فیما لا یعلم المطلوبة ولو إجمالاً، فهو و إلاّ أوامر الإحتیاط لا یجدی فی صحتها، لأن موضوع التقوی و الإحتیاط - الذی یتوقف علیه هذه الأوامر - لا یتحقّق إلا بعد إتیان محتمل العبادة علی وجه یجتمع فیهِ جمیع ما یعتبر فی العبادة حتی نية التقرب، و إلاّ لم یکن احتیاطاً فلا یجوز أن یكون تلك الأوامر منشأً للقربة المنویة فیها. ۱۵۲
۲. مراد از عبارت را توضیح دهید.

در موارد دوران امر بین وجوب و اباحه یا کراهت، اگر قائل باشیم در مواردی که علم تفصیلی یا اجمالی به مطلوبیت عمل نداریم، صرف احتمال مطلوبیت برای قصد قربت کافی است، می‌توان احتیاط را راجح دانست؛ ولی در غیر این صورت نمی‌توان صحت را از ادله احتیاط استفاده نمود؛ زیرا موضوع این ادله که تقوی و احتیاط است محقق نمی‌شود مگر اینکه بتوان احتمال العباده را با تمام اجزاء و شرایط، اتیان نمود. لذا باید قصد قربت نیز در مرحله قبل ثابت باشد.

* ربما يوجه الحكم بوجود القضاء بأن القضاء يكون بأمر جديد على سبيل تعدد المطلوب بأن يكون الكلي المشترك بين ما في الوقت و خارجه مطلوباً و كون اتيانه في الوقت مطلوباً آخر فيثبت وجوب القضاء باستصحاب التكليف المطلق أو قاعدة الاشتغال، و فيه أن المحتمل بل الظاهر على القول بكون القضاء بأمر جديد كون كل من الأداء و القضاء تكليفاً مغايراً للآخر، فهو من قبيل وجوب الشيء و وجوب تداركه بعد فوته - كما يكشف عن ذلك تعلق أمر الأداء بنفس الفعل و أمر القضاء به بوصف الفوت - لا من باب الأمر بالمطلق و الأمر بالمقيد فلا مجرى لقاعدة الإشتغال و استصحابه. ١٧٤ - ١٧٥

٣. استدلال فوق بر وجوب قضا و پاسخ مصنف را توضیح دهید.

استدلال: اگر قضا را به امر جدید بدانیم به گونه‌ای که مطلوب مولی متعدد باشد، یعنی اصل نماز مشترک بین داخل و خارج وقت، یک مطلوب و در وقت بودن مطلوبی دیگر باشد، می‌توان با استصحاب اصل تکلیف یا اشتغال، قضا را ثابت نمود.

پاسخ: ظاهر از اینکه قضاء به امر جدید باشد این است که قضا، تکلیفی مغایر آدا است همان‌طور که تعلق امر ادا به نفس فعل و امر به قضا به فعل با وصف فوت، بر این مطلب دلالت دارد؛ لذا امر در این مورد مانند امر به کلی و فرد نیست پس جایی برای اجرای قاعدة اشتغال یا استصحاب نیست.

* هل يشترط في العنوان المحرم الواقعي المردد بين المشتبهين ان يكون على كل تقدير متعلقاً لحكم واحد ام يشمل ما لو كان المحرم على كل تقدير عنواناً غيره على التقدير الاخر و الاقوى عدم جواز المخالفة القطعية مطلقاً. ٢٢٧

٤. ضمن شرح عبارت، برای هریک از دو فرض، مثال بزنید.

آیا شرط است در عنوان محرم واقعی مردد بین مشتبهین که در تمام تقديرات متعلق یک حکم باشد یا اینکه در یک فرض متعلق حکمی باشد و در فرض دیگر متعلق حکم دیگر؛ اقوی عدم جواز مخالفت قطعیه در هر دو صورت است. مثال اول: خمر مردد بین انائین. مثال دوم: جایی که امر دائر باشد بین اینکه مایعی نجس باشد یا غصبی باشد.

* إننا نعلم اجمالاً قبل مراجعة الأدلة الشرعية بمحرّمات كثيرة يجب بمقتضى قوله تعالى «وما نهاكم عنه فانتهوا» الخروج عن عهدة تركها على وجه اليقين بالاجتناب أو اليقين بعدم العقاب. ٨٧ متوسط

٥. در عبارت فوق، به یک دلیل عقلی بر وجوب احتیاط در شک بدوی در شبهات تحریمیه اشاره شده است، دلیل را به طور کامل تقریر کنید.

با توجه به آیات و روایات می‌فهمیم در دین اسلام حرام‌های زیادی وجود دارد و با توجه به آیه شریفه «وما نهاکم عنه فانتهوا» ترک همه آن حرام‌ها واجب است و یا حداقل باید به طریقی یقین به عدم عقاب در صورت ارتکاب حرام داشته باشیم؛ چون یقین به اشتغال ذمه، یقین به برائت را می‌طلبد و بعد از مراجعه به ادله و عمل به ادله یقین به ترک همه حرام‌ها پیدا نمی‌کنیم پس باید احتیاط کنیم و هر چه را که احتمال حرام بودنش را می‌دهیم ترک کنیم.

* فی رواية مسعدة بن صدقة «كل شيء لك حلال ... وذلك مثل الثوب يكون عليك ولعله سرقة» وقال الشيخ هذا المثال بملاحظة الأصل الأوّلي محكومة بالحرمة، والحكم بحلّيتها إنّما هو من حيث الأصل الموضوعي الثانوي. ١٢٠ متوسط

٦. اصل اولی و اصل موضوعی ثانوی را در مثال بیان کنید.

الأصل الأوّلي هو أصالة بقاء الثوب على ملك الغير والأصل الموضوعي الثانوي هو قاعدة اليد في المالك السابق.

* التحقيق: أن دليل تلك الأمانة وإن لم يكن كالدليل العلمي رافعاً لموضوع الأصل، إلا أنه نزل شرعاً منزلة الرافع، فهو حاكم على الأصل لا مخصّص له.
۷. در ضمن مثال محل نزاع را توضیح دهید. ۱۳

موضوع دلیل برائت عدم العلم است اگر اماره ای دال بر حکم واقعی پیدا شود نمی تواند شک و عدم العلم را بردارد ولی چون شارع اماره را نازل منزله علم قرار داده است به برکت تعبد شارع موضوع اماره رفع می شود و این تقدیم از باب تخصیص دلیل اصل نیست بلکه از باب حکومت دلیل اماره بر دلیل اصل است. مثلاً خبر واحد بر حرمت شرب تنن اقامه شود.

* من الأدلة التي يدلّ على عدم وجوب الاحتياط في الشبهة التحريمية قوله عليه السلام: «كلّ شيء مطلق حتّى يرد فيه نهى» ودلالته على المطلوب أوضح من الكلّ، وظاهره عدم وجوب الاحتياط؛ لأنّ الظاهر إرادة ورود النهي في الشيء من حيث هو، لا من حيث كونه مجهول الحكم، فإنّ تمّ ما سيأتي من أدلة الاحتياط دلالةً وسنداً وجب ملاحظة التعارض بينها وبين هذه الرواية. ۴۳ سخت
۸. ادلة وجوب احتياط در چه صورت بر این روایت مقدم است؟ چرا؟

اگر مراد از نهی، نهی از شینی به ما هو مجهول الحكم (نهی ظاهری) باشد چون مفاد ادله احتیاط نهی ظاهری است، پس یرد فیه نهی صادق است.

* فإن قلت: إن مقتضى - وهو تعلق الوجوب الواقعي بالأمر الواقعي المراد بين الأقل والأكثر - موجود، والجهل التفصيلي به لا يصلح مانعاً لا عن الأمر به ولا عن توجه الأمر. قلت: إن الجهل مانع عقلي عن توجه التكليف بالمجهول إلى المكلف، لحكم العقل بقبح المؤاخذة على ترك الأكثر المسبب عن ترك الجزء المشكوك من دون بيان، ولا يعارض بقبح المؤاخذة على ترك الأقل من حيث هو من دون بيان، إذ يكفي في البيان المسوغ للمؤاخذة عليه العلم التفصيلي بأنّه مطلوب للشارع بالاستقلال أو في ضمن الأكثر. ۳۲۱ - ۳۲۲
۹. جواب مصنف را توضیح دهید.

چون اکثر، مجهول است به دلیل قاعده قبح عقاب بلا بیان، تکلیف نسبت به آن ثابت نیست و لزوم اجتناب ندارد. این قاعده در طرف اقل جاری نیست؛ چون نسبت به اقل، بیان ثابت است و معارضی نیز وجود ندارد.

تستی

۱. اِنْ حَرَمَةُ الْمَخَالَفَةِ الْقَطْعِيَّةُ فِي الشَّبْهَةِ الْمَحْصُورَةِ ج ۲۰۹

ا. مختصّة بما إذا كان الحرام المشتبه عنواناً واحداً مردداً بين أمرين

ب. مختصّة بما إذا كان الحرام المشتبه مردداً بين عنوانين

ج. شامل لما كان مردداً بين عنوانين

د. شامل لما كان عنواناً واحداً مردداً بين أمرين إلا إذا كان تدريجياً الحصول

۲. بر فرض جواز مخالفت قطعيه در شبهات تدريجی، نظر مصنف در حکم معاملات تاجری که علم اجمالی دارد در طول یک ماه به معاملاتی

ربوی مبتلا می شود چیست؟ د ۲۴۹

ا. تمسک به اصالة الصحة در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند

ب. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات

ج. تمسک به «أوفوا بالعقود» تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند

د. تمسک به اصالة الفساد در تمام معاملات

۳. به نظر مصنف، کدام گزینه صحیح نیست؟ ج ۱۲۵

ا. اِنْ الظَّنَّ بِالْحَرَمَةِ لَا يَسْتَلْزِمُ الظَّنَّ بِالضَّرْرِ الْآخَرِيِّ

ب. اِنْ الظَّنَّ بِالْحَرَمَةِ لَا يَسْتَلْزِمُ الظَّنَّ بِالضَّرْرِ الدِّنْيِيِّ

ج. اِنْ القَطْعَ بِالْحَرَمَةِ يَسْتَلْزِمُ القَطْعَ بِالضَّرْرِ الدِّنْيِيِّ

د. اِنْ الظَّنَّ بِالضَّرْرِ الدِّنْيِيِّ يَسْتَلْزِمُ الْحَرَمَةَ

۴. اِنْ مَتَعَلَّقَ التَّكْلِيفِ الْمَشْكُوكِ إِذَا كَانَ فِعْلاً جَزْئِيًّا مَتَعَلِّقًا لِلْحُكْمِ الْجَزْئِيِّ، فَمَنْشَأُ الشَّكِّ فِيهِ وَمِثَالُهُ د ۱۸ متوسط

ا. فقدان النصّ - الشك في حرمة شرب العنب المغلي

ب. اشتباه الأمور الخارجية - الشك في حرمة شرب العنب المغلي

ج. فقدان النصّ - الشك في حرمة هذا الماء المحتمل كونه خمرًا

د. اشتباه الأمور الخارجية - الشك في حرمة شرب هذا الماء المحتمل كونه خمرًا

تشریحی

* احتجّ من جوّز ارتكاب ما عدا مقدار الحرام في الشبهة المحصورة بالأخبار الدالة على حلّ ما لم يعلم حرمة و قال في توضيح ذلك: إنّ الشارع منع عن

استعمال الحرام المعلوم و جوّز استعمال ما لم يعلم حرمة، و المجموع من حيث المجموع معلوم الحرمة و لو باعتبار جزئه و كذا كلّ منهما بشرط الاجتماع

مع الآخر، فيجب اجتنابه، و كلّ منهما بشرط الانفراد مجهول الحرمة فيكون حالاً. ۲۱۴ (۳)

۱. دليل مجوّزين را تقرير كنيد.

روایات دالّ بر حلیت مشکوک الحرمة دلالت می کنند بر تجویز ارتکاب مقداری از اطراف شبهه که زائد بر معلوم بالإجمال هستند؛ زیرا این

مقدار زائد، مشکوک الحرمة می باشند توضیح اینکه مجموع اطراف - به ما هو مجموع - معلوم الحرمة می باشند؛ زیرا وقتی حرمت جزء

معلوم باشد و كلّ نیز چیزی جز جزء، به انضمام اجزاء دیگر نباشد حرمت كلّ نیز معلوم است. همانطور که هر طرف به شرط اجتماع با سایر

اطراف معلوم الحرمة می باشد لذا باید از آن اجتناب نمود ولی هر طرف به شرط انفراد مجهول الحرمة است و به مقتضای اخبار فوق عدم

اجتناب از آن جائز است.

* و التحقيق في رجحان الإحتياط بالفعل في العبادات عند دوران الأمر بين الوجوب و غير الأستحباب و عدمه: أنه إن قلنا بكفاية احتمال المطلوبية في صحة العبادة فيما لا يعلم المطلوبية و لو إجمالاً، فهو، و إلاً فأوامر الإحتياط لا يجدى في صحتها؛ لأنّ موضوع التقوى و الإحتياط - الذي يتوقّف عليه هذه الأوامر - لا يتحقّق إلاً بعد إتيان محتمل العبادة على وجه يجتمع فيه جميع ما يعتبر في العبادة حتّى نيّة التقرب، و إلاً لم يكن احتياطاً فلا يجوز أن يكون تلك الأوامر منشأً للقربة المنويّة فيها. ١٥٢

٢. نظر مصنف را توضیح دهید.

در موارد دوران امر بین وجوب و اباحه یا کراهت، اگر قائل باشیم در مواردی که علم تفصیلی یا اجمالی به مطلوبیّت عمل نداریم، صرف احتمال مطلوبیّت، برای قصد قربت کافی است می توان احتیاط را راجح دانست ولی در غیر این صورت نمی توان صحّت را از ادلّه احتیاط استفاده نمود؛ زیرا موضوع این ادلّه که تقوی و احتیاط است محقق نمی شود مگر اینکه بتوان محتمل العباده را با تمام اجزاء و شرائط، اتيان نمود. لذا باید قصد قربت نیز در مرحله قبل ثابت باشد.

* هل يشترط في العنوان المحرّم الواقعيّ المرّد بين المشتبهين أن يكون على كلّ تقدير متعلّقاً لحكم واحد أم يشمل ما لو كان المحرّم على كلّ تقدير عنواناً غيره على التقدير الآخر، و الأقوى عدم جواز المخالفة القطعيّة مطلقاً. ٢٢٧

٣. ضمن شرح عبارت، برای هریک از دو فرض، مثال بزنید.

آیا شرط است در عنوان محرم واقعی مردد بین مشتبهین که در تمام تقديرات متعلق یک حکم باشد یا این که بتواند در یک فرض متعلق حکمی باشد و در فرض دیگر متعلق حکم دیگر. اقوی جواز مخالفت قطعیه در هر دو صورت است.
مثال اول: خمر مردد بین انائین. مثال دوم: جایی که امر دائر باشد بین اینکه مایعی نجس باشد یا مال دیگری باشد.

* إنّا نعلم إجمالاً قبل مراجعة الأدلّة الشرعيّة بمحرّمات كثيرة يجب بمقتضى قوله تعالى «وَمَا نَهَاكَ عَنْهُ فَانْتَهُوا» الخروج عن عهده تركها على وجه اليقين بالاجتناب أو اليقين بعدم العقاب. ٨٧

٤. دلیل عقلی بر وجوب احتیاط را تقریر کنید.

با توجه به آیات و روایات می فهمیم در دین اسلام حرامهای زیادی وجود دارد و با توجه به آیه شریفه «وما نهاکم عنه فانتهوا» ترک همه آن حرامها واجب است و یا حداقل باید به طریقی یقین به عدم عقاب در صورت ارتکاب حرام داشته باشیم - چون یقین به اشتغال ذمه، یقین به براءت را می طلبد - و بعد از مراجعه به ادله و عمل به ادله یقین به ترک همه حرامها پیدا نمی کنیم پس باید احتیاط کنیم و هر چیزی را که احتمال حرام بودنش را می دهیم باید ترک کنیم.

* في رواية مسعدة بن صدقة «كلّ شيء لك حلال ... وذلك مثل الثوب يكون عليك ولعله سرقة» لا إشكال في ظهور صدرها في المدعى (ای اصالة الحلیة في الشبهات التحريمية الموضوعية) لكن المثال المذكور فيها بملاحظة الأصل الأولى محكومة بالحرمة، والحكم بحلیتها إنما هو من حيث الأصل الموضوعی الثانوی فالحلّ غير مستند إلى أصالة الإباحة. ١٢٠ متوسط

٥. «اصل اولی» و «اصل موضوعی ثانوی» را در مثال بیان کرده و اشکال استدلال به روایت را توضیح دهید.

الأصل الأولى هو أصالة بقاء الثوب على ملك الغير والأصل الموضوعی الثانوی هو قاعدة اليد في المالك السابق.

اشکال: حلیت در این مثال به استناد قاعدة يد است نه اصالة الحل در مشکوک الحرمة

* إنّ تقدير المؤاخذه في حديث الرفع لا يلائم عموم الموصول للموضوع والحكم؛ لأنّ المقدّر المؤاخذه على نفس هذه المذكورات، ولا معنى للمؤاخذه على نفس الحرمة المجهولة. ٢٨ متوسط

٦. اشکال «تقدير مؤاخذه» را تقریر کنید.

ظاهر از روایت نفی مؤاخذه از خود مذکورات نه گانه است و ماى در «ما لا يعلمون» نمی تواند عبارت از حکم باشد؛ زیرا نفس حکم مؤاخذه ندارد و مؤاخذه منحصر در فعل خارجی عبد است.

* من الأدلة التي يدلّ على عدم وجوب الاحتياط في الشبهة التحريمية قوله (عليه السلام): «كلّ شيء مطلق حتّى يرد فيه نهى» ودلالته على المطلوب أوضح من الكلّ، وظاهره عدم وجوب الاحتياط؛ لأنّ الظاهر إرادة ورود النهى في الشيء من حيث هو، لا من حيث كونه مجهول الحكم، فإنّ تمّ ما سيأتي من أدلّة الاحتياط دلالةً وسنداً وجب ملاحظة التعارض بينها وبين هذه الرواية. ٤٣

٧. ادلّة وجوب احتياط در چه صورت، معارض این روایت است و در چه صورت بر آن مقدم می‌شود؟

اگر مراد از نهی، نهی از شیء من حیث هو هو (نهی واقعی) باشد ممکن است بین روایت و ادلّه وجوب احتیاط تعارض شود؛ ولی اگر مراد از نهی، نهی از شیئی به ما هو مجهول الحكم (نهی ظاهری) باشد ادلّه احتیاط که مفاد آن نهی ظاهری است، مقدّم بر این روایت است.

* مرجع الشك في المانع إلى الشك في شرطية عدمه، وأمّا الشك في القاطعية، بأن يعلم أن عدم الشيء لا مدخل له في العبادة إلا من جهة قطعه للهيئة الاتصالية المعتبرة في نظر الشارع فالحكم فيه استصحاب الهيئة الاتصالية وعدم خروج الأجزاء السابقة عن قابلية صيرورتها أجزاء فعلية. ٣٥٩

٨. مانع، قاطع، اجزاء فعلیه و اجزاء شأنیه را توضیح دهید.

مانع: چیزی است که عدم آن در «مأمور به» شرط شده است ولی وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه مأمور به نیست. (مثل کلام مختصر در نماز).

قاطع: چیزی است که عدم آن در مأمور به شرط شده است و وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه نماز است (مثل فعل کثیر که صحت نماز مشروط به عدم فعل کثیر در اثناء آن است و وجود فعل کثیر در اثناء نماز، عرفاً انسان را از حال نماز خارج می‌کند و هیئت اتصالیه نماز را به هم می‌زند).

اجزاء فعلیه: اجزاء مأمور به در فرض عدم وجود چیزی که هیئت اتصالیه را به هم می‌زند اجزاء فعلیه است بخلاف اجزاء در فرض وجود قاطع که اجزاء شأنیه است.

* وحاصل الفرق بين المانع والقاطع: أن عدم الشيء في جميع آفات الصلاة قد يكون بنفسه من جملة الشروط، فإذا وجد آنما فقد انتفى الشرط على وجه لا يمكن تداركه، فلا يتحقق المركب من هذه الجهة وهذا لا يجدي فيه القطع بصحة الأجزاء السابقة، فضلاً عن استصحابها وقد يكون اعتباره من حيث كون وجوده قاطعاً ورافعاً للهيئة الاتصالية في نظر الشارع بين الأجزاء، فإذا شك في رافعية شيء لها حكم ببقاء تلك الهيئة. ٣٧٤ ع ٢٥٢

٩. در کدام یک از شک در مانع یا قاطع، جریان استصحاب مصحح نماز است؟

در موارد شک در مانعیت استصحاب صحت اجزاء سابقه جاری نمی‌شود اما در موارد شک در قاطعیت استصحاب هیئت اتصالیه جاری است.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۳	ساعت:	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول المقصد الثالث فی شک تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إذا فرضنا ورود حکم شرعی للفعل المشكوك الحكم كان هذا الحكم الوارد حکم نفس المشكوك. ب ۱۰
- أ. ظاهری نظیر ب. ظاهری بخلاف ج. واقعی اولی نظیر د. واقعی اولی بخلاف
۲. إن الظاهر فی الدوران بین المتباينين أن وجوب كل من المحتملات ب ۳۰۵
- أ. عقلايی لسيرة العقلاء ب. عقلي لوجوب دفع العقاب المحتمل ج. شرعی لأخبار الاحتياط د. شرعی للنص الخاص
۳. الأصل فی كل واحد من المشتبهين بالشبهة المحصورة ب ۲۵۴
- أ. جار مطلقاً ب. غير جار مطلقاً ج. جار إذا كان المراد منه أصالة الحل د. غير جار إذا كان المراد منه أصالة الحل
۴. إذا تعارض نصان متكافئان فی جزئية شيء لشيء وعدمها و كان هناك إطلاق يقتضى أصالة عدم تقييده عدم جزئية هذا المشكوك فالحكم هو ج ۳۴۸
- أ. التخيير بين المتعارضين لأخبار التخيير ب. الاحتياط بإتيان الجزء المشكوك للعلم الإجمالي
- ج. الأخذ بالمطلق لتعارض المقيّد بمثله د. البراءة عن الجزء المشكوك لأدلة البراءة

تشریحی

* ان الأصل فی الافعال الغير الضرورية الحظر فيعمل به حتى يثبت من الشرع الإباحة و لم يرد الإباحة فی ما لا نصّ فيه و ما ورد - علی تقدير تسليم دلالتة - معارض بما ورد من الأمر بالتوقف و الاحتياط فالمرجع إلى الأصل. ۹۰

۱. أ. عبارت مذکور دلیل بر چیست؟ توضیح دهید. ب. مراد از «ما ورد» و اصل در «إلى الأصل» را به همراه تعارض توضیح دهید.
- أ. دلیل عقلي بر وجوب احتياط در شبهات تحريمیه. توضیح: به حکم عقل اصل اولی در افعال اختیاری منع است و این حکم عقل به منع ثابت است تا از شرع دلیل بر اباحه صادر شود.
- ب. مراد از «ما ورد» ادله اباحه باشد و مراد از «اصل» اصل حظر و ممنوعیت است. تعارض در صورتی است که ادله اباحه در شبهات تحريمیه صادر شود، این ادله با ادله احتياط تعارض می‌کنند و پس از تساقط رجوع به اصل حظر (حکم عقل) می‌رسد.

- * إن البحث فی الشبهة الموضوعية المحكومة بالإباحة ما إذا لم يكن هناك أصل موضوعی يقضى بالحرمة فمثل المرأة المرددة بين الزوجية و الأجنبية خارج عن محل الكلام لأن أصالة عدم علاقة الزوجية المقتضية للحرمة بل استصحاب الحرمة حاكمة على أصالة الاباحة. ۱۲۷
۲. أ. وجه حكومت «أصالة عدم علاقة الزوجية» بر أصل اباحه را توضیح دهید. ب. در عبارت «بل ...» وجه ترقی چیست؟
- أ. چون اصل عدم علاقة زوجیت، اصل موضوعی و اصل سببی است و اصل اباحه مسببی است؛ زیرا شك در اباحه و عدم آن مسبب از علاقة زوجیت و عدم آن است بخلاف عكس.
- ب. بل، در مقام ترقی است که حتی اصل حکمی حرمت هم حاکم است بر اصل اباحه؛ زیرا شك در اباحه و عدم اباحه مسبب از شك در حرمت و عدم آن است و لذا سببی و مسببی هستند و حاکم است بخلاف عكس آن.

* من الروایات الدالة على البرائة فى الشبهة التحريمية قوله ﷺ فى المرسله «كلّ شىء مطلق حتّى یرد فيه نهى» و دلالتہ على المطلب أوضح من الكل و ظاہرہ عدم وجوب الاحتیاط لأنّ الظاهر إرادة ورود النهى فى الشىء من حيث هو لا من حيث كونه مجهول الحكم فإنّ تمت أدلة الاحتیاط وجب ملاحظه التعارض بينها و بین هذه الروایة. ۴۳

۳. أ. دليل اوضح بودن روایت مذکور را توضیح دهید. ب. در صورت تمامیت ادله احتیاط، وظیفه چیست؟

أ. سایر ادله برائت می‌گویند: مکلف در صورت عدم بیان در برائت است. اخباری می‌گویند ادله احتیاط بیان هستند به خلاف این روایت که می‌گویند تا زمانی که نهی از مورد با عنوان اول وارد نشد مکلف آزاد است، پس در مورد مشکوک، چون نهی از عنوان اول احراز نشده حکم برائت است و ادله احتیاط بر او ورود ندارد بلکه معارض هستند.
ب. نسبت تعارض است باید قواعد تعارض و اخذ مرجحات جاری شود در صورت وجود و آلا تساقط می‌کنند.

* إنّ ثمره دلالة أخبار «من بلغ» على الأمر الارشادى و الاستحباب الشرعى تظهر فى ترتب الآثار الشرعية المترتبة على المستحبات الشرعية مثل ارتفاع الحدث المترتب على الوضوء المأمور به شرعاً فإنّ مجرد ورود خبر غیر معتبر بالأمر به لا یوجب إلّا استحقاق الثواب علیه و لا یترتب علیه رفع الحدث.
۴. ثمره ارشادى و غیر ارشادى بودن اخبار «من بلغ» را توضیح دهید. ۱۵۸

اگر قائل شدیم که اخبار «من بلغ» ارشادى هستند چنانچه خبری قائم شد که وضو برای فلان عمل وارد شده است قهراً فقط ثواب دارد ولی بنا بر استحباب شرعى علاوه بر ثواب، رافع حدث است.

* یتمسک لوجوب الإحتیاط فى الأقلّ و الأكثر بوجوب دفع الضرر- و هو العقاب- المحتمل قطعاً و بعبارة أخرى: وجوب المقدّمة العلمية للواجب و فيه: أنّ وجوب المقدّمة فرع وجوب ذی المقدّمة و هو الأمر المرّدّد بین الأقلّ و الأكثر إلّا أن وجوب المعلوم إجمالاً مع كون أحد طرفیه متیقّن الإلزام من الشارع و لو بالإلزام المقدّمی غیر مؤثّر فى وجوب الإحتیاط لكون الطرف الغير المتیقّن مورداً لقاعدة البرائة. ۳۲۵-۶
۵. استدلال بر وجوب احتیاط را تقریب کرده، جواب مصنف را توضیح دهید.

استدلال: با اتیان اقل، احتمال عقاب می‌دهیم؛ چون محتمل است که متعلق تکلیف، اکثر باشد و به مقتضای حکم عقل به لزوم دفع محتمل، باید اکثر اتیان شود تا به دفع عقاب محتمل علم پیدا شود.
اتیان اکثر از باب مقدمه علمیه فرع بر وجوب ذی المقدّمة یعنی امر مرّدّد بین اقل و اکثر است در حالیکه ما یقین به لزوم اقل داریم و در اکثر اصل برائت بلا معارض جاری می‌شود و با اتیان اقل احتمال عقاب نمی‌دهیم تا دفع آن با اتیان اکثر واجب باشد.

* الأقوی فى ترك الجزء سهواً أصالة بطلان العبادة بنقص الجزء سهواً إلاّ أن یقوم دلیل عام أو خاص على الصحة لأنّ ما كان جزءاً فى حال العمد كان جزءاً فى حال الغفلة فإذا انتفى انتفى المركب فلم یکن المأتى به موافقاً للمأمور به. ۳۶۳

۶. أ. مراد از اصل چیست؟ ب. رابطه دلیل صحت با آن را بیان کنید.
أ. مراد از اصل، اصل عقلی انتفاء مرکب بانتفاء بعض اجزاء است.
ب. رابطه دلیل صحت با آن: اگر دلیل بر صحت قائم شد این دلیل وارد است بر اصل عقلی چون با دلیل صحت، جزئیت آن منحصر در فرض التفات است و در فرض سهو، جزئیت ندارد تا با انتفاء آن مرکب منتفی شود.

* إنّ مفاد أخبار التوقف بأسرها التحذیر عن التهلكة المحتملة فلا بدّ من إحراز احتمال التهلكة عقاباً كانت أو غیره، و على تقدير إحراز هذا الاحتمال لا إشکال و لا خلاف فى وجوب التحرّز إذا كان المحتمل عقاباً، و استحبابه إذا كان غیره، فهذه الأخبار لاتنفع فى إحداث هذا الاحتمال و لا فى حکمه. ۷۱
۷. چرا ادله توقف، در احداث احتمال تهلکه و در حکم آن نافع نیست؟

اما در احداث احتمال تهلكه نافع نیست؛ زیرا دلیل، موضوع خودش را اثبات نمی‌کند و موضوع باید از خارج احراز شود (و الا دور لازم می‌آید) و اما وجوب تحرز (حکم) نافع نیست؛ زیرا در صورت احراز احتمال تهلكه یا عقاب، عقل به قاعده دفع ضرر محتمل، حکم به وجوب تحرز می‌کند و حکم در روایت، ارشاد به حکم عقل و مؤکد آن خواهد بود.

* الشبهة التحريمية من جهة إجمال النصّ إمّا بأن يكون اللفظة الدالة على الحكم مجملاً و إمّا بأن يكون الدالّ على متعلق الحكم كذلك سواء كان الإجمال في وضعه أم كان الإجمال في المراد منه. ۱۱۴

۸. اقسام اجمال موجود در عبارت را با ذکر مثال بیان کنید.

لفظ دال بر حکم مجمل باشد مثلاً صیغه نهی بدون قرینه و ما قائل به اشتراک لفظی نهی بین حرمت و کراهت باشیم - لفظ دال بر متعلق حکم مجمل باشد مثلاً متعلق حرمت غنا است و آن معلوم نیست و مجمل است. و اجمال متعلق یا به خاطر اجمال در وضعیت است (مثلاً نمی‌دانیم ترجیح در موضوع له غنا هست یا نه) یا به خاطر اجمال در مراد متکلم است (مثلاً نمی‌دانیم متکلم از خمر خصوص مسکر را اراده کرده است یا خمر غیر مسکر را نیز اراده کرده است).

* إن الاستدلال على صحّة العبادة عند الشكّ في طرورّ المانع باستصحاب حرمة القطع ضعيف لمنع كون رفع اليد بعد وقوع الزيادة قطعاً لاحتمال حصول الانقطاع، فلم يثبت في الآن اللاحق موضوع القطع حتى يحكم عليه بالحرمة، و أضعف منه: استصحاب وجوب إتمام العمل للشكّ في الزمان اللاحق في القدرة على إتمامه. ۳۸۰

۹. اشکال هر یک از دو استصحاب مطرح شده را توضیح دهید.

جواب: چون موضوع قطع، عمل صحیح است و صحت احراز نشده، موضوع قطع احراز نمی‌شود تا حکم به حرمت آن شود. استصحاب وجوب اتمام عمل نیز جاری نیست؛ چون ممکن است عدم زیاده، از شرائط واجب باشد؛ لذا بعد از تحقق زیاده، در قدرت بر اتمام عمل شک داریم و از آنجا که تکلیف عقلاً مشروط به قدرت است (در این فرض که قدرت احراز نشده است) حکم وجوب اتمام قابل اثبات نیست.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۵/۰۵/۱۳	ساعت:	۱۶

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول المقصد الثالث فی شک تا ابتدای المقام الثانی فی الشبهة الخیر الممضوره

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره زاره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. به نظر مصنف روایت «کل شیء فيه حلال وحرام فهو لك حلال حتى تعرف الحرام منه» است.
 - مختص به شبهة موضوعیه
 - مختص به شبهة حکمیة
 - برای هر دو نوع شبهه
 - مجملاً
۲. فی الشبهة التحريمية التي لا نصّ فيه نسب الوحيد البهبهاني إلى الأخباريين: التوقف، و الاحتياط، و الحرمة الظاهرية، و الحرمة الواقعية فيحتمل رجوعها إلى معنى واحد لكن الأظهر: أن التوقف ... الاحتياط بحسب المورد. **ب ۱۰۵**
 - أخص من
 - أعم من
 - يبين
 - أعم من وجه من
۳. در «دوران بین محذورین از نوع شبهه حکمیة فقدان نص» آیا نسبت به وجوب و حرمت، استصحاب عدم جاری می شود؟ **ج ۱۷۸**
 - یجری مطلقاً
 - لا یجری مطلقاً
 - یجری فی الآثار المختصة بكلّ منهما
 - یجری فی الآثار المشتركة بينهما
۴. اذا دار الأمر بين المشتبهين فإنّ وجوب الاجتناب **ب ۲۲۹**
 - مولوی مطلقاً
 - ارشادی مطلقاً
 - مولوی اذا ثبت المعلوم بالاجمال بدلیل مولوی
 - ارشادی اذا ثبت المعلوم بإجمال بدلیل ارشادی

تشریحی

* کون الدلیل رافعاً لموضوع الأصل - و هو الشک - إنّما یصحّ فی الدلیل العلمی؛ حیث إنّ وجوده یرجح حکم الواقعة عن کونه مشکوکاً فیہ، و أمّا الدلیل الغیر العلمی فهو بنفسه غیر رافع لموضوع الأصل و هو عدم العلم. **۱۲**

۱. با توجه به عبارت، رابطه بین اصل و اماره چیست؟ توضیح دهید.

تخصیص زیرا با آمدن اماره، موضوع اصل (که شک و جهل به حکم واقعی است) از بین نمی رود و با بقاء موضوع، تخصیص یا ورود معنا ندارد اما حکم اصل برداشته می شود بنابراین مجهولاتی که اماره بر آنها اقامه می شود موضوعاً مجهول هستند اما حکم مجهول را ندارند و اخراج حکمی همان تخصیص است.

* إذا بنینا فی حدیث الرفع علی رفع عموم الآثار فلیس المراد بها الآثار المترتبة علی هذه العنوانات من حیث هی، إذ لا یعقل رفع الآثار الشرعیة المترتبة علی الخطأ والسهو من حیث هذین العنوائین بل المراد أنّ الآثار المترتبة علی نفس الفعل لا بشرط الخطأ قد رفعها الشارع عن ذلك الفعل إذا صدر عن الخطأ.

۲. أ. مراد از «الآثار المترتبة علی هذه العنوانات من حیث هی» چیست؟ مثال بزنید. ب. چرا رفع این آثار، نامعقول است؟ **۳۲**

أ. یعنی آثار و احکام مشروط به یکی از امور تسعه مثل وجوب سجده سهو که مشروط به نسیان بعض اجزاء نماز است.

ب. چون جعل حکم بر آن عنوان (مثلاً خطأ) و رفع آن حکم به واسطه حدیث رفع، موجب تناقض می شود.

* احتجّ لوجوب الکفّ عمّا یحتمل الحرمة بقوله تعالى: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ و أمّا الجواب عنهما فبمنع منافاة الارتكاب للتقوى و المجاهدة، مع أنّ غايتها الدلالة علی الرجحان. **۶۳**

۳. استدلال مذکور را تقریر کرده و نقد کنید.

استدلال: احتیاط در شبهه تحریمیة، تقوی و مجاهده است و تقوی و مجاهده واجب است؛ پس احتیاط در شبهه تحریمیة واجب است.

نقد: اولاً: ارتکاب شبهه تحریمی، منافاتی با تقوی و مجاهده ندارد زیرا تقوی و مجاهده عبارت هستند از فعل واجبات و ترک محرّمات نه ترک محتمل الحرمة و یا فعل محتمل الوجوب. ثانیاً: آیه شریفه «اتَّقُوا اللَّهَ...» نهایتاً دلالت می‌کند بر رجحان اجتناب از مشبه الحرمة زیر تقوای کامل مستحب است نه واجب.

۴. با توجه به «أصالة الحظر في الأفعال الاختيارية» وجوب احتیاط را در شبهه تحریمی اثبات کنید. ۹۰

مقدمه خارجی: اصل در افعال اختیاریه حرمت است مگر اینکه اباحه اثبات شود.

استدلال: ارتکاب شبهه تحریمی، ارتکابی است که اباحه اش اثبات نشده - زیرا اولاً دلیلی که دلالت بر اباحه در شبهه تحریمی کند وجود ندارد ثانیاً با فرض اینکه ادله برائت دلالت داشته باشد با ادله احتیاط و توقف تعارض و تساقط می‌کند - و ارتکابی که اباحه اش اثبات نشده حرام است (به دلیل اصل که در مقدمه خارجی بیان شد).

* أن محلّ الكلام في الشبهة الموضوعية المحكومة بالإباحة ما إذا لم يكن هناك أصل موضوعي يقضى بالحرمة؛ فمثل المرأة المرددة بين الزوجة و الأجنبية خارج عن محلّ الكلام؛ لأنّ أصالة عدم علاقة الزوجية - المقتضية للحرمة - بل استحباب الحرمة، حاکمة علی أصالة الإباحة. ۱۲۷

۵. أ. اصل جاری در شبهه در چه صورتی به اصل حکمی و در چه صورتی به اصل موضوعی تعبیر می‌شود؟ ب. مطلب مذکور را همراه با مثال تبیین کنید.

أ. آنجا که شبهه در موضوع حکم است، اصل جاری شونده در شبهه را اصل موضوعی و آنجا که شبهه در خود حکم است جریان اصل را اصل حکمی گویند. (تعریفی دیگر: اصل موضوعی اصلی است که احراز واقع می‌کند چه در موضوع جاری شود چه در حکم).
ب. هرکجا که شبهه در موضوع باشد شبهه در حکم نیز می‌باشد و اصل در موضوع مقدم است بر اصل در حکم است - خواه اصل موضوعی هم نتیجه با اصل حکمی باشد و یا نباشد - و با جاری شدن اصل در موضوع، نوبت به اصل حکمی نمی‌رسد. مثلاً با وجود اصالت عدم زوجیت، امرائه مرده بین اباحه و حرمت و طی از موضوع زوجه خارج شده و در اجنبیه داخل می‌شود و دیگر موضوع اصالة الإباحة از بین می‌رود و مجرای ندارد تا جاری شود.

۶. با توجه به «اخبار من بلغ» اثبات کنید که هر عمل محتمل الوجوبی را می‌توان به صورت عبادی انجام داد. ۱۵۳

عمل محتمل الوجوب - طبق اخبار من بلغ - دارای ثواب است و دارای ثواب، دارای امر استحبابی مولوی است (به دلیل ملازمه بین ثواب و امر استحبابی مولوی) پس عمل محتمل الوجوب - طبق اخبار من بلغ - دارای امر استحبابی مولوی است و هر عمل دارای امر استحبابی مولوی را می‌توان به صورت عبادی و با قصد امر مولا انجام داد.

* ممّا يدلّ علی الأمر بالتخیر فی ما اشتبه الوجوب بغير الحرمة لتعارض النصين: توقيع الحميري، ثمّ إنّ جماعة من الاصوليين ذكروا في باب التراخيح

الخلافاً في ترجيح الناقل أو المقرّر، و حکي عن الأكثر ترجيح الناقل و لعلّ هذا كلّ مع قطع النظر عن الأخبار. ۱۶۶

۷. أ. به نظر مصنف حکم در شبهه مذکور چیست؟ چرا؟ ب. عبارت «ثمّ إنّ جماعة من الاصوليين ذكروا» را توضیح دهید.

أ. تخيير به دليل توقيع حميري (و به طور کلی اخبار علاجیه). ب. سؤال: اگر در تعارض وظیفه تخيير است، چرا علماء در تعارض حکم به تخيير نکرده اند؟ پاسخ: علماء با قطع نظر از روایات حکم کرده اند گرچه مفاد روایات تخيير است.

* أمّا المقام الأول: هل يجوز ارتكاب جميع المشتبهات؟ فالحقّ فيه: عدم الجواز و حرمة المخالفة القطعية لوجود المقتضى للحرمة و عدم المانع عنها. أمّا ثبوت المقتضى: فلعوم دليل تحريم ذلك العنوان المشتبه و أمّا عدم المانع: فلأنّ العقل لا يمنع من التكليف و أمّا الشرع فلم يرد فيه ما يصلح للمنع.

۸. أ. نوع شبهه و مراد از مقتضی را همراه با مثال تبیین کنید. ب. عبارت «أنّ العقل لا يمنع من التكليف» را توضیح دهید. ۲۰۰

أ. نوع شبهه: شبهه تحریمیه موضوعیه مثل خمر مردد بین انائین. مراد از مقتضی: مقتضی یعنی عمومیت دلیل حرمت مثل اجتناب عن الخمر که شامل خمر مردد بین انائین نیز می‌شود. ب. یعنی عقل مانعی نمی‌بیند که شارع مخالفت قطعیه را در شبهه تحریمیه حرام کند. مانع مانند قبح عقاب بلا بیان و تکلیف بما لا یطاق و ...

۹. چرا علم اجمالی مانع اجراء اصل عملی در اطراف شبهه می‌شود؟ مثالی بزنید که منشأ اجمال، اشتباه در مکلف باشد. ۲۵۱

اصل عملی با وجود علم اجمالی، فاقد موضوع (یعنی شک) است و اصل عملی فاقد موضوع، جاری نمی‌شود؛ پس اصل عملی با وجود علم اجمالی، جاری نمی‌شود. مانند خنثی که علم اجمالی دارد به حرمت پوشیدن یکی از دو لباس زنانه و مردانه.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

اصول ۱	موضوع :	۸	پایه :
۱۸	ساعت :	۹۰/۶/۱۳	تاریخ :

نام کتاب: فرائد الاصول، از الموضع الثانی (فی الشک فی المکلف به) تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دراره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

- کدام گزینه درباره شبهاات غیر محصوره تحریمیه غلط است؟ د ۲۶۶
 - اجتناب از جمیع اطراف لازم نیست
 - ارتکاب بعض افراد بقصد حرام جایز نیست
 - اجتناب به مقدار معلوم الحرمة کفایت می کند
 - در شبهاات غیر محصوره براءت جاری می شود ■
- نظر مصنف در مخالفت قطعیه صورت اشتباه واجب به غیر حرام (در متباینین) با فقدان نص معتبر، چیست؟ د ۲۷۹-۲۸۰/۱
 - عدم الحرمة؛ لعدم وجود المقتضی
 - الحرمة؛ للنص المعتبر
 - عدم الحرمة؛ لأنها لیست معصية عند العقلاء
 - الحرمة، لأنها معصية عند العقلاء ■
- إذا وجب صوم شهر هلالی فشک فی أنه ثلاثون أو ناقص، اللزوم فی المقام ج ۳۵۲
 - البراءة العقلیة
 - البراءة النقلیة
 - الاحتیاط ■
 - التخیر
- دلالت روایت «إذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم» بر قاعدة میسور موقوف است بر این که «من» باشد. ج ۳۹۰
 - به معنای «باء»
 - بیانیه
 - تبعیضیه ■
 - زائده

تشریحی

- در دو مورد زیر، آیا «احتیاط»، واجب است؟ دلیل آن را بیان کنید.
 - لو علم بوقوع قطرة من البول فی أحد انائین أحدهما کثیر لا ینفعل بالنجاسة: ج. اجتناب لازم نیست؛ چون یک طرف شبهه با وجود علم تفصیلی به وقوع نجس در آن لازم الاجتناب نیست پس علم تأثیری ندارد. ۲۳۴
 - لو علم بوقوع النجاسة فی الاناء او خارجه (ای الأرض القریبة منه) مع فرض کون الخارج ممّا یسجد علیه المکلف: ج. اجتناب لازم است؛ چون علم اجمالی دارد به تکلیف مردد بین حرمت وضو با آب نجس و حرمت سجده بر زمین نجس. ۲۳۶

* لو انکشف مطابقة ما أتى به للواقع (فی مسألة تردد القبلة) قبل فعل الباقي أجزاء عنه؛ لأنه صَلَّى الصلاة الواقعية قاصداً للتقرب بها الى الله وإن لم يعلم حين الفعل أن المقرب هو هذا الفعل. ۳۰۷

۲. فرع فوق و دلیل آن را بنویسید.

کسی که وظیفه اش احتیاط (خواندن نماز به چهار سمت) است و در حین عمل به احتیاط، یقین به جهت واقعی پیدا کرد خواندن باقی نمازها به سوی غیر آن جهت لازم نیست.
دلیل: غرض از احتیاط انجام فعل واجب بود و با یقین مذکور این مهم حاصل است.

* لو اضطرَّ الى ارتكاب بعض المحتملات فإن كان بعضاً معيّنًا فالظاهر عدم وجوب الاجتناب عن الباقي إن كان الاضطرار قبل العلم أو معه؛ لرجوعه الى عدم تنجّز التكليف بالاجتناب عن الحرام الواقعي؛ لاحتمال كون المحرّم هو المضطرّ اليه. وإن كان بعده فالظاهر وجوب الاجتناب عن الآخر.

۳. أ. برای هر یک از «اضطرار به بعض معین» و «غیر معین» مثال بزنید. ب. نظر مصنف را در صورت اول بیان کنید. ۲۴۵

۱. اضطرار به بعض معین: مثلاً در یک اناء آب بوده و در اناء دیگر آب انار و انسان مضطراً می‌شود برای خوردن آب برای رفع عطش شدید.

۲. اضطرار به بعض غیر معین: مثلاً دو آب در دو ظرف وجود دارد که انسان مضطراً به شرب یکی از آن دو می‌شود هر کدامش باشد.

۳. در صورتی که اضطرار به بعض معین باشد، دو حالت دارد: ۱. اگر اضطرار قبل از علم یا همراه علم باشد، اجتناب واجب نیست ولی اگر اضطرار بعد از علم باشد، اجتناب از باقی واجب است.

۴. به نظر مصنف، ضابطه «شبهه غیر محصوره» چیست؟ ۲۷۱

ما بلغ كثرة الوقائع المحتملة للتحريم الى حيث لا يعنى العقلاء بالعلم الاجماليّ الحاصل فيها.

۵. در مسأله «اشتباه الواجب بغيره في دوران الأمر بين المتباينين لتكافؤ النصين» نظر و دليل مشهور چیست؟ ۲۹۸

التخيير لأخبار التخيير.

۶. «اقل و اكثر ارتباطی» را با ذکر مثال توضیح دهید. ۲۷۷

مثلاً اگر در جزئیت قنوت نسبت به نماز شک داشته باشیم یعنی ندانیم نماز با قنوت واجب است یا نماز بدون قنوت، این علم اجمالی منحل می‌شود به یک علم تفصیلی نسبت به نماز بدون قنوت و یک شک بدوی نسبت به قنوت.

* إذا ثبت جزئية شيء وشك في ركنيته فهل الأصل كونه ركناً أو عدم كونه كذلك أو مبنى على مسألة البراءة والاحتياط في الشك في الجزئية أو التبعض بين أحكام الركن فيحكم ببعضها وينفي بعضها الآخر وجوه. ۳۶۱

۷. وجوه مذکور در عبارت را توضیح دهید.

۱. اگر جزئیت چیزی، ثابت و رکن بودنش مشکوک باشد، اصل بر رکن بودن آن است. ۲. اصل بر عدم رکن بودن آن است.

۳. اگر در شک در جزئیت، اصل برائت جاری شود، اصل بر عدم رکنیت است و اگر اصل احتیاط جاری شود، اصل بر رکنیت است.

۴. در چنین مواردی تمام احکام رکن جاری نمی‌شود بلکه بعضی از احکام آن جاری می‌شود و بعضی دیگر جاری نمی‌شود.

* لو جعل الشارع للكل بدلاً اضطرارياً كالتيمم ففي تقديمه على الناقص وجهان: من أن مقتضى البدلية كونه بدلاً عن التام فيقدم على الناقص كالمبدل، ومن أن الناقص حال الإضطرار تام؛ لانتفاء جزئية المفقود، فيقدم على البديل كالتام. ۳۹۸ ع ۲۵۲

۸. دو وجه را همراه با مثالی تبیین کنید.

مثال: اگر در وضو به واسطه جبیره نتوان پشت پا را مباشرة مسح نمود با توجه به اینکه تیمم بدل ضرطاری وضو می‌باشد ممکن است بگوییم تیمم که بدل است مثل مبدل (وضوی تام) خود مقدم بر وضوی ناقص (وضو با مسح بر جبیره) می‌باشد و ممکن است بگوییم که در حال اضطرار با توجه به اینکه مباشرت ماسح با ممسوح جزئیتی ندارد همین وضوی ناقص تام الاجزاء می‌باشد و مقدم بر تیمم، همان گونه که وضوی تام در حال اختیار مقدم بر تیمم می‌باشد.

* يدلّ على وجوب أصل الفحص لإجراء البرائة قوله (ص) في من غسل مجدوراً أصابته جنابة فكزّ فمات: «قتلوه، قتلهم الله، ألا سألوا، ألا يّموه»

۹. دلالت روایت بر وجوب فحص را تقریر کنید. ۴۱۲ (د ۲ س ۳)

حضرت این فرد را که نسبت به حکم جاهل بوده است توییح کرده (ألا سألوا) و نسبت قتل به او می‌دهند و توییح جز در فرض ترک وظیفه وجهی ندارد بنا بر این تحصیل علم لازم است و بدون فحص عذری وجود ندارد.

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از الموضع الثانی (فی الشک فی المکلف به) تا ابتدای استصواب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. ا. إن حرمة المخالفة القطعية في الشبهة المحصورة ... ج ۲۰۹
- ب. مختصة بما إذا كان الحرام المشتبه مردداً بين عنوانين
- ج. تعمّ الفرضين
- د. تعمّ الفرضين إلا في التدریجیات
۲. لو اضطرّ الى ارتكاب بعض المحتملات فان كان بعضاً معيّنًا فالظاهر ... أ ۲۴۵ س ۲۵۱
- ب. عدم وجوب الاجتناب عن الباقي ان كان الاضطرار بعد العلم
- ج. وجوب الاجتناب عن الباقي ان كان الاضطرار مع العلم
- د. وجوب الاجتناب عن الباقي ان كان الاضطرار قبل العلم
۳. در صورتی که مخالفت قطعیه را در شبهات تدریجی جائز بدانیم، نظر مصنف در مورد حکم معاملات تاجری که علم اجمالی دارد در یک ماه به معاملاتی ربوی مبتلا می شود، چیست؟ د ۲۴۹
- ا. جریان «اصالة الصحة» در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند
- ب. جریان «اصالة الفساد» در تمامی معاملات به همراه استحقاق عقاب
- ج. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات
- د. جریان «اصالة الفساد» و «اصالة الاباحة» در تمام معاملات
۴. فی اشتباه الواجب بغير الحرام يكون دوران الأمر بين وجوب القصر والتمام من قبيل الدوران بين ... ج ۲۷۷
- ا. المتباينين والشك في التكليف
- ب. الأقل والأكثر الارتباطيين والشك في التكليف
- ج. المتباينين والشك في المكلف به
- د. الأقل والأكثر الارتباطيين والشك في المكلف به

سؤالات تشریحی:

- * احتجّ من جوّز ارتكاب ما عدا مقدار الحرام في الشبهة المحصورة بالأخبار الدالة على حلّ ما لم يعلم حرمة و قال في توضيح ذلك: إن الشارع منع عن استعمال الحرام المعلوم و جوّز استعمال ما لم يعلم حرمة، و المجموع من حيث المجموع معلوم الحرمة و لو باعتبار جزئه و كذا كل منهما بشرط الاجتماع مع الآخر، فيجب اجتنابه، و كل منهما بشرط الانفراد مجهول الحرمة فيكون حلالاً.
۱. دليل مجوّزين را تقرير كنيد. ۲۱۴ (۳)

روایات دالّ بر حلّیت مشکوک الحرمة دلالت می کنند بر تجویز ارتکاب مقداری از اطراف شبهه که زائد بر معلوم بالإجمال هستند؛ زیرا این مقدار زائد، مشکوک الحرمة می باشند توضیح اینکه مجموع اطراف به ما هو مجموع، معلوم الحرمة می باشند - زیرا وقتی حرمت جزء معلوم باشد و کلّ نیز چیزی جز جزء، به انضمام اجزاء دیگر نباشد حرمت کلّ نیز معلوم است - همانطور که هر طرف به شرط اجتماع با سایر اطراف معلوم الحرمة می باشد لذا باید از آن اجتناب نمود ولی هر طرف به شرط انفراد مجهول الحرمة است و به مقتضای اخبار فوق عدم اجتناب از آن جائز است.

* إن الزيادة العمديّة على وجوه: أحدها: أن يقصد كون مجموع الزائد والمزيد عليه جزءاً واحداً؛ الثاني: أن يأتي بالزائد بدلاً عن المزيد عليه بعد رفع اليد عنه. ۳۷۰ (ع: ۲: د: ۲)

۲. برای هر یک از دو قسم، مثال بزنید.

مثال قسم اول: مثلاً اعتقاد پیدا کند که آنچه در رکوع واجب است جنس رکوع است که هم بر واحد صادق است و هم بر متعدد.

مثال قسم دوم: کسی که سوره ای را قرائت کرده است بعد در اثناء یا بعد از فراغ پیشمان شود و سوره ای دیگر بخواند.

* إذا كان المرّد بين الأمور الغير المحصورة أفراداً كثيرة نسبة مجموعها إلى المشتبهات كنسبة الشيء إلى الأمور المحصورة. ۲۷۴

۳. عبارت را در ضمن مثال توضیح دهید. ۲۷۴ ع ۱۵۱

افراد حرام در میان اطراف شبهه غیر محصوره آن قدر زیاد است که شبهه غیر محصوره با نسبت سنجی تبدیل می شود به شبهه محصوره؛ مثلاً از ده هزار اناء یک هزار اناء نجس است که در این صورت نسبت یک هزار اناء به ده هزار اناء یک دهم می باشد و این شبهه را غیر محصوره می کند نظیر ده اناء که یکی از آنها نجس باشد.

* هل يجوز ارتكاب جميع المشتبهات في غير المحصورة بحيث يلزم العلم التفصيلي، أم يجب ابقاء مقدار الحرام؟ ظاهر إطلاق القول بعدم وجوب الاجتناب هو الأوّل، لكنّ يحتمل أن يكون مرادهم عدم وجوب الاحتياط فيه في مقابل الشبهة المحصورة التي قالوا فيها بوجوب الاجتناب، وهذا غير بعيد عن مساق كلامهم فحينئذ لا يعمّ معقد إجماعهم لحكم ارتكاب الكلّ، إلاّ أنّ الأخبار لو عمّت المقام دلّت على الجواز. ۲۶۶

۴. تفاوت بین اجماع و اخبار در فرض شمول فرض را همراه با دلیل بیان کنید.

اجماع، دلیلی لّبی است و اطلاق ندارد و در مقام شک باید به قدر متیقن آن اخذ نمود. در فرض بحث نیز احتمال می دهیم حکم علما به جواز ارتکاب شبهه غیر محصوره در مقام بیان تفاوت آن با شبهه محصوره باشد؛ یعنی در شبهه محصوره مخالفت احتمالیه حرام است، ولی در غیر محصوره ارتکاب بعضی، اشکال ندارد؛ پس ممکن است در مقام بیان جواز ارتکاب جميع اطراف نباشند، در حالی که اطلاق روایات اگر شامل ارتکاب جميع اطراف شوند، می توانند جواز را اثبات کنند چون می توان به اطلاق دلیل لفظی تمسک کرد.

۵. در صورت علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه، اگر صلاة ظهر را اتیان کند، آیا می تواند با «استصحاب عدم الاتیان بالواجب الواقعی» وجوب صلاة جمعه را اثبات کند؟ چرا؟ ۲۹۳ ع ۲۵۱

خیر؛ زیرا اصل مثبت است (به این بیان که وجوب صلاة جمعه از آثار شرعیة عدم الاتیان بالواجب الواقعی نیست بلکه از مقارنات عقلیه آن است).

* هل يشترط في تحصيل العلم الإجمالي بالبراءة بالجمع بين المشتبهين عدم التمكن من الامتثال التفصيلي بإزالة الشبهة و اختياره ما يُعلم به البرائة تفصيلاً أم يجوز الاكتفاء به وإن تمكّن من ذلك، فيجوز لمن قدر على تحصيل العلم بالقبلة أو تعيين الواجب الواقعي من القصر والاتمام، الامتثال بالجمع بين المشتبهات. ۳۱۰ ع ۱۵۲ و ۳

۶. با توجه به عبارت، محل بحث را همراه با مثال توضیح دهید.

محل بحث این است که آیا امتثال اجمالی در صورت تمکن از امتثال تفصیلی، کفایت می کند؟ مثلاً کسی که متمکن از تحصیل علم به قبله بوده و صلاة به قبله واقعی برای او ممکن باشد آیا می تواند تحصیل علم به قبله و در نتیجه امتثال تفصیلی را ترک کرده، به امتثال اجمالی (که همان تکرار صلاة الى الجهات الاربعة باشد) اکتفا کند؟

* العلم الإجمالي في الأقل والأكثر الارتباطي غير مؤثر في وجوب الاحتياط ودوران الإلزام في الأقل بين كونه مقدّمياً أو نفسياً، لا يقدر في كونه معلوماً بالتفصيل. ۳۲۲ ع ۲۵۱

۷. اشکال مقدر و پاسخ اشاره شده (در عبارت «دوران...») به آن را بیان کنید.

اشکال: وجوب تفصیلی اقل معلوم نیست؛ زیرا اگر واجب ما اقل باشد وجوب آن نفسی خواهد بود و اگر اکثر باشد وجوب اقل مقدّمی خواهد بود پس یک واجب معلوم بالتفصیل درباره اقل ثابت نیست تا علم اجمالی منحل شود.

جواب: وجوب اقل از نظر مقدّمی و نفسی بودن معلوم نیست ولی در اینکه ترک اقل مستلزم عقاب است شکی نیست. پس، از این نظر معلوم بالتفصیل است و همین قدر در انحلال علم اجمالی کافی است.

* المسألة الثانية: ما إذا كان الشك في الجزئية ناشئاً من إجمال الدليل كما إذا علق الوجود في الدليل اللفظي بلفظ مردّد بأحد أسباب الإجمال بين مركّبين يدخل أقلهما جزءاً تحت الأكثر بحيث يكون الآتي بالأكثر آتياً بالأقلّ كما إذا وجب في الغسل غسل ظاهر البدن، فيشكّ في أنّ الجزء الفلاني كباطن الأذن من الظاهر أو الباطن والأقوى هنا أيضاً جريان أصالة البراءة. ۳۳۹ ع ۲۲

۸. أ. محل بحث در عبارت را در ضمن مثال توضیح دهید. ب. عبارت «بحیث یكون الآتی بالأكثر آتياً بالأقلّ» احتراز از چیست؟ شرح دهید.
أ. محل بحث شک در جزئیّت ناشی از اجمال دلیل است مثل اینکه دلیل لفظی غسل ظاهر بدن را واجب کند و ما شک کنیم که داخل گوش از ظاهر بدن است یا خیر ب. عبارت «بحیث یكون ...» احتراز است از امثال قصر و اتمام یعنی اجتناب از دوران امر بین متباینین حیث اینکه آتی به اتمام، آتی به قصر نیست زیرا اتمام بشرط شیء اخذ شده است و قصر بشرط لا، و ماهیت بشرط لا و ماهیت بشرط شیء متباینان هستند.

* ثمّ إنّ مرجع الشكّ فی المانعیه إلى الشكّ فی شرطیه عدمه وأمّا الشكّ فی القاطعیه، بأن یعلم أنّ عدم الشیء لا مدخل له فی العبادة إلاّ من جهة قطعه للهیئة الاتصالیة المعتبرة فی نظر الشارع، فالحکم فیہ استصحاب الهیئة الاتصالیة وعدم خروج الأجزاء السابقة عن قابلیة صیورتها أجزاءً فعلیة. ۳۵۹
۹. اجزاء فعلیه و اجزاء شأنیه را توضیح دهید.

اجزاء فعلیه: اجزاء مأمور به در فرض عدم وجود چیزی که هیئت اتصالیه را به هم می‌زند اجزاء فعلیه است بخلاف اجزاء در فرض وجود قاطع که اجزاء شأنیه است.

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۲/۰۶/۰۲	ساعت :	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از الموضع الثانی (فی الشک فی المکلف به) تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إن حرمة المخالفة القطعية في الشبهة المحصورة ج ۲۰۹

أ. مختصة بما إذا كان الحرام المشتبه عنواناً واحداً مردداً بين أمرين

ب. مختصة بما إذا كان الحرام المشتبه مردداً بين عنوانين

ج. شامل لما كان مردداً بين عنوانين

د. شامل لما كان عنواناً واحداً مردداً بين أمرين إلا إذا كان تدريجياً الحصول
۲. بر فرض جواز مخالفت قطعيه در شبهات تدريجی، نظر مصنف در حکم معاملات تاجری که علم اجمالی دارد در طول یک ماه به معاملاتی ربوی مبتلا می شود چیست؟ د ۲۴۹

أ. تمسک به اصالة الصحة در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند

ب. تمسک به «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات

ج. تمسک به «أوفوا بالعقود» تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند

د. تمسک به اصالة الفساد در تمام معاملات
۳. کسی که یکی از دو مایعی را که می داند یکی از آنها شراب است می نوشد، ... (نظر مصنف) ج ۲۳۹ س ۱۵۱

أ. هم دهانش نجس است و هم حد می خورد

ب. دهانش نجس است ولی حد نمی خورد

ج. نه دهانش نجس است و نه حد می خورد

د. حد می خورد ولی دهانش نجس نیست
۴. ارتکاب جميع المشتبهات في غير المحصورة ب ۲۶۶ ع ۱۵۱

أ. جائز؛ لإطلاق معقد الإجماع

ب. غير جائز؛ لاستلزامه مخالفة التكليف الواقعي

ج. جائز؛ لأصالة البراءة في الكل

د. غير جائز؛ إلّا فيما زاد على مقدار الحرام

تشریحی

۱. دلیل حرمت مخالفت قطعیه در موارد شبهه محصوره را تقریر کنید. ۲۰۰ س ۱۵۱

دلیل: عموم تحریم شامل عنوان مشتبه می شود یعنی مثلاً «اجتنب عن الخمر» شامل خمر موجود معلوم - به علم اجمالی ولی مشتبه بین دو ظرف - می شود و اختصاص به خمیری که تفصیلاً معلوم باشد ندارد و هیچ مانع عقلی یا شرعی نسبت به این تعمیم وجود ندارد.
- * إذا علم أن أحد الفعلين واجب والآخر محرّم واشتبه أحدهما بالآخر ... فالحكم فيه وجوب الإتيان بأحدهما وترك الآخر مخيراً في ذلك؛ لأنّ الموافقة الاحتمالية في كلا التكليفين أولى من الموافقة القطعية في أحدهما مع المخالفة القطعية في الآخر. ۴۰۳

۲. «موافقت احتماليه با هر دو تکلیف» و «موافقت قطعيه با یکی» چگونه حاصل می شود؟

با ارتکاب یکی و ترک دیگری به نحو تخییر ابتدایی احتمال می دهیم همان را که آورده ایم واجب باشد و آن را که ترک کرده ایم حرام باشد موافقت احتماليه با هر دو تکلیف حاصل می شود و اما اگر هر دو را اتيان کنیم و یا آنکه هر دو را ترک کنیم در صورت اول قطع به موافقت واجب و قطع به مخالفت حرام و در صورت دوم قطع به موافقت حرام و قطع به مخالفت واجب پیدا می کنیم.

* لا يجوز التمسك في دوران الأمر بين المتباينين بأدلة البراءة كرواية الحجب؛ لأن العمل بها في كل من الموردین بخصوصه یوجب طرحها بالنسبة الی أحدهما المعین عند الله المعلوم وجوبه؛ فإنّ وجوب واحدة من الظهر و الجمعة ممّا لم یحجب الله علمه عنّا، فلیس موضوعاً عنّا. ۲۸۳ س ۱۵۲

۳. با توجه به متن، دلیل عدم جواز تمسک به روایت حجب را توضیح دهید.

عمل به این ادله در هر دو طرف قضیه، موجب کنار گذاشتن حکم واقعی می شود یعنی نمی توان هم نسبت به ظهر و هم نسبت به جمعه به مثل «ما حجب الله» استناد کرد؛ چون حکم به وجوب یکی از این دو که عند الله واجب و معین است، مصداق «ما حجب الله» نیست.

* یمکن القول بعدم وجوب الاحتیاط فی مسألة اشتباه القبلة بناءً علی دعوی سقوط هذا الشرط عند الاشتباه... ثمّ الوجه فی دعوی سقوط الشرط المجهول دوران الأمر بین إهمال هذا الشرط المجهول وإهمال شرط آخر، وهو وجوب مقارنة العمل لوجهه بحيث یعلم بوجوب الواجب حین فعله، وهذا یتحقّق مع القول بسقوط الشرط المجهول. ۳۰۱ ع ۱۵۲

۴. فرض «اشتباه قبله» آیا شبهه حکمیّه است یا موضوعیّه؟ وجه عدم وجوب احتیاط را توضیح دهید.

شبهه موضوعیه است.

سرّ عدم وجوب احتیاط این است که امر دائر است بین رعایت یکی از دو شرط: ۱. رعایت قبله با انجام احتیاط به تکرار صلاة. ۲. رعایت قصد وجه که عبارت است از اتیان صلاة به قصد وجوب چنانچه کسی قائل شود در فرض چنین دورانی شرطیت قبله ساقط می شود قهراً می توان شرط دوم را رعایت نموده و احتیاط، دیگر وجوبی ندارد.

* الثانی: فیما إذا دار الأمر فی الواجب بین الأقل والأكثر، ومرجعہ الی الشکّ فی جزئیة شیءٍ للمأمور به وعدمها، وهو علی قسمین؛ لأنّ الجزء المشکوک إماماً جزء خارجي أو جزء ذهني وهو القيد. ۳۱۴ ع ۲۵۱

۵. مراد از اقل و اکثر، اقل و اکثر ارتباطی است یا استقلالی؟ فرق بین جزء خارجی و ذهنی را بنویسید.

ارتباطی است؛ جزء خارجی آن است که در خارج وجود دارد و جزء مرکب است مثل رکوع و سجود و نحوهما و مثل استعاذه در اول صلاة که مشکوک است ولی جزء ذهنی همان تقید عمل است به قید خارجی و تقید یک امر خارجی نیست بلکه یک ارتباط و وابستگی یک شیء است به شیء دیگر.

* ومن الأخبار الدالة علی عدم وجوب الجزء المشکوک وجوبه، قوله «یرایم»: "ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم" ... فدلّ علی أنّ الجزء المشکوک وجوبه غیر واجب علی الجاهل... ویمکن تقریب الاستدلال بأنّ وجوب الأكثر ممّا حجب علمه فهو موضوع. ولا یعارض بأنّ وجوب الأقل كذلك؛ لأنّ العلم بوجوبه المراد بین النفسی والغیری غیر محجوب فهو غیر موضوع. ۳۲۸ ع ۲۵۲

۶. نحوه استدلال به حدیث شریف بر مدعا را توضیح دهید. اشکال معارضه و جواب اشکال را بیان کنید.

انّ وجوب الجزء المشکوک محجوب علمه عن العباد فهو موضوع عنهم.

۱. عدم وجوب اکثر معارض است با عدم وجوب اقلّ و در اقل هم عدم وجوب جاری شود و در نتیجه عدم وجوب اکثر ساقط می شود. ۲. این معارضه صحیح نیست زیرا یقیناً اقلّ واجب است یا نفسی اگر اکثر واجب نباشد، و یا غیری اگر اکثر واجب باشد. پس حکمش محجوب نیست تا براءت جاری شود.

* الشکّ فی الشرطیة قد ینشأ عن الشکّ فی حکم تکلیفی نفسی، فیصیر أصالة البراءة فی ذلك الحکم التکلیفی حاکماً علی الأصل فی الشرطیة، فیخرج عن موضوع مسألة الإحتیاط والبراءة، فیحکم بما یقتضیه الأصل الحاکم: من وجوب ذلك المشکوک فی شرطیته أو عدم وجوبه. ۳۵۹ ع ۲۵۳ و ۲۵۴

۷. با توجه به عبارت، حکم شک در شرطیتی که از شک در حکم تکلیفی نفسی ناشی می شود را با ذکر مثال توضیح دهید.

اگر شک کند مثلاً در حرمت لبس حریر بر رجال این شک منشأ می شود برای شک در شرطیت عدم لبس حریر در صلاة و حکم آن براءت از حرمت لبس حریر و در نتیجه براءت از شرطیت عدم لبس.

* المسألة الثانية: ما إذا كان الشك في الجزئية ناشئاً من إجمال الدليل كما إذا علق الوجود في الدليل اللفظي بلفظ مردّد بأحد أسباب الإجمال بين مركّبين يدخل أقلهما جزءاً تحت الأكثر بحيث يكون الآتي بالأكثر آتياً بالأقلّ كما إذا وجب في الغسل غسل ظاهر البدن، فيشكّ في أنّ الجزء الفلاني كباطن الأذن من الظاهر أو الباطن. ٣٣٩ ع ٢٥٢

٨. أ. محل بحث را در ضمن مثال توضیح دهید. ب. عبارت «بحیث یكون الآتی بالأكثر آتياً بالأقلّ» احتراز از چیست؟

أ. محل بحث شک در جزئیّت ناشی از اجمال دلیل است مثل اینکه دلیل لفظی غسل ظاهر بدن را واجب کند و ما شک کنیم که داخل گوش از ظاهر بدن است یا خیر. ب. عبارت «بحیث یكون ...» احتراز است از امثال قصر و اتمام حیث اینکه آتی به اتمام، آتی به قصر نیست زیرا اتمام بشرط شیء اخذ شده است و قصر بشرط لا، و ماهیت بشرط لا و ماهیت بشرط شیء متباینان هستند.

* إذا ثبت جزئية شیء أو شرطیته فی الجملة فهل یقتضی الأصل جزئیته و شرطیته المطلقین حتی إذا تعذّرا سقط التکلیف بالکلّ، أو المشروط، أو اختصاص اعتبارهما بحال التمكن، فلو تعذّرا لم یسقط التکلیف؟ و جهان. ٣٨٧ ع ١٥٢

٩. مراد از «اطلاق جزء و شرط» و ثمره اطلاق چیست؟

اطلاق به معنای اعتبار جزء و شرط در مرکب و مشروط حتی در حال تعذر آن دو است ثمره اش سقوط تکلیف به مرکب و مشروط است در حال تعذر جزء و شرط.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۳	ساعت:	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از المقام الثانی فی الشبهة غیر الممضوءة تا اول بحث استصواب - ۲۵۷ تا آخر ج ۲

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دراره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. حکم ارتکاب المشتبهات فی غیر المحصورة د ۲۶۶
- ا. جواز ارتکاب جميع المشتبهات للعسر و الحرج
- ب. جواز ارتکاب الجميع و لو عزم علی ارتکاب الجميع من أول الأمر
- ج. وجوب الاحتیاط فی الكل لوجود الحرام الواقعی فیہ
- د. عدم جواز ارتکاب الكل اذا قصد ارتکابه من أول الأمر
۲. در دوران امر بین واجب و غیر حرام در شبهة موضوعیه، بنا بر نظر مصنف ا ۲۹۹
- ا. احتیاط، واجب است
- ب. احتیاط، مستحب است
- ج. براءة عقلی، جاری می شود
- د. براءة شرعی جاری می شود
- ***۳. النسبة بین عموم «من زاد فی صلاته فعلیه الإعادة» و حدیث «لا تعاد» بالنسبة إلى الزيادة السهوية بناءً علی اختصاصه بالسهو هی ا ۳۸۵
- ا. العموم من وجه
- ب. العموم مطلقاً
- ج. التساوی
- د. التباين
۴. إذا علم بوجود شیء و شك فی الواجب و لم یقم دلیل من الشارع علی الأخذ بأحد الاحتمالین المعین أو المخیر و الاكتفاء به من الواقع ا ۲۸۷
- ا. فالعقل حاکم بوجود الاحتیاط
- ب. فالتکلیف حینئذ تکلیف بالمجمل
- ج. فالتکلیف بالفعل یستلزم تأخیر البیان عن وقت العمل
- د. فالتکلیف حینئذ تکلیف بالفرد المردد

تشریحی

* لو فرضنا كون العقل حاکماً بوجود الاحتیاط و مراعاة حال العلم الاجمالی بالتکلیف المردد بین الأقل والأكثر، كانت اخبار البراءة كافية فی المطلب حاکمة علی ذلك الدلیل العقلی؛ لأن الشارع أخبر بنفی العقاب علی ترک الأكثر. ۳۳۰

۱. محل بحث و وجه حکومت را توضیح دهید.

بعضی‌ها گفته‌اند: در علم اجمالی به اقل و اکثر عقل حاکم به احتیاط است. مصنف می‌گوید: اگر فرضاً دلیل عقلی بر وجوب احتیاط باشد اما ادلة نقلیه شرعیه مثل حدیث رفع و امثال آن می‌آید، احتمال عقاب را از اکثر برمی‌دارد و موضوع برای احتیاط که احتمال عقاب است باقی نمی‌ماند و این ادلة نقلیه حاکم است بر حکم عقل.

* لو انكشف مطابقة الأتی به للواقع (فی مسألة تردد القبلة) قبل فعل الباقي أجزاء عنها؛ لأنه صلى الصلاة الواقعية قاصداً للتقرب بها إلى الله و إن لم یعلم حین الفعل أن المقرب هو هذا الفعل؛ إذ لا فرق بین أن یكون الجزم بالعمل ناشئاً عن تكرار الفعل أو ناشئاً عن انكشاف الحال. ۳۰۷

۲. عبارت «إذ لا فرق بین أن یكون...» دلیل بر چیست؟ توضیح دهید.

دلیل بر اکتفای به صلات خوانده شده و عدم حاجت به تکرار صلات به جهات دیگر است؛ چون آن چه که معتبر است صرف جزم به اتیان به عمل است و در جزم به اتیان عمل، فرقی بین جزم حاصل از تکرار عمل و جزم حاصل از انکشاف مطابقت عمل با واقع نیست.

* إذا شك فی جزئیة شیء للمأمور به من جهة الشبهة فی الموضوع الخارجی - كما إذا أمر بمفهوم مبين مردد مصداقه بین الأقل و الأكثر و منه ما إذا أمر بالظهور لأجل الصلاة أعنی الفعل الراجع للحدث فشك فی جزئیة شیء (كالمضمضة) للوضوء الراجع - فاللازم فی المقام الاحتیاط؛ لأن المفروض تنجز التکلیف بمفهوم مبين معلوم تفصیلاً و إنما الشك فی تحققه بالأقل، فمقتضى أصالة عدم تحققه و بقاء الاشتغال عدم الاكتفاء به و لزوم الاتیان بالأكثر.

۳. محل بحث را در ضمن مثال مذکور در متن توضیح داده، دلیل لزوم احتیاط را بیان کنید. ۳۵۲

محل بحث شک در محصل است، به این بیان که مفهوم «طهور» واضح است و شک در این است که آیا با اتیان اقل (یعنی وضوء فاقده مضمضه) طهور تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟ اما دلیل وجوب احتیاط: متعلق امر از جهت مفهوم، روشن است و شک در تحقق مفهوم مزبور، با اتیان اقل است و مقتضای استصحاب عدم تحقق مفهوم مزبور و استصحاب اشتغال، حکم به لزوم اتیان اکثر می‌باشد.

* لو جعل الشارع للكل بدلاً اضطرارياً كالتيمم ففي تقديمه على [الوضوء] الناقص وجهان: من أن مقتضى البدلية كونه بدلاً عن التام فيقدم على الناقص كالمبدل ومن أن الناقص حال الاضطرار تام لانتهاء جزئية المفقود فيقدم على البدل كالتام. ۳۹۸

۴. دو وجه را همراه با دلیل هر یک شرح دهید.

(محل بحث: اینکه در صورت دوران امر بین وضوء ناقص و تیمم، کدام یک بر دیگری مقدم می‌شود؟) وجه اول: تقدیم تیمم بر وضوی ناقص است، زیرا مقتضای بدلیت این است که تیمم به منزله وضوی تام باشد پس همان گونه که وضوی تام بر وضوی ناقص مقدم است کذلک تیمم نیز بر وضوی ناقص مقدم می‌شود.

وجه دوم: تقدیم وضوی ناقص بر تیمم است؛ زیرا مقتضای عدم سقوط مرکب به سبب تعدد جزء، این است که وضوی ناقص به منزله وضوی تام باشد پس همان گونه که وضوی تام بر تیمم مقدم است کذلک وضوی ناقص بر تیمم مقدم می‌شود.

*** استدلال علی وجوب الاحتیاط فی مسألة دوران الأمر بین الأقل و الأكثر الارتباطی بأن قصد القرية غير ممكن بالإتيان بالأقل لعدم العلم بمطلوبيته في ذاته فلا يجوز الاقتصار عليه في العبادات بل لا بد من الإتيان بالجزء المشكوك وفيه أنه يكفي في قصد القرية الإتيان بما علم من الشارع الالتزام به و أداء تركه إلى استحقاق العقاب لأجل التخلص عن العقاب فإن هذا المقدار كافٍ في نية القرية المعتبرة في العبادات حتى لو علم بأجزائها تفصيلاً. ۳۲۵-۷

۵. دلیل بر وجوب احتیاط و ایراد آن را توضیح دهید.

دلیل: اگر فقط به اتیان اقل بسنده شود قصد قربت ممکن نخواهد بود؛ چون علم به تعلق امر به خود اقل، وجود ندارد بنابراین امثال نسبت به اقل معنا ندارد. ایراد: تعلق امر به خود این شیء (در قصد قربت) معتبر نیست بلکه همین که بداند ترکش موجب استحقاق عقاب است، می‌شود به قصد امثال امر اتیان شود.

*** الزيادة العمديه تتصور علی وجوه: أحدها: ان يزيد جزءاً من أجزاء الصلاة بقصد كون الزائد جزءاً مستقلاً كما لو اعتقد شرعاً أو تشريعاً أن الواجب في كل ركعة ركوعان كالسجود و أما حكمه فلا إشكال في فساد العبادة إذا نوى ذلك قبل الدخول في الصلاة أو في الأثناء لأن ما أتى به و قصد الامتثال به و هو المجموع المشتمل على الزيادة غير مأمور به و ما أمر به و هو ما عدا تلك الزيادة لم يقصد الامتثال به. ۳۷۰

۶. أ. مراد از «شرعاً أو تشريعاً» چیست؟ ب. وجه بطلان در فرض مذکور را توضیح دهید.

أ. شرعاً: یعنی خیال می‌کند به حکم واقعی در هر رکعت دو رکوع واجب است. تشريعاً: یعنی با اینکه می‌داند در شرع زیاده مذکور وارد نشده، اضافه می‌کند. ب. چون نسبت به عمل انجام شده (یعنی مجموع مشتمل بر زیاده مثل رکوع) امری تعلق نگرفته تا به اعتبار امثال آن، این عمل انجام شود.

*** إن قلت: العلم الإجمالي بوجود الواجبات و المحرمات يقتضى عدم جواز الرجوع إلى البراءة في أول الأمر و لو بعد الفحص لأن الفحص لا يوجب جريان البراءة مع العلم الإجمالي قلت: المعلوم إجمالاً وجود التكليف الواقعية في الوقائع التي يقدر على الوصول إلى مداركها و إذا تفحص و عجز عن الوصول إلى مدارك الواقعة خرجت الواقعة عن الوقائع التي علم إجمالاً بوجود التكليف فيها فيرجع فيها إلى البراءة. ۴۱۵

۷. اشکال و جواب را توضیح دهید.

اشکال: علم اجمالی به وجود واجبات و محرّمات، مانع از اجرای برائت در شبهات بدوی حتی بعد از فحص می‌شود.

جواب: این علم اجمالی منحل می‌شود؛ چون به واسطه رجوع به ادله، به تکالیف کثیری دسترسی پیدا می‌کنیم و در وجود تکالیف زاید بر آنچه دسترسی پیدا کردیم شک وجود دارد و برائت جاری می‌شود.

***هل العبرة في باب مؤاخذه [الجاهل العامل قبل الفحص] و عدم مؤاخذته بموافقة الواقع الذي يعتبر مطابقة العمل له و مخالفته و هو الواقع الأوّلي الثابت في كلّ واقعة عند المخطئة فإذا فرضنا العصير العنبي الذي تناوله الجاهل حراماً في الواقع و فرض وجود خبر معتبر يعثر عليه بعد الفحص على الحليّه فيعاقب و لو عكس الأمر لم يعاقب. ٤٣٣

٨. أ. فرض بحث و دو وجه آن را در ضمن مثال متن توضیح دهید. ب. ثمره این دو وجه در کجا ظاهر می شود؟

أ. بحث در این است که اگر انسان جاهل قبل از فحص عملی را انجام دهد که در واقع حرام بوده است (مثل شرب عصیر عنبی) و بنا بر فرض اگر تتبع می کرد به اماره حرمت دست پیدا می کرد، آیا مؤاخذه این جاهل بر مخالفت واقع است یا بر مخالفت این طریق. ب. اگر عقاب بر مخالفت واقع باشد و در واقع عصیر عنبی حرام نباشد، مؤاخذه ثابت نخواهد بود هر چند که طریق مخالفت شده است و اگر عقاب بر مخالفت طریق باشد در این فرض مؤاخذه ثابت است.

***من شرائط جریان أصل البراءة هو ان لا يتضرر بإعمالها مسلمٌ كما لو فتح إنسان قفص طائر فطار فإن إعمال البراءة فيها يوجب تضرر المالك فيحتمل اندراجہ فی عموم قوله ﷺ: «لا ضرر و لا ضرار» فإن المراد نفي الضرر من غير جبران بحسب الشرع و إلّا فالضرر غير منفي فلا علم حينئذٍ و لا ظن بأن الواقعة غير منصوصة فلا يتحقق شرط التمسك بالأصل من فقدان النص بل يحصل القطع بتعلق حكم شرعي بالضرار و لكن لا يعلم أنه مجرد التعزير أو الضمان أو هما معاً فينبغي له تحصيل العلم بالبراءة و لو بالصلح. ٤٥٥

٩. وجه عدم جریان اصل براءت در مثال مذکور را توضیح دهید.

جریان اصل براءت مشروط است به علم یا ظن به عدم منصوص و قاعده ضرر در اینجا وجود دارد، بنابراین جایگاهی برای اصل براءت نخواهد بود.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۵/۰۵/۱۰	ساعت:	۱۶

نام کتاب: فرائد الاصول، از ابتدای المقام الثانی فی الشبهة الغیر المصنوه تا ابتدای اما القول فی المبیح

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره زاره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. به نظر مصنف در کدام گزینه احتیاط، واجب است؟ **ب ۸۰-۲۷۹**
- أ. اقل و اکثر ارتباطی ب. دوران بین متباینین ج. اقل و اکثر استقلالی د. اقل و اکثر استقلالی و متباینین
۲. الظاهر أن وجوب كل من المحتمل (فی الصلوات المتعددة فی مسألة اشتباه القبلة) **ب ۳۰۵**
- أ. شرعی لدلالة أخبار الاحتیاط علیه ب. عقلی لوجوب دفع العقاب المحتمل
- ج. عقلی لقبیح الترجیح من غیر مرجح د. شرعی للأخبار الواردة فی المقام
۳. إذا تعارض نصان متكافئان فی جزئية شیء لشیء وعدمها ویوجد إطلاق معتبر للأمر بالصلاة بقول مطلق فالإنصاف أن **أ ۳۵۰**
- أ. اخبار التخییر حاکمة علی أصالة الإطلاق ب. أصالة الإطلاق حاکمة علی أخبار التخییر
- ج. أخبار التخییر واردة علی أصالة الإطلاق د. أصالة الإطلاق واردة علی أخبار التخییر
۴. المشهور أنه إذا شرب العصیر العنبی من غیر فحص عن حکمه و اتفقت حرمة الواقعی کان العقاب علی **أ ۴۱۶**
- أ. شرب العصیر ب. ترک التعلّم ج. التجری د. شرب العصیر و ترک التعلّم

تشریحی

* الوجه السادس: أن الغالب عدم ابتلاء المكلف إلّا ببعض معین من احتمالات الشبهة الغیر المحصورة و يكون الباقي خارجاً عن محلّ ابتلائه، و قد تقدّم عدم وجوب الاجتناب فی مثله مع حصر الشبهة، فضلاً عن غیر المحصورة. **۲۶۵**

۱. مدعی و دلیل را همراه با مثال تبیین کنید.

شرط تنجیز علم اجمالی، ابتلاء مکلف به اطراف شبهه است و ابتلاء مکلف به اطراف شبهه، در شبهه غیر محصوره منتفی است؛ پس شرط تنجیز علم اجمالی، در شبهه غیر محصوره منتفی است. بنابر این در شبهه غیر محصوره، اجتناب واجب نیست. مثل علم اجمالی به میتة بودن لحم در یکی از قصابی های کشور.

۲. با علم اجمالی به وجوب ظهر یا جمعه، آیا بعد از اتیان ظهر می توان با «استصحاب عدم اتیان واجب واقعی» وجوب جمعه را اثبات کرد؟ چرا؟ توضیح دهید. **۲۹۳**

خیر؛ زیرا اصل مثبت است به این بیان که وجوب صلاة جمعه از آثار شرعیة عدم الاتیان بالواجب الواقعی نیست بلکه از مقارنات عقلیة آن است.

۳. مصنف در اقل و اکثر ارتباطی، به چه اصلی قائل است؟ دلیل آن را همراه با مثال توضیح دهید. **۳۱۸**

مصنف قائل به برائت است؛ زیرا علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی نسبت به اقل و شک بدوی نسبت به اکثر فلذا برائت (عقلی و شرعی) در اکثر جاری می شود. مانند اینکه علم اجمالی دارد که نماز یا با سوره واجب است یا بدون سوره، در این صورت علم تفصیلی به وجوب همه اجزاء غیر از سوره دارد و نسبت به سوره شک بدوی دارد.

* منها أصالة عدم جزئية الشيء المشكوك. و فيه: أن جزئية الشيء المشكوك كالسورة للمركب الواقعی و عدما لیست أمراً حادثاً مسبقاً بالعدم، و إن ارید أصالة عدم صيرورة السورة جزء المركب المأموره لیثبت بذلك خلوّ المركب المأموره منه ففیه: أنه أصل مثبت. **۳۳۶**

۴. چرا اصالت عدم جزئیت جاری نمی‌شود؟ به طور کامل تبیین کنید.

زیرا اولاً: جعل جزئیت بالاستقلال ممکن نیست و تنها در ضمن کل ممکن است و لذا قبل از جعل کل، جعل جزء معنا ندارد و بعد از جعل کل هم منتزع از جعل کل است پس مسبوق به عدم نیست. ثانیاً: و اگر مراد این باشد که اصل عدم تعلق امر به مرکب جاری می‌شود و بالاتزام عدم تعلق امر به جزء اثبات می‌شود اصل مثبت خواهد بود؛ چون لازمه عقلی عدم تعلق امر به آن مرکب این است که سوره جزء آن مرکب نباشد. (به عبارت دقیق‌تر اگر بگوئیم: قبلاً جزء مشکوک، جزء «مرکب مأمور به» نبوده - چون امری نبوده - الان هم «جزء مرکب مأمور به نبودن» را استصحاب می‌کنیم ...).

* الأَقْوَى فِي تَرْكِ الْجُزْءِ سَهْوًا أَصَالَةً بَطْلَانِ الْعِبَادَةِ بِنَقْصِ الْجُزْءِ سَهْوًا أَلَّا أَنْ يَظْهَرَ دَلِيلٌ عَامٌّ أَوْ خَاصٌّ عَلَى الصَّحَّةِ لِأَنَّ مَا كَانَ جُزْءًا فِي حَالِ الْعَمْدِ كَانَ جُزْءًا فِي حَالِ الْغَفْلَةِ فَإِذَا انْتَفَى انْتَفَى الْمَرْكَبُ فَلَمْ يَكُنِ الْمَأْتِي بِهِ مُوَافِقًا لِلْمَأْمُورِ بِهِ. ۳۶۳

۵. ا. مراد از أصالة البطلان چیست؟ ب. عبارت را به طور دقیق توضیح دهید.

ا. مراد از اصل، اصل عقلی انتفاء مرکب بانتفاء بعض اجزاء است. ب. اگر جزئی از مرکب عبادی سهواً ترک شود آن عبادت باطل است؛ زیرا با از بین رفتن یک جزء، مرکب از بین می‌رود مگر اینکه دلیلی بر صحت قائم شود؛ چون این دلیل وارد است بر اصل عقلی یعنی با دلیل صحت، جزئیت آن جزء منحصر می‌شود در فرض التفات و در فرض سهو، جزئیت ندارد تا با انتفاء آن مرکب منتفی شود.

* قد يَتَمَسَّكُ لِإثْبَاتِ صِحَّةِ الْعِبَادَةِ عِنْدَ الشَّكِّ فِي طَرَوْ المَانِعِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «... وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ»؛ فَإِنَّ حَرْمَةَ الْإِبْطَالِ إِجْبَابٌ لِلْمَضْيِ فِيهَا، وَ هُوَ مُسْتَلْزَمٌ لَصِحَّتِهَا وَ لَوْ بِالْإِجْمَاعِ الْمَرْكَبِ ... ۳۷۷

۶. استدلال به آیه کریمه را با تبیین اجماع مرکب تقریر کنید.

در فرض شک در مانعیت شیء مثل اتیان دو سوره، مقتضای آیه کریمه این است که نماز را نباید بشکنی و لازم است عمل را ادامه بدهی و خوب استمرار عمل هم نظر به اجماع مرکب ملازمه دارد با صحت عمل؛ زیرا قائلین به عدم وجوب مضی قائل به فساد عمل و قائلین به وجوب مضی قائل به صحت عمل می‌باشند قهراً قول به وجوب مضی و فساد عمل مخالف اجماع مرکب می‌باشد.

* إِذَا ثَبِتَ جُزْئِيَّةُ شَيْءٍ أَوْ شَرْطِيَّةُ فِي الْجُمْلَةِ، فَهَلْ يَقْتَضِي الْأَصْلُ جُزْئِيَّةَ وَ شَرْطِيَّةَ الْمُطْلَقَتَيْنِ حَتَّى إِذَا تَعَدَّرَا سَقَطَ التَّكْلِيفُ بِالْكَلِّ أَوْ الْمَشْرُوطِ، أَوْ اخْتِصَاصِ اعْتِبَارِهِمَا بِحَالِ التَّمَكُّنِ، فَلَوْ تَعَدَّرَا لَمْ يَسْقُطِ التَّكْلِيفُ؟ وَجِهَانٌ، بَلْ قَوْلَانِ. ۳۸۷

۷. ضمن مشخص کردن قول مصنف، دلیل هر یک از دو قول را بنویسید.

لِلأَوَّلِ: أَصَالَةُ الْبَرَاءَةِ مِنَ الْفَاقِدِ وَ عَدَمُ مَا يَصْلُحُ لِإثْبَاتِ التَّكْلِيفِ بِهِ، كَمَا سَنَبِّينُ. وَ لِلثَّوْنِ: اسْتِصْحَابُ وَجُوبِ الْبَاقِي إِذَا كَانَ الْمَكْلَفُ مُسْبِقًا بِالْقَدْرَةِ، بِنَاءً عَلَى أَنَّ الْمُسْتَصْحَبَ هُوَ مُطْلَقُ الْوَجُوبِ، وَ يَدُلُّ عَلَى الْمَطْلَبِ أَيْضًا: النَّبِيُّ وَ الْعُلُوِّيَّانِ الْمَرْوِيَّاتِ فِي عَوَالِي اللَّائِلِيِّ فَعَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «إِذَا أَمَرْتُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». وَ عَنِ عَلِيِّ ﷺ: «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ»، وَ «مَا لَا يَدْرِكُ كَلَّهُ لَا يَتْرُكُ كَلَّهُ» وَ الثَّانِي قَوْلُ الْمَصْنُفِ.

* أمَّا الاحتياط: فالظاهر: أنه لا يعتبر في العمل به أمر زائد على تحقق موضوعه، و يكفي في موضوعه إحراز الواقع المشكوك فيه به و لو كان على خلافه دليل اجتهادي بالنسبة إليه؛ فإن قيام الخبر الصحيح على عدم وجوب شيء لا يمنع من الاحتياط فيه؛ لعموم أدلة رجحان الاحتياط، غاية الأمر عدم وجوب الاحتياط.

۸. آیا دلیل اجتهادی بر عدم وجوب، مانع رجحان احتياط در آن مورد است؟ چرا؟ ۴۰۵

خیر؛ زیرا ادله رجحان احتياط، عام و تام است؛ چون دلیل اجتهادی مذکور فقط وجوب احتياط را بر می‌دارد و نفی رجحان نمی‌کند.

۹. چهار دلیل از ادله لزوم فحص در عمل به براءت در شبهه حکمیه را نام ببرید. ۴-۴۱۱

جواب: ۱. اجماع ۲. ادله وجوب تحصیل علم ۳. ادله مؤاخذه‌ی جاهل مقصر به ضمیمه‌ی حکم عقل به دفع ضرر محتمل ۴. حکم عقل به عدم معذوریت جاهل مقصر ۵. حکم عقل به وجوب براءت یقینی هنگام اشتغال یقینی بوسیله علم اجمالی.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۰/۳/۱۷	ساعت :	۱۸

نام کتاب: فرآیند اصول، از الموضع الثانی (فی الشک فی المكلف به) تا ابتدای استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره راره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. لو اضطر الى ارتكاب بعض المحتملات في الشبهة المحصورة فالظاهر ب ۲۴۵

- أ. عدم وجوب الاجتناب مطلقاً
 ب. عدم وجوب الاجتناب إن كان مقارناً للعلم والمضطر إليه معيّنًا ■
 ج. وجوب الاجتناب مطلقاً
 د. وجوب الاجتناب ان كان مقارناً للعلم والمضطر اليه معيّنًا

۲. إن الملاقي للمعلوم نجاسته إجمالاً قلنا باختصاص أدلة الاجتناب عن النجس بالاجتناب عن الملاقي. ب ۲۴۰

- أ. نجس و إن
 ب. نجس إلا إذا ■
 ج. طاهر إن
 د. طاهر إلا إذا

۳. وجوب الاجتناب عن كلا المشتبهين أ ۲۲۹

- أ. ارشادی لحکم العقل بلزوم الاجتناب ■
 ب. ارشادی لحکم العرف بحسن الاجتناب
 ج. مولوی لان العقل رسول باطنی
 د. مولوی اذا استندنا الى الادلة الشرعية

۴. الأقوى في الشبهة المحصورة لاشتباه الأمور الخارجية أ ۲۱۰

- أ. وجوب الموافقة القطعية و حرمة المخالفة القطعية ■
 ب. وجوب الموافقة القطعية دون حرمة المخالفة القطعية
 ج. جواز المخالفة غير القطعية
 د. جواز الموافقة غير القطعية

تشریحی:

* هل يشترط في العنوان المحرم الواقعي أو النجس الواقعي المردد بين المشتبهين، أن يكون على كل تقدير متعلقاً لحكم واحد أم لا؟ مثلاً: إذا كان أحد المشتبهين ثوباً والآخر مسجداً، حيث إن المحرم في أحدهما اللبس وفي الآخر السجدة، فليس هنا خطاب جامع للنجس الواقعي، بل العلم بالتكليف مستفاد من مجموع قول الشارع: «لا تلبس النجس في الصلاة»، و «لا تسجد على النجس». ۲۲۶ - ۲۲۷

۱. آیا مثال مذکور، مثال برای حکم واحد است؟ توضیح دهید.

خیر؛ در مثال، وظیفه در یک طرف حرمت پوشیدن است و در طرف دیگر حرمت سجده کردن و پوشیدن و سجده کردن دو موضوع متفاوت است که حکم در هر کدام با دیگری متفاوت خواهد شد.

* العلم الإجمالي في الأقلّ والأكثر غير مؤثر في وجوب الاحتياط، لكون أحد طرفيه معلوم الإلزام تفصيلاً والآخر مشكوك الإلزام رأساً. ۳۲۲

۲. عبارت را توضیح دهید.

چون علم اجمالی در اقل و اکثر تبدیل به علم تفصیلی و شک بدوی می شود (منحل می شود) دلیل بر لزوم اجتناب از اکثر وجود ندارد و دلیل برائت جاری است.

* إنَّ المانع من إجراء أصالة البراءة ليس إلا العلم الإجمالي بوجود الحرام ، لكنه إنَّما يوجب الاجتناب عن احتمالاته من باب المقدمة العلمية ، التي لا تجب إلا لأجل وجوب دفع الضرر وهو العقاب المحتمل في فعل كل واحد من المحتملات ، وهذا لا يجري في المحتملات الغير المحصورة ، ضرورة أن كثرة الاحتمال توجب عدم الاعتناء بالضرر المعلوم وجوده بين المحتملات . ٢٦٣

٣. آیا در شبهه غیر محصوره، علم اجمالی به وجود حرام، مانع از جریان ادله براءت است؟ چرا؟

خیر؛ چون عقل اجتناب از اطراف علم اجمالی را از باب دفع ضرر محتمل، لازم می‌داند و کثرت احتمال در اطراف شبهه غیر محصوره، موجب عدم اعتنا به ضرری است که در بین اطراف موجود است؛ پس ادله براءت جاری می‌شود.

* إنَّ العبرة فی المحتملات كثرة وقلة بالوقائع التي تقع مورداً للحكم بوجود الاجتناب مع العلم التفصيلي بالحرام ، فإذا علم بحبة أرز محرمة أو نجسة فی ألف حبة، والمفروض أن تناول ألف حبة من الأرز فی العادة بعشر لقمات ، فالحرام مردد بین عشرة محتملات لا ألف محتمل ، لأن كل لقمه يكون فیها الحبة حرم أخذها ، لاشتمالها على مال الغير ، أو مضغها، لكونه مضغاً للنجس، فكأنه علم إجمالاً بحرمة واحدة من عشر لقمات . ٢/٢٧٢

٤. در ضمن مثال، نظر مصنف را در مناط شبهه غیر محصوره توضیح دهید.

معیار، تعدد مشتبه فی نفسه نیست بلکه تعدد وقایع است؛ مثلاً اگر در یک ظرف برنج علم به غصبیت یک دانه داشته باشیم گرچه تعداد دانه های موجود عدد بالایی است اما این ظرف در ضمن ده لقمه خورده می‌شود و اطراف شبهه در مثال ده است نه ٨٠٠ یا ١٠٠٠ مثلاً.

* وليس للركن فی الأخبار ذكر حتى يتعرّض لمعناه فی زمان صدور تلك الأخبار ، بل هو اصطلاح خاص للفقهاء . وقد اختلفوا فی تعريفه بین من قال بأنه: ما تبطل العبادة بنقصه عمداً وسهواً، وبين من عطف على النقص زيادته. والأول أوفق بالمعنى اللغوي والعرفي، وحينئذ فكل جزء ثبت فی الشرع بطلان العبادة بالاختلال فی طرف النقص أو فيه وفي طرف الزيادة، فهو ركن. ٣٦١-٣٦٢

٥. دو تعریف رکن را بنویسید.

١. با نقص آن عمداً و سهواً، عبادت از بین می‌رود.

٢. با نقص یا زیادی آن عمداً و سهواً، عبادت از بین می‌رود.

* قد يقال بالتخيير فيما لو دار الأمر بين كون شيء شرطاً أو مانعاً لأن المانع من إجراء البراءة عن اللزوم الغيري في كل من الفعل والترك ليس إلا لزوم المخالفة القطعية ، وهي غير قاذحة ، لأنها لا يتعلق بالعمل، لأن واحداً من فعل ذلك الشيء وتركه ضروري مع العبادة، فلا يلزم من العمل بالأصل في كليهما معصية متيقنة، كما كان يلزم في طرح المتبائنين كالظهر والجمعة. ٤٠٠-٤٠١

٦. محل نزاع و دلیل قول مذکور را توضیح دهید.

در دوران امر بین محذورین مثل دوران امر بین شرطیت یا مانعیت چیزی، انسان مخیر است؛ چون شرطیت و مانعیت با ادله براءت نفی می‌شود. و علم اجمالی در فرض مثال، مانع از جریان نیست چون آنچه با علم اجمالی ثابت می‌شود مخالفت قطعی عملی است و در فرض فوق امکان ندارد. پس مانع وجود ندارد.

٧. در مثل «تردد الأمر بین وجوب الظهر والجمعة فی يوم الجمعة» دلیل قائلین به وجوب موافقت قطعی چیست؟ به اختصار توضیح دهید.

٢٨٠ ع ١٥١

مقتضی برای وجوب موجود است؛ لأنَّ وجوب الأمر المردد ثابت فی الواقع والأمر به على وجه يعم العالم والجاهل، و مانع مفقود است؛ چون جهل تفصیلی به واجب نه عقلاً و نه شرعاً مانع محسوب نمی‌شود.

※ الثالثة: ما إذا اشتبه الواجب بغيره لتكافؤ النصين كما في بعض مسائل القصر والإتمام. والمشهور فيه: التخيير؛ لاخبار التخيير السليمة عن المعارض حتى ما دلّ على الأخذ بما فيه الإحتياط؛ لأنّ المفروض عدم موافقة شيء منهما للإحتياط.

۸. دليل عدم تعارض اخبار تخير باخبار احتياط را در فرع مذکور توضیح دهید. ۲۹۸ ع ۱۵۲

خبری که امر کرده در متعارضین به احتیاط، در موردی است که یکی از متعارضین موافق احتیاط باشد یعنی احتیاط مرجح یکی از دو خبر می‌شود پس خبری که موافق احتیاط است اخذ می‌شود، حال آنکه در ما نحن فیه این طور نیست بلکه احتیاط در ما نحن فیه، به عمل کردن به هردو می‌باشد نه اینکه عمل به یکی موافق با احتیاط باشد و عمل به دیگری، خیر.

۹. با توجه به اینکه در صورت اشتباه قبله، احتیاطاً به جهات اربعه باید نماز گذارده شود، اگر مکلف به هیچ کدام از جهات اربعه

نماز نخواند، مستحقّ چهار عقاب است یا یک عقاب؟ دلیل آن را توضیح دهید. ۳۰۵ ع ۱۵۱

مستحقّ یک عقاب است؛ زیرا وجوب احتمالات عقلی ارشادی است نه شرعی مولوی بنا بر این مخالفت کردن با نفس وجوب احتمالات عقاب ندارد بلکه به خاطر معصیت واقع (که واحد است) مستحقّ عقاب واحد است.

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۱/۰۳/۲۱	ساعت :	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از الموضع الثانی (فی الشک فی المکلف به) تا ابتدای استصحاب (۱۹۵-۴۷۲)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

- لو كان المحرم على كل تقدير عنواناً غيره على التقدير الآخر، كما لو دار الأمر بين كون أحد المائعين نجساً وكون الآخر مال الغير فالأقوى أن المخالفة...
ب ۲۲۷ (د ۲ س ۲)
- أ. القطعية غير جائز و لكن لا تحرم المخالفة الاحتمالية
ب. القطعية غير جائز والموافقة القطعية واجبة
ج. القطعية جائزة فضلاً عن عدم وجوب الموافقة القطعية
د. الاحتمالية جائزة إذا رجعت الى مخالفة خطاب تفصيلي
۲. على رأى المصنّف: إن الضابط في غير المحصور ج. ۲۷۱-۲۶۸ (د ۲ س ۱)
أ. عسر عدّه عند العرف
ب. عسر عدّه في زمان قصير
ج. كثرة الوقایع بحيث لا يعتنى العقلاء بالعلم الاجمالي الحاصل فيها
د. امتناع عدمها
۳. إن الزيادة العمديّة تتصور على وجوه، ثانيهما: أن يقصد كون الزائد والمزيد عليه جزءاً واحداً كما لو اعتقد أن الواجب في الركوع الجنس الصادق على الواحد والمتعدّد. الثالث: أن يأتي بالزائد بدلاً عن المزيد عليه بعد رفع اليد عنه كما لو قرأ سورة ثم بدا له في الأثناء وقرأ سورة أخرى فمقتضى الاصل الاولي في ب. ۳۷۱-۳۸۲ (د ۲ س ۱)
أ. كليهما البطلان
ب. كليهما الصحة
ج. الأوّل البطلان بخلاف الثاني
د. الأوّل الصحة بخلاف الثاني
۴. به نظر مصنّف، اگر مخالفت قطعیه در شبهات تدریجیه جایز باشد، نسبت به معاملات تجاری که می‌داند در طول یک ماه، به معاملات ربوی مبتلا می‌شود، چه قاعده‌ای جاری می‌شود؟ د ۲۴۹
أ. «اصالة الصحة» در تمام معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند
ب. «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت تمام معاملات
ج. «أوفوا بالعقود» برای اثبات صحّت معاملات تا زمانی که به مقدار معلوم بالإجمال باقی بماند
د. «اصالة الفساد» در تمام معاملات

سؤالات تشریحی:

- * إن وجوب الاجتناب عن كلّ من المشتبهين بمعنى لزوم الاحتراز عنه حذراً من الوقوع في المؤاخذه بمصادفة ما ارتكبه للحرام الواقعي لأنّ حكم العقل بوجود دفع الضرر حكم ارشادي ولم يترتب على موافقته ومخالفته سوى خاصية نفس المأمور به و تركه. ۲۲۹
۱. مدعا و دليل مذکور را توضیح دهید.

مدعا: وجوب اجتناب از مشتبهين به خاطر اين است که در حرام واقعي نیفتد (لذا عقاب فقط در صورت مصادفت با حرام واقعي است)
دليل: حکم عقل به احتیاط، حکم ارشادي است و چیزی بر حکم ارشادي مترتب نمی‌شود جز همان خاصیت فعل و ترک مأمور به در واقع.

- * إن الثابت في كلّ من المشتبهين بالعلم الإجمالي هو وجوب الاجتناب؛ أمّا سائر الآثار الشرعية المترتبة على ذلك الحرام فلا تترتب عليهما لعدم جريان باب المقدمة فيها فيرجع فيها الى الاصول الجارية في كلّ من المشتبهين. ۲۳۹ (د ۳ س ۲)
۲. با توجه به عبارت، وجه عدم ترتب آثار شرعی را در ضمن مثال توضیح دهید.

وجه عدم: ترتب سائر آثار متوقف بر احراز موضوع می باشد، مثلاً ترتب حدّ شرعی متوقف بر شرب خمر است و با ارتکاب احد المشتبهین شرب خمر احراز نمی شود تا حدّ شرعی مترتب شود. مثال: حدّ شارب خمر

* هل يجوز ارتكاب جميع المشتبهات في غير المحصورة بحيث يلزم العلم التفصيلي، أم يجب ابقاء مقدار الحرام؟ ظاهر إطلاق القول بعدم وجوب الاجتناب هو الأوّل، لكن يحتمل أن يكون مرادهم عدم وجوب الاحتياط فيه في مقابلة الشبهة المحصورة التي قالوا فيها بوجوب الاجتناب، وهذا غير بعيد عن مساق كلامهم فحينئذ لا يعمّ معقد إجماعهم لحكم ارتكاب الكلّ، إلاّ أن الأخبار لو عمّت المقام دلّت على الجواز. ۲۶۶

۳. تفاوت حكم مسألة فوق را بنابر این که دلیل حکم، اجماع یا خبر باشد، همراه با دلیل بنویسید.

اجماع، دلیلی لّبی است و اطلاق ندارد و در مقام شک باید به قدر متیقن آن اخذ نمود. در فرض بحث نیز احتمال می دهیم حکم علما به جواز ارتکاب شبهه غیر محصوره در مقام، بیان تفاوت آن با شبهه محصوره باشد؛ یعنی در شبهه محصوره مخالفت احتمالیه حرام است، ولی در غیر محصوره ارتکاب بعضی اشکال ندارد؛ پس ممکن است در مقام بیان جواز ارتکاب جميع اطراف نباشند، در حالی که اطلاق روایات اگر شامل ارتکاب جميع اطراف شوند، می توانند جواز را اثبات کنند.

* فی دوران الأمر بین الأقلّ والأكثر يمكن التمسك في عدم وجوب الأكثر بأصالة عدم وجوبه فإنّها سليمة في هذا المقام عن المعارضة بأصالة عدم وجوب الأقلّ. ۳۲۳

۴. با توجه به متن، وجه عدم معارضه جریان اصل در اکثر با جریان اصل در اقلّ چیست؟

وجه عدم معارضه این است که اصل در ناحیه اقلّ جاری نمی شود، زیرا وجوب اقلّ معلوم است تفصیلاً یعنی ما در لزوم اتیان اقلّ شک نداریم تا اصل جاری کنیم؛ لذا اصل عدم وجوب اکثر، بلا معارض جاری است.

* يستدلّ على البرائة في دوران الأمر بين الأقلّ والأكثر بأصالة عدم جزئية الشيء المشكوك وفيه: أن جزئية الشيء المشكوك كالسورة للمركب الواقعي وعدمها ليست أمراً حادثاً مسبقاً بالعدم. ۳۳۶ (د ۳ س ع ۲)

۵. اشکال شیخ بر اصالت عدم جزئیت را توضیح دهید.

چون جزئیت، از امر به مرکب انتزاع شده است؛ پس قبل از امر به مرکب جزئیت مطرح نمی شود؛ چون مرکب وجود ندارد. و پس از امر به مرکب از ابتدا شک در جزئیت آن شیء داریم؛ لذا جزئیت مسبوق به عدم نیست (یعنی یقین سابق که یکی از ارکان استصحاب است، وجود ندارد).

* الأقوى في ترك الجزء سهواً أصالة بطلان العبادة بنقص الجزء سهواً إلاّ أن يقوم دليل عام أو خاص على الصحة لأنّ ما كان جزءاً في حال العمد كان جزءاً في حال الغفلة فإذا انتفى انتفى المركب فلم يكن المأتي به موافقاً للمأمور به. ۳۶۳ (د ۲ س ع ۲)

۶. أ. مراد از اصل چیست؟ ب. رابطه دلیل صحت با آن را بیان کنید.

أ. مراد از اصل، اصل عقلی انتفاء مرکب بانتفاء بعض اجزاء است. ب. رابطه دلیل صحت با آن این است که اگر دلیل بر صحت قائم شد این دلیل وارد است بر اصل عقلی؛ چون با دلیل صحت، جزئیت آن منحصر در فرض التفات است و در فرض سهو، جزئیت ندارد تا با انتفاء آن مرکب منتفی شود.

* أن الاستدلال على صحة العبادة عند الشك في طرود المانع باستصحاب حرمة القطع ضعيف لمنع كون رفع اليد بعد وقوع الزيادة قطعاً لاحتمال حصول الانقطاع، فلم يثبت في الآن اللاحق موضوع القطع حتى يحكم عليه بالحرمة، و أضعف منه: استصحاب وجوب اتمام العمل للشك في الزمان اللاحق في القدرة على اتمامه. ۳۸۰ (ع: ۲: ۲: ۲)

۷. اشکال هر یک از دو استصحاب مطرح شده را توضیح دهید.

جواب: استصحاب حرمت قطع جاری نیست؛ چون موضوع قطع، عمل صحیح است و صحت احراز نشده، موضوع قطع احراز نمی‌شود تا حکم به حرمت آن شود. استصحاب وجوب تمام عمل نیز جاری نیست؛ چون ممکن است عدم زیاده، از شرائط واجب باشد؛ لذا بعد از تحقق زیاده، در قدرت بر اتمام عمل شک داریم و از آنجا که تکلیف عقلاً مشروط به قدرت است (در این فرض که قدرت احراز نشده است) حکم وجوب اتمام قابل اثبات نیست.

* يدلّ علی وجوب أصل الفحص لإجراء البرائة قوله (ص) فی من غسل مجدوراً أصابته جنابة فکزّ فمات: «قتلوه، قتلهم الله، ألا سألوا، ألا یمّموه»

۸. دلالت روایت بر وجوب فحص را تقریر کنید. ۴۱۲ (د ۲ س ۳)

حضرت این فرد را که نسبت به حکم جاهل بوده است توییح کرده (ألا سألوا) و نسبت قتل به او می‌دهند و توییح جز در فرض ترک وظیفه وجهی ندارد بنا بر این تحصیل علم لازم است و بدون فحص عذری وجود ندارد.

۹. أ. وجوب اتیان تمام اطراف علم اجمالی در شبهه و جویبه (مثل ظهر و جمعه) عقلی است یا شرعی؟ چرا؟ ب. اگر فقط یکی از اطراف شبهه

را اتیان کند و مصادف با واقع در آید، آیا بر ترک اتیان سایر اطراف مستحق عقاب است؟ چرا؟ ۳۰۵ ع ۱۵۱

أ. وجوب اتیان تمام اطراف عقلی است زیرا از باب حکم عقل به وجوب دفع عقاب محتمل است. ب. خیر؛ مستحق عقاب نیست مگر بنا بر قول به عقاب متجرّی.

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۲/۰۳/۰۶	ساعت :	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از الموضع الثانی تا اول بمث استصواب- ۱۹۵ تا آخر ۲۴

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. الظاهر أن وجوب كلٍّ من المحتملات (في الصلوات المتعددة في مسألة اشتباه القبلة) ب ۳۰۵ س ۲۱
 - أ. شرعی لدلالة أخبار الاحتياط عليه
 - ب. عقليٌ لوجوب دفع العقاب المحتمل
 - ج. عقليٌ لفتح الترجيح من غير مرجح
 - د. شرعی للأخبار الواردة في المقام
۲. إذا تعارض نصان متكافئان في جزئية شيء للصلاة وعدمها ويوجد إطلاق معتبر للأمر بالصلاة بقول مطلق فالإنصاف أن أ ۳۵۰ ع ۱۱
 - أ. أخبار التخيير حاکمة على أصالة الإطلاق وعدم التقييد
 - ب. أصالة الإطلاق حاکمة على أخبار التخيير
 - ج. أخبار التخيير واردة على أصالة الإطلاق
 - د. أصالة الإطلاق واردة على أخبار التخيير
۳. المشهور أنه إذا شرب العصير العنبي من غير فحص عن حكمه وإتفقت حرمة الواقعي كان العقاب على أ ۴۱۶ ع ۱۱
 - أ. شرب العصير
 - ب. ترك التعلّم
 - ج. التجري
 - د. شرب العصير وترك التعلّم
۴. طبق نظر مصنف، در دوران امر بين واجب و غير حرام در شبهه موضوعيه، أ ۲۹۹ س ۱۱
 - أ. احتياط، واجب است
 - ب. احتياط، مستحب است
 - ج. براءت عقلي، جاری می شود
 - د. براءت شرعی جاری می شود

سؤالات تشریحی:

- * أمّا المقام الثانی (أى وجوب الموافقة القطعية فى الشبهة المحصورة وعدمه) فالحقّ فيه: وجوب الاجتناب عن كلا المشتبهين، لنا على ما ذكرنا: أنّه إذا ثبت كون أدلة تحريم المحرّمات شاملةً للمعلوم إجمالاً ولم يكن هنا مانع عقليّ أو شرعیّ من تنجز التكليف به، لزم بحكم العقل التحرز عن ارتكاب ذلك المحرّم بالاجتناب عن كلا المشتبهين. ۲۱۰ ع ۲۵۲
۱. دلیل «وجوب الاجتناب عن كلا المشتبهين» را با توجه به عبارت توضیح دهید.

چون الفاظ مأخوذه در موضوع احكام شرعی مثل: لفظ خمر برای خصوص خمر معلوم بالتفصیل وضع نشده بلکه برای خمر واقعی وضع شده و اعم از معلوم بالتفصیل و معلوم بالإجمال است؛ پس خطاب «اجتنب عن الخمر» شامل «خمر معلوم بالإجمال» نیز می شود بنا بر این ذمه ما نسبت به خطاب «اجتنب عن الخمر» مشغول شده است قطعاً و طبق حکم عقل به لزوم «مقدمه علمیه» باید از جمیع اطراف شبهه اجتناب کنیم.

- * إنّ الثابت فى كلٍّ من المشتبهين بالعلم الإجمالى هو وجوب الاجتناب أمّا سائر الآثار الشرعية المترتبة على ذلك الحرام فلا ترتب علیها لعدم جریان باب المقدمة فيها فيرجع فيها إلى الأصول الجارية فى كل من المشتبهين. ۲۳۹ (د ۳ س ع ۲)
۲. با توجه به عبارت، وجه عدم ترتب آثار شرعیه را بیان کرده و برای آثار شرعیه مثالی ذکر کنید.

وجه عدم ترتب سائر آثار متوقف بر احراز موضوع می باشد، مثلاً ترتب حدّ شرعی متوقف بر شرب خمر است و با ارتکاب احد المشتبهين شرب خمر احراز نمی شود تا حدّ شرعی مترتب شود. مثال: حدّ شارب خمر

- * وأمّا اشتراط التكليف بالعلم شرعاً فهو غير معقول بالنسبة الى الخطاب الواقعي؛ فإنّ الخطاب الواقعيّ فى يوم الجمعة سواء فرض قوله: «صلّ الظهر» أم فرض قوله: «صلّ الجمعة» لا يعقل أن يشترط بالعلم بهذا الحكم التفصيلي. ۲۸۷ ع ۲۱
۳. علّت عدم معقولیت را توضیح دهید.

علت، لزوم دور است به این بیان که اگر علم تفصیلی به حکم، شرط تکلیف مستفاد از خطاب واقعی «صلّ الظهر» باشد قهراً تکلیف و حکم مستفاد از خطاب «صلّ» متوقف بر علم تفصیلی به حکم می‌شود و از طرفی تا حکمی (خطاب.....) نباشد علم تفصیلی به حکم هم نخواهد بود قهراً علم تفصیلی به حکم متوقف بر حکم می‌شود پس هر یک از علم تفصیلی به حکم و حکم متوقف بر یک‌دیگر می‌شوند.

* هل يشترط في تحصيل العلم الإجمالي بالبرائة بالجمع بين المشتبهين، عدم التمكن من الامتثال التفصيلي بإزالة الشبهة واختياره ما يعلم به البرائة تفصيلاً أم يجوز الاكتفاء به وإن تمكّن من ذلك؟ قولان؛ ظاهر الأكثر الأول؛ لوجوب اقتران الفعل المأمور به عندهم بوجه الأمر. ۳۱۰ع ۱۲۲ ۴. عبارت را توضیح دهید.

عبارت اشاره دارد به این که آیا در تحصیل علم اجمالی به برائت ذمه، به واسطه احتیاط کردن، عدم تمکن از امتثال تفصیلی شرط است یعنی اگر انسان متمکن باشد از ازاله شبهه با فحص و یا پرسیدن از دیگران احتیاط کافی نیست بلکه باید ازاله شبهه کند یا خیر بلکه تحصیل علم اجمالی به برائت ذمه کافی است. دو وجه بلکه دو قول است یعنی اضافه بر این که هر دو احتمال ملاک دارد قائل هم دارد و ظاهر اکثر علماء احتمال و وجه اول است؛ زیرا در نزد آنان واجب است مأمور به مقترن باشد به وجه امر شارح و وجه امر یعنی وجوب.

* ومن الأخبار الدالة على عدم وجوب الجزء المشكوك وجوبه، قوله (عليه السلام): «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» ... فدلّ على أنّ الجزء المشكوك وجوبه غير واجب على الجاهل ... ويمكن تقريب الاستدلال بأنّ وجوب الأكثر ممّا حجب علمه فهو موضوع. ولا يعارض بأنّ وجوب الأقلّ كذلك؛ لأنّ العلم بوجوبه المراد بين النفسى والغيرى غير محجوب، فهو غير موضوع. ۳۲۸ع ۱۲۵ ۵. اشکال معارضه و جواب اشکال را بیان کنید.

اشکال: عدم وجوب اکثر معارض است با عدم وجوب اقلّ و در اقل هم عدم وجوب جاری شود و در نتیجه عدم وجوب اکثر ساقط می‌شود.

جواب: این معارضه صحیح نیست زیرا یقیناً اقلّ واجب است یا نفسی (اگر اکثر واجب نباشد) و یا غیرى (اگر اکثر واجب باشد)؛ پس حکمش محجوب نیست تا برائت جاری شود.

* قول الحق في الشبهة المحصورة عدم جواز المخالفة القطعية وذلك لعدم دليل تحريم ذلك العنوان المشتبه فلا وجه لتخصيصه بالمعلوم تفصيلاً مع أنه لو اختص بالمعلوم تفصيلاً خرج الفرد المعلوم إجمالاً عن كونه حراماً واقعياً وكان حلالاً واقعياً ولا أظن أحداً يلتزم بذلك. ۲۰۰ ۶. آیا مفاد «اجتنب عن الخمر» وجوب اجتناب از معلوم الخمرية بالعلم التفصیلی است؟ چرا؟
خیر. چون: ۱. در دلیل قید المعلوم تفصيلاً نیامده (به عبارت دیگر دلیل مطلق است) ۲. اگر حرمت مختص معلوم تفصيلاً باشد معلوم بالاجمال از تحت حرمت خارج است و کسی به این لازمه ملتزم نیست.

* إذا قصد كون مجموع الزائد والمزيد عليه جزءاً واحداً كما لو اعتقد أن الواجب في الركوع الجنس الصادق على الواحد والمتعدد فمقتضى الأصل عدم بطلان العبادة؛ لأن مرجع الشك إلى الشك في مانعية الزيادة ومرجعها إلى الشك في شرطية عدمها ومقتضى الأصل فيه البرائة. ۳۷۰ ۷. مدعا و دلیل را توضیح دهید.

مدعا: اگر قصد کند زائد و مزید علیه با هم، جزء باشد مقتضای قاعده صحت عبادت است. دلیل: شک در صحت ناشی از شک در مانعیت زیادی مذکور است و شک در مانعیت برگشتش به شک در اشتراط عدم زیاده (به نحو مذکور) در دلیل واجب است و اصل عدم اشتراط است.

※ قال في الرياض: وجب غسل الميت بالماء القراح بدل ماء السدر لأنه ليس الموجود في الرواية الأمر بالغسل بماء السدر على وجه التقييد وإثما الموجود «وليكن في الماء شيء من السدر». وفيه: أنه لا فرق بين العبارتين فإنه إن جعلنا ماء السدر من القيد والمقيد كان قوله «وليكن فيه شيء من السدر» كذلك وإن كان من إضافة الشيء إلى بعض أجزائه كان الحكم فيهما واحداً. ٣٩٦

٨. مدعاى صاحب رياض و دليل ايشان را توضيح دهيد.

مدعا: اگر سدر در دسترس نبود باید میت را با آب قراح (آب مطلق) غسل دهند. دلیل: اگر در روایت ماء را مقید به سدر می‌کرد یعنی غسل با ماء سدر واجب بود با انتفای قید مقید نیز منتفی می‌شد ولی در روایت آمده غسل بده و لازم است در آب غسل سدر ریخته شود و از آن تقييد استفاده نمی‌شود.

※ هل العبرة في باب المؤاخذة و العدم بموافقة الواقع الذي يعتبر مطابقة العمل له و مخالفته وهو الواقع الأولي الثابت في كل واقعة عند المخطئة فإذا فرضنا العصير العنبي الذي تناوله قبل الفحص حراماً في الواقع و فرض وجود خبر معتبر يعثر عليه بعد الفحص على الحلية فيعاقب ولو عكس الأمر لم يعاقب أو العبرة بالطريق الشرعي المعثور عليه بعد الفحص فيعاقب في صورة العكس دون الأصل أو يكفي مخالفة أحدهما فيعاقب في صورتين أو يكفي في عدم المؤاخذة موافقة أحدهما فلا عقاب في صورتين وجوه. ٤٣٣

٩. وجه «دوم» و «چهارم» را توضیح داده و تفاوت آن دو را به لحاظ اثر بررسی کنید.

وجه دوم: عبرت در باب مؤاخذه و عدم مؤاخذه به طریق موافقت شرعی است اگر موافقت نکند عقاب می‌شود و إلاً عقاب نیست گرچه مخالف واقع باشد.

وجه چهارم: عبرت در باب مؤاخذه و عدم مؤاخذه به عدم مخالفت با واقع یا حکم ظاهری (مستفاد از خبر بعد الفحص) است و اگر مخالفت هر دو را کرد عقاب دارد و إلاً نه. ثمره: در وجه دوم مخالفت امر ظاهری و لو مطابق با واقع نباشد ملاک عقاب است اما در وجه چهارم مخالفت با هر امر ظاهری عقاب آور نیست بلکه در فرض موافقت ظاهر با واقع (توافق حکم ظاهری و واقعی) مخالفت کردن موجب عقاب است.

تستی

۱. إذا قال الشارع: «لا تلبس النجس في الصلاة» و «لا تسجد على النجس» و اشتبه كون الساتر أو المسجد نجساً فالأقوى أ ۲۲۷ ع ۱۵۱

أ. وجوب الموافقة القطعية لعدم جريان أدلة البراءة ■ ب. لزوم الموافقة القطعية لحسن الإحتياط على كل حال □

ج. عدم وجوب الموافقة القطعية لاستلزامه العسر والحرج □ د. عدم وجوب الموافقة القطعية لأدلة البراءة □

۲. إذا وجب صوم شهر هلالی فشك في أنه ثلاثون أو ناقص، اللزوم في المقام ج ۳۵۲

أ. البراءة العقلية □ ب. البراءة النقلية □ ج. الإحتياط ■ د. التخيير □

۳. الروايات التي تدل على جواز تناول الشبهة المحصورة ج ۲۱۶

أ. لا يجوز العمل بها لمخالفتها للعلم الإجمالي □ ب. يجوز العمل بها ولا يعتنى بالعلم الإجمالي □

ج. يجمع بينها وبين أدلة الأحكام الواقعية بعدم وجوب الموافقة القطعية ■ د. يجمع بينها وبين أدلة الأحكام الواقعية بوجوب الموافقة القطعية □

۴. الأظهر أن معنى «إبطال العمل» في قوله تعالى «... وَكَأْتَبَطُوا أَعْمَالَكُمْ» هو أ ۳۷۸

أ. إحداث البطلان في العمل الصحيح وجعله باطلاً ■ ب. إيجاد العمل على وجه باطل □

ج. إبطال ثواب العمل بالمن والأذى □ د. إبطال ثواب العمل بالإخلال في شرائط القبول □

تشریحی

* يستدل على حلية المشتهة مع العلم الإجمالي بـ «كل شيء حلال حتى تعرف أنه حرام بعينه» و يؤيده إطلاق الأمثلة المذكورة في بعض الروايات مثل الثوب المحتمل للسرقة. و فيه أنه كما يدل على حلية كل واحد من المشتهين كذلك يدل على حرمة ذلك المعلوم إجمالاً لأنه أيضاً شيء علم حرمة. ۱. استدلال مذکور و اشکال آن را توضیح دهید.

استدلال: به استناد «كل شيء...» ارتکاب اطراف شبهه جایز است و به مقتضای «تعرف أنه حرام بعينه» حرمت اختصاص دارد به جایی که حرمت تفصیلاً معلوم باشد. اشکال: غایت اعم است از عرفان اجمالی و تفصیلی بنابر این حلیت خاص مواردی می شود که نه معرفت اجمالی موجود باشد و نه معرفت تفصیلی.

* وجوب الاجتناب عن كلا المشتهين إنما هو مع تنجز التكليف بالحرام الواقعي على كل تقدير بأن يكون كل منهما بحيث لو فرض القطع بكونه الحرام كان التكليف بالاجتناب منجزاً، فلو لم يكن كذلك بأن لم يكلف به أصلاً - كما لو علم بوقوع قطرة من البول في أحد إنائين أحدهما بول - لم يجب الاجتناب عن الآخر.

۲. أ. مقصود از «تنجز التكليف بالحرام الواقعي على كل تقدير» چیست؟ ب. چرا در مثال مذکور، احتیاط واجب نیست؟

أ. یعنی هر دو طرف شبهه دارای تکلیف منجزی بوسیله علم اجمالی بشود. ب. چون در ما نحن فيه اگر قطره بول معلوم بالاجمال در ظرف بول افتاده باشد وجوب اجتنابی نیاورده قهراً نسبت به ظرف دیگر شک در حدوث تکلیف (وجوب الاجتناب) داریم و ادله برائت جاری است.

* إذا اشتبه الواجب بغيره من جهة عدم النص فالأقوى وجوب الموافقة القطعية لعدم المانع فلأن المتصور منه ليس إلّا الجهل التفصيلي بالواجب و هو غير مانع عقلاً و لا نقلاً أمّا العقل فلأنّ حكمه بالعدر إن كان من جهة عجز الجاهل عن الإتيان بالواقع فلا استقلال للعقل بذلك.

۳. چرا وجوب احتیاط در شبهه وجوبیه فقدان نص منعی ندارد؟

چون مانع از وجوب احتیاط فقط جهل تفصیلی به واجب است و جهل تفصیلی، هم شرعاً و هم عقلاً مانع نیست؛ زیرا حکم عقل به معذور بودن به جهت عجز جاهل از اتیان واقع است و عقل در این مورد حکم به معذورت نمی‌کند. شاهدش جواز تکلیف به مجمل فی الجملة است.

* یتمسک لوجوب الإحتیاط فی الاقلّ و الاکثر بوجوب دفع الضرر- و هو العقاب- المحتمل قطعاً و بعبارة أخرى: وجوب المقدمّة العلمية للواجب و فيه: انّ وجوب المقدمّة فرع وجوب ذی المقدمه و هو الامر المرّد بین الاقل و الاکثر ان وجوب المعلوم اجمالاً مع کون احد طرفیه متیقناً لإلزام من الشارع و لو بالالزام المقدمی غیر مؤثر فی وجوب الاحتیاط لکونا لطرف الغير المتیقن مورد للقاعدة البرائة.

۴. استدلال بر وجوب احتیاط را تقریب کرده، جواب مصنف را توضیح دهید.

استدلال: با اتیان اقل، احتمال عقاب می‌دهیم؛ چون محتمل است که متعلق تکلیف، اکثر باشد و به مقتضای حکم عقل به لزوم دفع محتمل، باید اکثر اتیان شود تا علم به دفع عقاب محتمل شود.

اتیان اکثر از باب مقدمه علمیه فرع بر وجوب ذی‌المقدمه یعنی امر مردّد بین اقل و اکثر است در حالی که ما یقین به لزوم اقل داریم و در اکثر اصل برائت بلا معارض جاری می‌شود و با اتیان اقل احتمال عقاب نمی‌دهیم تا دفع آن با اتیان اکثر واجب باشد.

۵. أ. به نظر مصنف، معیار در محصوره و غیر محصوره بودن شبهه چیست؟ ب. در موارد شک، وظیفه چیست؟ چرا؟

أ. و يمكن أن يقال: إن غير المحصور ما بلغ كثرة الوقائع المحتملة للتحريم إلى حيث لا يعتنى العقلاء بالعلم الإجمالي الحاصل فيها. (۵/ ۰ نمره)

ب. (قد ذكرنا: أن المعلوم بالإجمال قد يؤثر معقلاً الاحتمال ما لا يؤثر مع الانتشار وكثرة الاحتمال، كما قلناه في سب واحد مردّد بين اثنين أو ثلاثة، و مردّد بين أهل بلدة.) فالأولى: الرجوع في موارد الشك إلى حكم العقلاء بوجوب مراعاة العلم الإجمالي الموجود في ذلك المورد، فإن قوله «اجتنب عن الخمر» لا فرق في دلالته على تنجز التكليف بالاجتناب عن الخمر، بين الخمر المعلوم المررد بين أمور محصورة و بين الموجود المررد بين أمور غير محصورة، غاية الأمر قيام الدليل في غير المحصورة على اكتفاء الشارع عن الحرام الواقعي ببعض احتمالاته، فإذا شك فيكونا لشبهه محصورة أو غير محصورة، شك في قياما لدليل على قيام بعض المحتملات مقام الحرام الواقعي في الاكتفاء عن امثاله بترك ذلك البعض، فيجب ترك جميع المحتملات، لعدم الأمن من الوقوع في العقاب بارتكاب البعض.

* لو قلنا بأنّ العقل حاكم بوجوب الإحتیاط و مراعاة حال العلم الإجمالي بالتكليف المرّد بين الأقل و الأكثر كانت أخبار البرائة حاکمة على ذلك الدليل العقلي؛ لأنّ الشارع أخبر بنفي العقاب على ترك الأكثر لو كان واجباً في الواقع فلا يقتضى العقل وجوبه من باب الإحتیاط الراجع إلى وجوب دفع العقاب المحتمل.

۶. ربط عبارت «لأنّ الشارع...» به قبل را توضیح دهید.

دلیل است بر انتفاء حکم عقل در فرض جریان اخبار برائت؛ زیرا با وجود اخبار برائت بر نفي عقاب احتمال عقاب وجود ندارد تا عقل حکم به وجوب احتیاط کند.

* حيث لا يقبح من المتكلم ذكر اللفظ المجمل - لعدم كونه إلّا في مقام هذا المقدار من البيان - لا يجوز أن يدفع القيود المحتملة للمطلق بالأصل؛ لأنّ جریان الأصل لا يثبت الإطلاق و عدم إرادة المقيّد إلّا بضميمة أنّه إذا فرض عدم ذكر القيد وجب إرادة الأعمّ من المقيّد و إلّا قبح التكليف لعدم البيان فإذا فرض العلم بعدم كونه في مقام البيان لم يقبح الإخلال بذكر القيد مع إرادته في الواقع.

۷. چرا مجرد عدم ذکر قید به معنای تحقق اطلاق نیست؟ توضیح دهید.

چون صدور کلام مجمل از متکلم عقلایی و صحیح است.

توضیح: با اصل عدم دخول قیود در مراد، نمی‌توان برای مجمل، اطلاق اثبات کرد چون اصل عدم در جایی قرینه بر اطلاق است که سکوت متکلم از ذکر قید و اراده قید قبیح شود و در فرض اجمال این معنا قبیح نیست.

* أمّا الشک فی القاطعیّة بأنّ يعلم أنّ عدم الشیء لا مدخل له فی العبادة إلّا من جهة قطعه للهیئة الاتصالیة المعترية فی نظر الشارع فالحکم فیہ استصحاب الھیئة الاتصالیة و عدم خروج الأجزاء السابقة عن قابلیة صیورتها فعلیة.

۸. ا. مراد از شک در قاطع چیست؟ ب. ارکان استصحاب در صورت مذکور را بنویسید.

ا. مراد از شک در قاطع این است که فعلی از مصلی صادر شده است نمی‌داند این فعل موجب به هم زدن هیئت اتصالیه شده است یا خیر ب. یقین سابق (قابلیت لحوق اجزاء لاحق) - شک در بقاء آن قابلیت بعد از عروض قاطع.

* لو جعل الشارع للکلّ بدلاً اضطرارياً کالتیمّم ففی تقدیمه علی الناقص و جهان: من أنّ مقتضی البدلیة کونه بدلاً عن التّام فیقدّم علی الناقص کالمبدل و من أنّ الناقص حال الاضطرار تامّ لانتفاء جزئیة المفقود فیقدّم علی البدل کالتام.

۹. دو وجه مذکور و دلیل هر یک را توضیح دهید.

در جایی که به ترک برخی از افعال وضو مضطر شود آیا وظیفه‌اش تیمّم است - که قطعاً بدل از فرضی است که اصلاً عاجز از وضو است - یا اتیان وضوی ناقص؟ وجه اول: اتیان تیمّم است چون تیمّم بدل از تامّ است و بدل در حکم مبدل منه است و همانطور که وضوی تام بر وضوی ناقص مقدّم است تیمّم هم بر ناقص مقدّم است. وجه دوم: وجوب وضو - با عروض اضطرار وظیفه او اتیان مقدور است و با اتیان مقدور، وضو تماماً حاصل شده است و با وجود وضوی صحیح جایی برای تیمّم نیست.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۳/۱۶	ساعت:	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از المقام الثانی فی الشبهة غیر الممحصورة تا اول بحث استصواب- ۲۵۷ تا آخر ۲۶

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دانه نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. دلالت روایت «إذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم» بر قاعدة میسور موقوف است بر این که «من» باشد. ج ۳۹۰

أ. به معنای «باء» ب. بیانیه ج. تبعیضیه د. زائده

۲. إذا كان الشك في الجزء الخارجي من جهة فقدان النص فالحكم د ۳۱۶

أ. البراءة العقلية لا النقلية ب. البراءة النقلية لا العقلية ج. الاحتياط العقلي د. البراءة النقلية و العقلية

۳. المعروف في الشبهة الغير المحصورة أ ۲۵۷

أ. عدم وجوب الاجتناب ب. وجوب الاجتناب

ج. عدم وجوب الاجتناب إذا استلزم الاحتياط، الحرج د. وجوب الاجتناب إذا كانت الشبهة تحريمية

۴. الزيادة في بعض العبادات كالصلاة ب ۳۸۲

أ. مبطله بالنظر إلى الأصل الاولي فقط ب. مبطله بمقتضى الأخبار ج. مبطله مطلقاً د. غير مبطله مطلقاً

تشریحی

* يدل على وجوب أصل الفحص لإجراء البرائة قوله ﷺ في من غسل مجدوراً أصابته جنابة فكرّمات: «قتلوه، قتلهم الله، ألا سألوا، ألا يّمّموه». ۴۱۲

۱. دلالت روایت بر وجوب فحص را تقرير کنید.

حضرت این فرد را که نسبت به حکم جاهل بوده است توبیخ کرده (ألا سألوا) و نسبت قتل به او می دهند و توبیخ جز در فرض ترک وظیفه

وجهی ندارد بنا بر این تحصیل علم لازم است و بدون فحص عذری وجود ندارد.

* قيل في تمييز المحصورة من غيرها أن الضابط ما يؤدي اجتنابه إلى ترك الصلوة غالباً فهو غير محصور كما أن اجتناب شاة أو امرأة مشبهة في صقع من

الأرض يؤدي إلى الترك غالباً وفيه ما لا يخفى من عدم الضبط. ۲۷۱

۲. معیار مذکور و اشکال آن را توضیح دهید.

معیار: اگر احتیاط در مکان، منجر به ترک نماز شود شبهة محصورة است. اشکال: معیار مذکور، مضبوط نیست - یعنی یک چهارچوب

کلی به دست نمی دهد - چون نسبت به مکان و زمان و افراد، متفاوت خواهد بود.

* إذا اشتبه الواجب بغيره لتكافؤ النصين كما في بعض مسائل القصر و الإتمام فالمشهور فيه التخيير؛ لأخبار التخيير السليمة عن المعارض حتى ما دل على

الأخذ بما فيه الإحتياط؛ لأن المفروض عدم موافقة شيء منهما للإحتياط. ۲۹۸

۳. وجه عدم تعارض اخبار تخيير با اخبار احتياط را توضیح دهید.

خبری که امر کرده در متعارضین به احتیاط، در موردی است که یکی از متعارضین موافق احتیاط باشد یعنی احتیاط مرجح یکی از دو خبر

می شود و در ما نحن فيه احتیاط در عمل کردن به هر دو می باشد نه اینکه عمل به یکی موافق با احتیاط است و عمل به دیگری خیر.

* لو فرضنا كون العقل حاكماً بوجوب الاحتياط و مراعاة حال العلم الإجمالي بالتكليف المراد بين الأقل و الأكثر كانت أخبار البرائة كافية في المطلب

حاكمة على ذلك الدليل العقلي؛ لأن الشارع أخبر بنفي العقاب على ترك الأكثر. ۳۳۰

۴. محل بحث و وجه حکومت را توضیح دهید.

بعضی‌ها گفته‌اند: عقل در علم اجمالی به اقل و اکثر، حاکم به وجوب احتیاط است. مصنف می‌گوید: ادله نقلیه مثل حدیث رفع احتمال عقاب را از اکثر برمی‌دارد و موضوع برای احتیاط که احتمال عقاب است باقی نمی‌ماند؛ پس این ادله نقلیه بر حکم عقل حاکم است.

* إذا ثبت جزئیة شیء و شك فی رکنیته فهل الأصل كونه رکناً أو عدم كونه كذلك أو مبنی علی مسألة البراءة و الاحتیاط فی الشك فی الجزئیة أو التبعض بین أحكام الركن فیحكم ببعضها و ینفی بعضها الآخر، وجوه. ۳۶۱

۵. وجوه مذکور را توضیح دهید.

(اگر جزئی چیزی، ثابت ولی رکن بودنش مشکوک باشد و جوهی محتمل است): ۱. اصل بر رکن بودن او است ۲. اصل بر عدم رکن بودن او است ۳. اگر در شک در جزئی، اصل برائت جاری شود اصل بر عدم رکنیت است و اگر اصل احتیاط جاری شود اصل بر رکنیت است ۴. در چنین مواردی تمام احکام رکن جاری نمی‌شود بلکه بعضی از احکام جاری می‌شود و بعضی دیگر جاری نمی‌شود.

* إذا وقع الجاهل عبادة عمل فيها بما يقتضيه البراءة فإن كان حين العمل متزلزلاً فی صحّة عمله بانیاً علی الاقتصار علیه فی الامتثال فلا إشكال فی الفساد و إن انكشف الصحّة بعد ذلك بلا خلاف فی ذلك ظاهراً لعدم تحقّق نية القربة لأنّ الشاك فی كون المأتی به موافقاً للمأمور به كيف يتقرّب به؟

۶. نماز بدون سوره برای جاهل به وجوب سوره، چه حکمی دارد؟ چرا؟ ۴۲۹

اگر در هنگام خواندن نماز در صحت چنین نمازی شک داشته قطعاً نمازش باطل است؛ چون نمی‌تواند با این تردید قصد قربت کند.

* الحق فی الشبهات المحصورة حرمة المخالفة القطعية لوجود مقتضى و عدم المانع لأنّ العقل لا يمنع من التكليف بالاجتناب عن عنوان الحرام المشتبه فی أمرین أو أمور و العقاب علی مخالفته. ۳۰۰

۷. ا. مقتضی را در ضمن مثال توضیح دهید. ب. چرا مانع از حرمت مخالفت وجود ندارد؟

ا. مراد از مقتضی عموم دلیل تحریم آن عنوان مشتبه است، مثلاً شارع فرموده: «اجتنب عن الخمر» شامل خمر معلوم بالاجمال و التفصیل می‌شود. ب. در شبهات محصوره عقل مانع از لزوم اجتناب و عقاب بر مخالفت تکلیف معلوم بالاجمال نیست.

* إن الفحص فی إجراء الأصل فی الشبهة الحكمية الناشئة من عدم النص لازم و حدّه هو اليأس عن وجدان الدليل فيما بأيدينا و أما الزائد علیه فليس بواجب للزوم الحرج و تعطيل استعمال سائر التكاليف. ۳۴۷-۳۴۱

۸. ا. شرط جریان اصل برائت و حدّ آن چیست؟ ب. عبارت «و أما الزائد علیه فليس ...» را توضیح دهید.

ا. شرط: فحص - حد: حصول یأس از وجدان دلیل

ب. فحص بیشتر از حد یأس از وجدان دلیل واجب نیست؛ چون وجوب آن، موجب حرج و عدم امکان فحص از بقیه احکام می‌شود.

* المطلب الثالث فی اشتباه الواجب بالحرام بأن يعلم أنّ أحد الفعلين واجب و الآخر محرم و اشتبه بالآخر و اما لو علم أنّ واحداً من الفعل و الترك واجب و الآخر محرم فهو خارج عن هذا المطلب لأنه من دوران الأمر بین الوجوب و الحرمة. ۴۰۳

۹. تفاوت «اشتباه الواجب بالحرام» و «دوران الأمر بین الوجوب و الحرمة» را با ذکر مثال توضیح دهید.

مراد از اشتباه واجب یا حرام این است که دو عمل است و می‌دانیم که یکی از اینها واجب است و فعل دیگر حرام است و نمی‌دانیم کدام واجب است و کدام حرام است، مثلاً در بین قرائت نماز، حین رؤیت هلال و وطی زوجه، می‌دانیم یکی از این دو فعل حرام و دیگری واجب است ولی تفصیلاً نمی‌دانیم ... - اما دوران امر بین وجوب و حرمت منحصر در یک عمل است، مثلاً نمی‌دانیم دفن میت واجب است یا حرام است.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۴/۰۳/۱۹	ساعت:	۱۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از المقام الثانی فی الشبهة غیر المصنوهة تا اول بحث استصحاب- ۲۵۷ تا آخر ج ۲

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دراره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إذا أمر بمفهوم مبین مردّد مصداقهُ بین الأقلّ و الأكثر ج ۳۵۲
- أ. فيجرى أصالة عدم وجوب الأكثر ب. فيجرى البرائة
- ج. فاللازم الاحتياط د. ففى وجوب الاحتياط إشكال
۲. الظاهر أنّ وجوب كلّ من المحتملات فى مورد العلم الإجمالى بالواجب أ ۳۰۵
- أ. عقلى لا شرعى؛ لأنّ الحاكم بوجوده ليس إلاّ العقل
- ب. شرعى لا عقلى؛ لدلالة أخبار الإحتياط
- ج. عقلى و شرعى؛ لأنّه يحكم به العقل والشرع
- د. عقلى فى الأحكام العقلية و شرعى فى الأحكام الشرعية
۳. الاستدلال باستصحاب وجوب إتمام العمل لحرمة قطع مثل الصلاة ب ۳۸۰
- أ. تامّ لتمامية أركان الاستصحاب
- ب. غير تامّ لتعارضه بأصالة الاشتغال
- ج. غير تامّ لاعتراضه بأصالة الاشتغال
- د. تامّ لأنّه يوجب الظن ببقاء العمل
- ب. غير تام للشك فى قدرته على إتمامه بعد الشك
- د. لا يترتب عليه الأثر نظير
۴. إذا تظنن المقلّد إلى مخالفة ما أوقعه من المعاملة لفتوى المقلّد و إن كان ما صدر عنه موافقاً للحكم القطعى الصادر من الشارع ما إذا كان ما صدر عنه مخالفاً له. ب ۴۲۴
- أ. يترتب عليه الأثر نظير
- ب. يترتب عليه الأثر بخلاف
- ج. لا يترتب عليه الأثر كما لا يترتب فى
- د. لا يترتب عليه الأثر لكن يترتب فى

تشریحی

* يحصل العلم إجمالاً لكل أحد بوجود واجبات و محرمات كثيرة فى الشريعة فلا يصح التمسك بأصل البرائة لأنّ مجراه الشك فى أصل التكليف لا فى المكلف به مع العلم بالتكليف. فإن قلت: إنّ هذا يقتضى عدم جواز الرجوع إلى البرائة ولو بعد الفحص. قلت: المعلوم إجمالاً وجود التكليف فى الوقائع التى يقدر على الوصول إلى مدرکها و إذا تفحص و عجز عن الوصول إلى مدارک الواقعة خرجت تلك الواقعة عن العلم الإجمالى. ۴۱۴

۱. دلیل وجوب فحص و اشکال آن را توضیح دهید. ب. پاسخ مصنف از اشکال را شرح دهید.

أ. دلیل وجوب فحص: هر کسی می داند که شریعت اسلام دارای واجبات و محرماتی است که مجهولند و علم اجمالی حکم می کند به لزوم احتیاط و این یعنی فحص از ادله احکام. اشکال: پذیرش چنین علمی مانع از اجرای برائت، حتی پس از فحص است؛ چون با فحص، علم اجمالی از بین نمی رود و با بقای علم، جایی برائت نیست. ب. پاسخ مصنف: دایره علم اجمالی منحصر به احکامی است که با فحص قابل دست یابی است، بنابراین چنانچه پس از فحص، شک در حکمی کردیم، شک در شبهه بدوی است نه اطراف علم اجمالی و در شبهات بدویه برائت جاری می شود.

* الحكمه فى ما يعلم أنّ أحد الفعلين واجب و الآخر محرّم و اشتبه أحدهما بالآخر هو وجوب الإتيان بأحدهما و ترك الآخر مخيراً فى ذلك؛ لأنّ الموافقة الاحتمالية فى كلا التكليفين أولى من الموافقة القطعية فى أحدهما مع المخالفة القطعية فى الآخر. ۴۰۳

۲. أ. «موافقت احتماليه با هر دو تکليف» و «مخالفت قطعيه با تکليف آخر» چگونه حاصل می شود؟ ب. تخيير ابتدایی است یا استمراری؟ چرا؟

أ. با ارتکاب یکی و ترک دیگری به نحو تخيير ابتدایی احتمال می دهیم همان را که آورده ایم واجب باشد و آن را که ترک کرده ایم حرام باشد موافقت احتماليه با هر دو تکليف حاصل می شود و اما اگر هر دو را اتیان کنیم و یا آنکه هر دو را ترک کنیم در صورت اول قطع به موافقت واجب و قطع به مخالفت حرام و در صورت دوم قطع به موافقت حرام و قطع به مخالفت واجب پیدا می کنیم.

ب. تخییر، ابتدایی است چون تخییر استمراری منجر به مخالفت قطعی می شود.

* و يمكن تقریب الاستدلال علی وجوب البرائة فی دوران الأمر بین الأقلّ و الأكثر بأنّ قوله ﷺ: "ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم" دالّ علی أنّ وجوب الأكثر ممّا حجب علمه فهو موضوع و لا يعارض بأنّ وجوب الأقلّ كذلك؛ لأنّ العلم بوجوده المرّدّد بین النفسی و الغیری غیر محجوب فهو غیر موضوع. ۳۲۸

۳. چرا با حدیث فوق، فقط بر رفع وجوب اکثر می توان استدلال کرد نه وجوب اقل؟ ب. مقصود از وجوب مرّدّد بین نفسی و چیست؟
أ. چون وجوب اقلّ (نفسی یا غیری) محجوب نیست. ب. مقصود اصل و کلی وجوب و الزام است که یا در ضمن وجوب نفسی محقق است، اگر فی الواقع اقل واجب باشد، یا وجوب غیری، اگر فی الواقع اکثر واجب باشد.

* ثمّ إنّ مرجع الشک فی المانعیه إلی الشکّ فی شرطیه عدمه و أمّا الشکّ فی القاطعیّة، بأنّ يعلم أنّ عدم الشیء لا مدخل له فی العبادة إلّا من جهة قطعه للهیئة الاتّصالیة المعتبرة فی نظر الشارع، فالحکم فیہ استصحاب الهیئة الاتّصالیة و عدم خروج الأجزاء السابقة عن قابلیة صیورتها أجزاء فعلیة. ۳۵۹
۴. هر یک از «مانع، قاطع، اجزاء فعلیه و اجزاء شأنیه» را توضیح دهید.

مانع: چیزی است که عدم آن در مأمور به شرط شده است ولی وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه مأمور به نیست. مثل کلام مختصر در نماز. قاطع: چیزی است که عدم آن در مأمور به شرط شده است و وجود آن موجب قطع هیئت اتصالیه نماز است مثل فعل کثیر. اجزاء فعلیه: اجزاء مأمور به در فرض عدم وجود چیزی که هیئت اتصالیه را به هم می زند اجزاء فعلیه است بخلاف اجزاء در فرض وجود قاطع که اجزاء شأنیه است.

* إذا اشتبه الواجب بغيره من جهة عدم النصّ فالأقوی وجوب الموافقة القطعیة لأنّ وجوب الأمر المرّدّد ثابت فی الواقع و الأمر به علی وجه یعمّ العالم و الجاهل صادر عن الشارع واصل إلی من علم به تفصیلاً إذ لیس موضوع الوجوب فی الأمر مختصّاً بالعالم بها و إنّما لزم الدور لأنّ العلم بالوجوب موقوف علی الوجوب فکیف یتوقّف علیه الوجوب؟ ۲۸۰
۵. عبارت «إذ لیس موضوع ... بها» و وجه لزوم دور را توضیح دهید.

«إذ» علت است برای تعمیم، یعنی از آنجا که موضوع وجوب اختصاص به عالم به اوامر ندارد؛ پس شامل عالم و جاهل می شود. علم به وجوب بر تحقق اصل وجوب توقف دارد و اگر تحقق اصل وجوب هم بر علم به آن متوقف باشد دور پیش می آید.

* الأخبار الدالّة علی حلیة کلّ ما لم یعلم حرمة فإنّها بظاهرها و إن عمّت الشبهة المحصورة إلّا أنّ مقتضى الجمع بینها و بین ما دلّ علی وجوب الاجتناب بقول مطلق، هو حمل أخبار الرخصة علی غیر المحصور و حمل أخبار المنع علی المحصور. ۲۶۱
۶. وجه تعارض مذکور و راه حلّ آن را توضیح دهید.

دو دسته از اخبار داریم که دسته اول دلالت دارد بر اینکه هر شیء مشکوک الحرمه ای حلال است و اطلاقش شامل شبهات محصورة مقرون به علم اجمالی هم می شود. دسته دیگر از اخبار، دلالت دارد بر اینکه اجتناب از هر شیء مشکوک الحرمه ای لازم است. جمع بین آن دو دسته این است که دسته اول مربوط به شبهات غیر محصورة است و دسته دوم مربوط به شبهات محصورة است.

* قيل إنّ جملة «ما لا یدرک کله لا یترک کله» خبریة لا تفید إلّا الرجحان و فیہ أنّه إذا ثبت الرجحان فی الواجبات ثبت الوجوب لعدم القول بالفصل فی المسألة الفرعیة. ۳۹۳
۷. نظریه مذکور و اشکال آن را شرح دهید.

جمله «ما لا یدرک» دال بر حرمت ترک نیست که از آن استفاده و جوب باقی اجزا (اجزا میسور) ثابت شود؛ چون جمله خبریه است و نهایت چیزی که دلالت کند اصل رجحان عدم ترک سایر اجزا است. اشکال: اگر رجحان اتیان به اجزا باقی ثابت شد، بوسیله اجماع و عدم قول به فصل، لزوم و جوب آن را ثابت می کنیم؛ چون اصحاب در این مسأله بر دو گروهند: ۱. اتیان باقی اجزا واجب است ۲. اتیان باقی اجزا شرعاً ثابت نیست. حال اگر اثبات رجحان اجزا را کردید لاجرم باید به جوب قائل شد.

* إن مصلحة الحكم الضرری المجعول بالأدلة العامة لا تصلح أن تكون تداركاً لضرر لحکومته علیها حتی یقال إن الضرر یتدارک بالمصلحة العائدة إلى المتضرر و إن الضرر المقابل بمنفعة راجحة علیه لیس بمنفی بل لیس ضرراً. و قد یدفع بأن العمومات الجاعلة للأحكام إنما تكشف عن المصلحة فی نفس الحكم ولو فی غیر مورد الضرر ففي مورد الضرر لا علم بوجود ما یقابل الضرر و هذا الدفع أشنع من أصل التوهم لأنه إذا سلم عموم الأمر لصورة الضرر كشف عن وجود مصلحة یتدارک بها الضرر فی هذا المورد. ۴۶۳

۸. أ. توهم و دو وجه رد آن را بنویسید. ب. اشکال مصنف بر وجه مردود را توضیح دهید.

أ. توهم: قاعدة لا ضرر در مورد احکام مورد ندارد؛ چون مصلحت موجود در مورد آنها بیشتر از ضرر موجود در امثال آنهاست بلکه صدق عنوان ضرر نمی شود. جواب شیخ: قاعدة لا ضرر حاکم بر أدلة عمومات است؛ پس در جایی که ضرر است مصلحت ثابت نیست تا ترجیح داشته باشد یا معدم عنوان ضرر باشد. جواب دیگران: عمومات احکام، اثبات مصلحت می کند نه در خصوص مورد ضرر، بلکه در همه جا و با وجود ادلة لا ضرر، اثبات مصلحت خصوص مورد ضرر مشکوک است؛ پس نوبت به ترجیح یا اعدام عنوان ضرر نمی رسد. ب. اشکال مصنف: اگر عمومیت ادلة احکام را پذیرفتید وجود مصلحت نیز ثابت می شود؛ چون هر جا حکم باشد، طبق قواعد عدلیه باید مصلحت وجود داشته باشد.

* إن مفاد أدلة أصل البراءة مجرد نفي التکلیف دون إثباته و إن كان إثبات لازماً واقعياً لذلك النفي فإن الأحكام الظاهرية إنما تثبت بمقدار مدلول أدلتها و لا یتعدى إلى أزيد منه بمجرد ثبوت الملازمة الواقعية بينه و بین ما ثبت إلاً أن يكون الحكم الظاهري الثابت بالأصل موضوعاً لذلك الحكم الآخر كما فی مثال براءة الذمة عن الدين و الحج. ۴۵۱

۹. عبارت «إلاً أن يكون الحكم الظاهري ...» را توضیح دهید.

مفاد اصل براءة، نفي تکلیف است نه اثبات تکلیف، مگر در صورتی که نفي حکم ظاهري ثابت به واسطه براءة، موضوع حکم دیگری را اثبات می کند، مثلاً شخصی شک می کند مدیون هست یا نه؟ با جریان اصل براءة نفي دین می کند قهراً موضوع و جوب حج که مستطیع بودن باشد اثبات می شود.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۵/۰۳/۱۱	ساعت:	۱۶

نام کتاب: فرائد الاصول، از المقام الثانی فی الشبهة غیر الممحصورة تا اول بحث استصواب - ۲۵۷ تا آخر ۲۹۹

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

- حکم ارتکاب جمیع مشبهات در غیر محصوره چیست؟
 ا. عدم جواز ارتکاب الكل مطلقاً
 ب. جواز ارتکاب الكل مطلقاً
 ج. عدم جواز ارتکاب الكل مقدمة للحرام
 د. جواز ارتکاب الكل تدريجاً
- اصل جاری در شبهه وجوبیه موضوعیه در موارد شک در مکلف به چیست؟
 ا. احتیاط
 ب. تخییر
 ج. براءت عقلی
 د. براءت شرعی
- اصل جاری در شک در جزئیات از جهت فقدان نص چیست؟
 ا. براءت شرعی و عقلی
 ب. احتیاط عقلی
 ج. احتیاط شرعی
 د. براءت شرعی فقط
- هنگام شک در محصوره و غیر محصوره بودن شبهه، کدام اصل جاری است؟
 ا. احتیاط
 ب. تخییر
 ج. براءت
 د. براءت شرعی

تشریحی

* هذا غاية ما يمكن أن يستدل به على حكم الشبهة الغير المحصورة و قد عرفت أن أكثرها لا يخلو من منع أو قصور لكن المجموع منها لعله يفيد القطع أو الظن بعدم وجوب الاحتياط في الجملة و المسألة فرعية يكتفي فيها بالظن.

۱. نظر نهایی مصنف درباره ادله عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره چیست؟

دلالت اکثر ادله، یا تمام نیست یا قصور دارد؛ اما در مجموع، مفید قطع یا ظن به عدم وجوب احتیاط فی الجملة است و چون این مسأله از فروع فقهی است، ظن کافی است.

* أن مفاد أدلة أصل البراءة مجرد نفي التكليف، دون اثباته و إن كان الإثبات لازماً واقعياً لذلك النفي؛ فإن الأحكام الظاهرية إنما تثبت بمقدار مدلول أدلتها، و لا يتعدى إلى أزيد منه بمجرد ثبوت الملازمة الواقعية بينه و بين ما ثبت إنَّ أن يكون الحكم الظاهري الثابت بالأصل موضوعاً لذلك الحكم الآخر.

۲. اصل براءت در چه صورت می تواند مثبت حکم باشد؟

در صورتی که نفی حکم ظاهری به وسیله براءت، موضوع حکم دیگری را اثبات می کند؛ یعنی نقش آن فقط موضوع سازی حکم دیگر است (مثل جریان براءت برای نفی دین که موضوع وجوب حج را اثبات می کند).

* الظاهر أن وجوب كل من المحتملات عقلي لا شرعي لأن الحاكم بوجوبه ليس إلّا العقل من باب وجوب دفع العقاب المحتمل على تقدير ترك أحد المحتملين حتى إنه لو قلنا بدلالة أخبار الاحتياط أو الخبر المتقدم في الفائتة على وجوب ذلك كان وجوبه من باب الإرشاد.

۳۰۵

۳. وجه عقلی بودن احتیاط در شبهه وجوبیه موضوعیه چیست؟

از آنجا که حاکم بر وجوب احتیاط، عقل است از باب وجوب دفع عقاب محتمل بر فرض ترک یکی از محتملین، لذا اگر دلالت اخبار احتیاط نام هم باشد، از باب ارشاد خواهد بود.

* لو فرضنا كون العقل حاكماً بوجوب الاحتياط و مراعاة حال العلم الإجماليّ بالتكليف المرّد بين الأقلّ و الأكثر، كانت هذه الأخبار كافية في المطلوب حاکمة على ذلك الدليل العقليّ؛ لأنّ الشارع أخبر بنفي العقاب على ترك الأكثر لو كان واجباً في الواقع. ۳۳۰

۴. کدام یک از ادله براءت شرعی و احتیاط عقلی بر دیگری حاکم است؟ چرا؟

ادله براءت شرعی بر ادله احتیاط عقلی حاکم است؛ چون ادله نقلی مانند حدیث رفع، احتمال عقاب را برمی دارد و دیگر موضوعی برای احتیاط که احتمال عقاب بود، باقی نمی ماند.

* إذا شكّ في جزئية شيء للمأموريه من جهة الشبهة في الموضوع الخارجي فاللازم في المقام الاحتياط؛ لأنّ المفروض تنجز التكليف بمفهوم مبين معلوم تفصيلاً، و إنّما الشكّ في تحقّقه بالأقلّ، فمقتضى أصالة عدم تحقّقه و بقاء الاشتغال عدم الاكتفاء به لزوم الإتيان بالأكثر. ۳۵۲

۵. وجه لزوم احتیاط را بنویسید.

متعلق امر از جهت مفهوم، روشن است و شک در تحقق مفهوم، با اتیان اقل است؛ پس مقتضی استصحاب، عدم تحقق مفهوم (انجام مکلف به) است و مقتضی اشتغال، حکم به لزوم اتیان اکثر برای تحقق مفهوم (انجام مکلف به) می باشد.

* الحكم في اشتباه الواجب بالحرام و جوب الإتيان بأحدهما و ترك الآخر مخيراً في ذلك؛ لأنّ الموافقة الاحتمالية في كلا التكليفين أولى من الموافقة القطعية في أحدهما مع المخالفة القطعية في الآخر؛ و منشأ ذلك: أنّ الاحتياط لدفع الضرر المحتمل لا يحسن بارتكاب الضرر المقطوع، والله أعلم

۶. وجه اولویت و منشأ آن را بنویسید. ۴۰۳

وجه اولویت: در صورت مخالفت احتمالی با هر دو تکلیف و ارتکاب یکی و ترک دیگری به نحو تخییر، این احتمال وجود دارد که آن را که به جا آوردیم واجب باشد و آن را که ترک کردیم حرام باشد، اما در صورت موافقت قطعیه در یکی، مخالفت قطعیه در دیگری پیش می آید؛ یعنی در صورت انجام هر دو قطعاً مرتکب حرام شده و در صورت ترک هر دو قطعاً واجب را ترک کرده ایم. منشأ: احتیاط برای دفع ضرر محتمل با ارتکاب ضرر مقطوع، حسن ندارد.

* فإن قلت: العلم الاجمالي يقتضى عدم جواز الرجوع إلى البراءة في أوّل الأمر و لو بعد الفحص؛ لأنّ الفحص لا يوجب جريان البراءة مع العلم الإجمالي، قلت: المعلوم إجمالاً و جوب التكليف الواقعية في الوقائع التي يقدر على الوصول إلى مداركها، و اذا تفحص و عجز عن الوصول إلى مدارك الواقعة خرجت تلك الواقعة عن الوقائع التي علم إجمالاً بوجود التكليف فيها، فيرجع فيها إلى البراءة. ۴۱۵

۷. وجه انحلال اجمالی را ذکر کنید.

از طریق تفحص و رجوع به ادله، علم به تکالیف کثیری پیدا می کنیم و در وجود تکالیف زاید بر آن، شکی بیش وجود ندارد، لذا براءت جاری می شود.

* إذا وقع الجاهل عبادة عمل فيها بما يقتضيه البراءة، كأن صلى بدون السورة، فإن كان حين العمل متزلزلاً في صحّة عمله بانياً على الاقتصار عليه في الامتثال، فلا إشكال في الفساد و إن انكشف الصحّة بعد ذلك، بلا خلاف في ذلك ظاهراً؛ لعدم تحقّق نيّة القرية؛ لأنّ الشاكّ في كون المأتى به موافقاً للمأمور به كيف يتقرّب به؟ ۴۲۹

۸. وجه فساد عبادت را بنویسید.

چون حين صدور و انجام عمل شاک در صحت می باشد و با وجود شک در موافقت ماتی به با مأمور به، نمی تواند با این تردید قصد قربت کند.

* لاقصور في القاعدة المذكورة من حيث مدرکها، سنداً و دلالة، إلّا أنّ الذي يوهن فيها هي: كثرة التخصیصات فيها بحيث يكون الخارج منها أضعاف الباقی، إلّا أن يقال - مضافاً إلى منع أكثرية الخارج و إن سلّمت كثرتة - إنّ الموارد الكثيرة الخارجة عن العامّ إنّما خرجت بعنوان واحد جامع لها و إن لم نعرفه على وجه التفصیل، و قد تقرّر أنّ تخصیص الأكثر لا استهجان فيه إذا كان بعنوان واحد جامع لأفراد هي أكثر من الباقی.

٤٦٥

٩. اشکال بر قاعدة ضرر و جواب أنّ را همراه با مثال بنویسید.

اشکال: تخصیص اکثر لازم می آید؛ چون موارد و افراد خارجی چندین برابر افراد باقی می باشند.

جواب: اولاً درست است که افراد خارجی کثیرند اما بیشتر از باقی نیستند و ثانياً خروج افراد کثیر از عام، با عنوان واحد جامع می باشد، اگر چه ممکن است این عنوان تفصیلاً معلوم نباشد و تخصیص اکثر با عنوان واحد جامع مستهجن نیست. مثال: اعتبار عدالت در «أكرم الناس» که در فرض کثرت افراد فاسق، تخصیص اکثر با عنوان فسق می باشد.

امتحانات آموزش غیر حضوری

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت آموزش و امور حوزه‌ها
اداره ارزشیابی و امتحانات

ب

اسفند ۱۳۹۳

پایه :	۸	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۳/۱۲/۲۱	ساعت :	۱۰:۳۰

نام کتاب: فرائد الاصول، از ابتدای المقام الثانی فی الشبهة الضیر الممحصورة تا ابتدای بحث استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره دراه نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. الإجتنب عن الحرام المشتبه بالشبهة المحصورة إذا كانا مندرجین تحت حقيقة واحدة الاجتناب فی ما إذا لم یكونا مندرجین تحت حقيقة واحدة. أ

۲۲۵

أ. واجب نظیر ب. واجب بخلاف ج. غیر واجب نظیر د. غیر واجب بخلاف

۲. الحق أن المراد من الشبهة غیر المحصورة ما د ۲۷۱

أ. یعسر عدّه ب. امتنع عدّه ج. کان عدده قریباً من الألف أو أزید د. لا یعتنی العقلاء بالعلم الإجمالی فیها

۳. الأقوی أن المنفی بـ «لا ضرر» أ ۶۶۰

أ. الحكم الذی یلزم منه الضرر مطلقاً ب. خصوص الحكم التکلیفی الضرری

ج. خصوص الحكم الوضعی الضرری د. الموضوع الضرری

۴. لو دار الأمر بین کون أحد المایعین نجساً و کون الآخر مال الغير فالأقوی أ ۲۲۷

أ. وجوب الموافقة القطعیة لعدم جریان أدلة البراءة ب. جواز المخالفة الاحتمالیة لجریان أدلة البراءة

ج. جواز المخالفة القطعیة لعدم قبح مخالفة التکلیف الإجمالی د. عدم وجوب الموافقة القطعیة لأدلة البراءة

تشریحی

* إن وجوب الإجتنب عن کلّ من المشتبهین هل هو بمعنی لزوم الإحتراز عنه حذراً من الوقوع فی المؤاخذه بمصادفة ما ارتکبه للحرام الواقعی فلا مؤاخذه

إلّا علی تقدیر الوقوع فی الحرام أو هو بمعنی لزوم الإحتراز عنه من حیث أنّه مشتبه فیستحق المؤاخذه بارتکاب أحدهما و لو لم یصادف الحرام. ۲۲۹

۱. دو احتمال مذکور و اثر هر یک را با مثال توضیح دهید.

۱. لزوم اجتناب از مشتبهین به جهت فرار از حرام واقعی است ۲. لزوم اجتناب از حیث مشتبه بودن است.

مثال: علم دارد احد انائین خمر است، اگر یکی را خورد و حرام در نیامد، بر اساس احتمال اول مؤاخذه‌ای ندارد؛ چون مرتکب حرام واقعی

نشده، اما بر اساس احتمال دوم مؤاخذه دارد؛ چون مشتبه را مرتکب شده.

* إذا اشتبه الواجب بغيره من جهة اشتباه الموضوع فالأقوی وجوب الاحتیاط. و قد خالف فی ذلك الفاضل القمی رحمه الله وجوب الزائد علی واحدة من

المحتملات لقبیح التکلیف بالمجمل و فیهِ: أن الاشتباه فی الموضوع لیس من التکلیف بالمجمل فی شیء لأنّ المکلف به مفهوم معین طراً للاشتباه فی مصداقه

لبعض العوارض الخارجیة کالتسیان و نحوه. ۲۹۹

۲. أ. با ذکر مثال برای فرع مذکور، نظریه محقق قمی و دلیل آن را توضیح دهید. ب. پاسخ استدلال را بیان نمایید.

أ. مثال: نماز به قبله واجب است اما جهت قبله را نمی‌داند. محقق قمی فرموده: به یک طرف نماز بخواند کافی است و لازم نیست احتیاط

کند؛ چون امر به نماز به قبله واقعی تکلیف به مجمل است.

ب. پاسخ: در شبهه موضوعیه تکلیف به مجمل نیست بلکه تکلیف مشخص است، چون اشتباه بخاطر عوارض خارجی است.

- * قد يتمسك لإثبات صحة العبادة عند الشك في طرو المانع بقوله تعالى: «...وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ». وفيه: أن حقيقة الإبطال إحداث البطلان في العمل الصحيح و جعله باطلاً ... ٣٧٦-٧٧
٣. کیفیت استدلال و اشکال مصنف را توضیح دهید.
- کیفیت استدلال: اگر وسط نماز در عروض مانع شک کرد آیه از ابطال عمل نهی می کند و می گوید: عملت را ادامه بده و باطلش نکن. اشکال: مقصود از عدم ابطال این است که اگر عملی را کاملاً بجا آورده‌اید بعد از عمل کاری نکنید که اثر آن عمل باطل شود و ربطی به عدم ابطال در اثناء عمل ندارد.
- * قد توهم بعض المعاصرين حكومة أدلة الاحتياط على أخبار البراءة في الأقل والأكثر الإرتباطيين فقال: «لانسلم حجب العلم في المقام لوجود الدليل و هي أصالة الإشتغال في الأجزاء و الشرايط المشكوكة لأن ما كان لنا إليه طريق في الظاهر لا يصدق في حقه الحجب». ٣٣٠
٤. توهم مذکور را با دلیل توضیح دهید.
- در اقل و اکثر، چون استصحاب اشتغال به واجب را داریم و طریق ظاهری برای ما موجود است لذا علم آن از ما محجوب نیست و حدیث «ما حجب الله علمه...» و مانند آن جاری نمی شود.
- * الأقوى وجوب الموافقة القطعية في الدوران بين المتباينين لوجود المقتضى و عدم المانع لأن المتصور من المانع ليس إلّا الجهل التفصيلي بالواجب و هو غير مانع عقلاً و لا نقلاً. لأنه ليس في النقل ما يدل على العذر لأن أدلة البراءة غير جارية في المقام لإستلزام إجرائها جواز المخالفة القطعية و الكلام بعد فرض حرمتها. ٢٨٠
٥. أ. مقصود از جهل تفصیلی چیست؟ مثال بزنید. ب. ربط عبارت «لأنه ليس في النقل...» به سابق چیست؟ توضیح دهید.
- أ. مقصود این است که مثلاً در دوران بین ظهر و جمعه، واجب به طور تفصیل برای ما معلوم نیست.
- ب. این عبارت دلیل عدم وجود مانع نقلاً است؛ چون ادله برائت اگر در این مورد عذر آور باشد باید مخالفت قطعی آن هم جایز باشد با آن که ما در وجوب موافقت قطعیه که بحث می کنیم بعد از فراغ از حرمت مخالفت قطعیه است.
- * و هل يحكم بتنجس ملاقى أحد أطراف الشبهة المحصورة؟ فيه قولان: مبيّان على أن تنجس الملاقى إنّما جاء من وجوب الاجتناب عن ذلك النجس بناءً على أن الاجتناب عن النجس يراد به ما يعمّ الاجتناب عن ملاقيه ولو بوسائط أو أنّ الاجتناب عن النجس لا يراد به إلّا الاجتناب عن العين و تنجس الملاقى للنجس حكم و ضعی سببی یتربّب على العنوان الواقعی من النجاسات فإذا شك في ثبوته للملاقی جرى فيه أصالة الطهارة و أصالة الاباحة. ٢٣٩
٦. دو قول مذکور و دلیل هر یک را توضیح دهید.
١. قول به تنجس ملاقی. دلیل: بین وجوب اجتناب عن الشیء و وجوب اجتناب عن ملاقيه ملازمه وجود دارد؛ چون ملاقی از بند و بیل همان ملاقا است.
٢. قول به عدم تنجس ملاقی. دلیل: مقصود از اجتناب از نجس اجتناب از عین است و تنجس ملاقی حکم دیگری است که در ثبوت آن برای ملاقی مشکوک است، لذا اصل طهارت در آن جاری می گردد.
- * يتمسك لوجوب الإحتياط في الأقل و الأكثر بوجوب دفع الضرر- و هو العقاب- المحتمل قطعاً و بعبارة أخرى: وجوب المقدّمة العلمية للواجب و فيه: أن وجوب المقدّمة فرع وجوب ذی المقدّمة و هو الأمر المرّدّد بين الأقل و الأكثر إلّا أن وجوب المعلوم اجمالاً مع كون أحد طرفيه متيقّن الإلزام من الشارع و لو بالإلزام المقدّمي غير مؤثر في وجوب الإحتياط لكون الطرف الغير المتيقّن مورداً لقاعدة البرائة. ٣٢٦ - ٣٢٥
٧. استدلال و اشکال مصنف را توضیح دهید.

استدلال: با اتیان اقل، احتمال عقاب می‌دهیم؛ چون محتمل است که متعلق تکلیف، اکثر باشد و به مقتضای حکم عقل به لزوم دفع ضرر محتمل، باید اکثر اتیان شود تا علم به دفع عقاب محرز شود.
اتیان اکثر از باب مقدمه علمیه فرع بر وجوب ذی‌المقدمه (یعنی امر مردّه بین اقل و اکثر) است در حالی که ما یقین به لزوم اقل داریم و در اکثر اصل براءت بلا معارض جاری می‌شود و با اتیان اقل احتمال عقاب نمی‌دهیم تا دفع آن با اتیان اکثر واجب باشد.

* زیادة الجزء عمداً تتحقّق فی الجزء الذی لم يعتبر فيه عدم زیادة فلو أخذ بشرطه فالزیادة علیه موجب لاختلاله من حیث النقیصة؛ لأنّ فاقد الشرط کالمتروک كما أنّه لو أخذ فی الشرع لا بشرط الوحدة والتعدّد فلا إشکال فی عدم الفساد. ۳۷۰

۸. أ. صور جزء از حیث اشتراط به وحدت و تعدد را بیان کنید. ب. عبارت «لأنّ فاقد الشرط...» تعلیل برای چیست؟ توضیح دهید.

أ. به دو صورت قابل تصور است: ۱. جزء نسبت به «تعدد» بشرط لا اخذ شود مثل رکوع که مشروط به عدم تعدد است. ۲. جزء نسبت به وحدت و تعدد لا بشرط اخذ شود مثل سوره.

ب. عبارت مزبور تعلیل برای رجوع زیاده به نقیصه در صورت اخذ جزء بشرط عدم زیاده است، یعنی اگر جزء بشرط عدم زیاده اخذ شود مثل رکوع که اگر زیاد شود این زیاده به نقیصه برمی‌گردد، زیرا رکوع به قید وحدت جزء است و اگر قید وحدت منتفی شد مقید نیز منتفی می‌شود.

* إذا علم أنّ أحد الفعلین واجب و الآخر محرم و اشتبه أحدهما بالآخر فالحکم فی وجوب الإتیان بأحدهما و ترک الآخر مخیراً فی ذلك؛ لأنّ الموافقة الاحتمالیّة فی کلا التکلیفین أولى من الموافقة القطعیة فی أحدهما مع المخالفة القطعیة فی الآخر. ۴۰۳

۹. ربط عبارت «لأنّ الموافقة الاحتمالیة...» به سابق را توضیح دهید.

در تعلیل اینکه چرا در مورد مذکور باید یکی انجام و دیگری ترک شود و نمی‌تواند از باب احتیاط هر دو را انجام داد؟ می‌فرماید: لازمه فعل هر دو اگر چه قطع به موافقت نسبت به یکی است منتهی مستلزم قطع به مخالفت در طرف دیگر است ولی اگر یکی انجام و دیگری ترک شود احتمال موافقت با واقع نسبت به هر دو طرف وجود دارد و موافقت احتمالی نسبت به هر دو تکلیف بر موافقت قطعی در یک طرف و مخالفت قطعی در طرف دیگر اولویت دارد.

پایه:	۸	موضوع:	اصول ۱
تاریخ:	۹۲/۰۸/۰۵	ساعت:	۱۶

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول المقصد الثالث (فی الشک) تا اول استصحاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. ان الافتاء بوجوب الإحتیاط فی الشبهات التحريمية ... ب ۱۱۲

- أ. مطابق للإحتیاط لانه حسن علی کل حال
- ب. غیر مطابق للإحتیاط لاحتمال حرمته
- ج. لم یخالف الإحتیاط لجریان البرائة عن حرمة هذا الإحتیاط
- د. مندوب للملازمة بین حسن الإحتیاط عقلاً و إستجاباه شرعاً
۲. لو قلنا بالتخیر فی دوران الأمر بین الوجوب و التحريم فالتخیر (علی رأی المصنف) ... ب ۱۸۹
- أ. بدوی لأنه مقتضى الأخبار
- ب. استمراری مطلقاً لحکم العقل
- ج. بدوی لأنه المتیقن عقلاً و شرعاً
- د. استمراری بشرط البناء علی الاستمرار
۳. إذا شکت زوجة شخص فی أنها هی المطلقة أو غیرها من ضرأتها و لم یترتب تکلیف علی زوجة ضرأتها ... أ ۲۳۵
- أ. جاز لها ترتیب أحكام الزوجية علی نفسها
- ب. يجب علیها الأحتیاط دون ضرأتها
- ج. يجب علیها و علی ضرأتها الإحتیاط
- د. يجب علیها و علی زوجها الإحتیاط
۴. کدام گزینه درباره «شبهات غیر محصورة تحريمیه» صحیح است؟ ب ۲۶۶
- أ. اجتناب از هر یک از اطراف لازم است، حتی در غیر عبادات
- ب. ارتکاب کل اطراف جایز نیست
- ج. اجتناب از هر یک از اطراف در خصوص عبادات لازم است
- د. ارتکاب کل اطراف جایز است

تشریحی

* و أمّا الأدلة العقلية القائمة علی البرائة و الاشتغال فارتفاع موضوعها بعد ورود الأدلة الظنية واضح لجواز الإقتناع بها فی مقام البیان و انتهاؤها رافعاً لاحتمال العقاب كما هو ظاهر. ۱۳

۱. با توجه به عبارت، آیا تقدیم «ادلة ظنية» بر ادلة برائة و اشتغال، از باب حکومت است یا ورود؟ چرا؟

ورود - چون موضوع برائة عقلیه (یعنی عدم بیان) و موضوع اشتغال (یعنی احتمال عقاب) با وجود ادلة ظنی از بین می رود.

* والحاصل: أن المرتفع فی "ما لا یعلمون" و أشباهه ممّا لا یشمله أدلة التکلیف هو إيجاب التحفظ علی وجه لا یقع فی مخالفة الحرام الواقعی، ویلزمه ارتفاع العقاب و استحقاقه، فالمرتفع أولاً وبالذات أمر مجعول یترتب علیه ارتفاع أمر غیر مجعول. ۳۴

۲. أ. مراد از «امر مجعول» و «امر غیر مجعول» چیست؟ ب. عبارت در مقام جواب از اشکالی است، اشکال و جواب را جداگانه بیان نمایید.

أ. امر مجعول عبارت است از «ایجاب التحفظ» و امر غیر مجعول عبارت است از استحقاق عقاب.

ب. عبارت در مقام دفع این اشکال است که چگونه حدیث رفع می تواند عقاب و استحقاق عقاب را بردارد با این که اینها امر مجعول نیستند؟ جواب: ابتداءً امر مجعول را بر می دارد که ایجاب تحفظ است و لازمه برداشتن ایجاب تحفظ این است که خود به خود عقاب و استحقاق عقاب هم برداشته می شود.

* احتجّ الأخباريون القائلون بوجوب الاحتياط بقوله «دَع ما يريبك إلى ما لا يريبك» وردّه المحقق في المعارج بأنّ الزام المكلف بالأثقل مظنة الريبة. ٧٦
٣. نحوه استدلال به روایت «دَع ما يريبك إلى ما لا يريبك» بر وجوب احتياط را همراه با ایراد محقق توضیح دهید.

نحوه استدلال: صغری: ارتکاب المشتبه کالتتن ممّا یریبک، کبری: وما یریبک یجب الاجتناب عنه، نتیجه: فارتکاب المشتبه یجب الاجتناب عنه. ایراد مرحوم محقق: اگر ارتکاب مشتبه مثل تنن از مصادیق «ما یریبک» باشد، حکم اخباریین به لزوم ترک محتمل الحرمة نیز از مصادیق «ما یریبک» می باشد زیرا تحمیل کار ثقیل و مشکل، خالی از اشکال نیست پس «دَع» شامل حکم به لزوم ترک محتمل الحرمة می شود و الحاصل: روایت مزبوره ضدّ مدعای اخباریین را ثابت می کند فالروایة حجة علیهم لا لهم.

* منها أن اجتناب الحرام واجب عقلاً ونقلاً، ولا يتم إلاّ باجتناب ما يحتمل التحريم ممّا اشتبه حکمه الشرعی ومن الأفراد الغير الظاهرة الفردية، وما لا يتم الواجب إلاّ به وكان مقدوراً فهو واجب. ١٣٥ متوسط

٤. با توجه به عبارت، دلیل وجوب اجتناب در شبهه حکمیه و شبهه موضوعیه و جواب آن را توضیح دهید.

دلیل: دوری کردن از حرام عقلاً و نقلاً واجب است پس باید در شبهه حکمیه احتیاط کنیم تا از حرام اجتناب کرده باشیم.
اما جواب: این دلیل شما بیشتر دلالت می کند بر واجب بودن دوری کردن از حرام در شبهات موضوعیه چون در شبهه حکمیه اصلاً حرام بودن شرب تنن معلوم نیست تا از شرب تنن اجتناب کنیم اما در شبهه موضوعیه حرام بودن شرب خمر، قطعی است پس از باب مقدمه باید از مشکوک الخمریه اجتناب کنیم.

* إذا شكّ في وجوب شيءٍ تخييراً أو تعييناً ففي جريان أصالة عدم الوجوب تفصيلاً لأنه إن كان الشك في وجوبه في ضمن كلي مشترك بينه وبين غيره أو وجوب ذلك الغير بالخصوص فيشكل جريان أصالة عدم الوجوب؛ إذ ليس هنا إلاّ وجوب واحد مردّد بين الكلي والفرد فتعيّن هنا إجراء أصالة عدم سقوط ذلك الفرد المتيقّن الوجوب بفعل هذا المشكوك و أمّا إذا كان الشكّ في وجوبه بالخصوص جرى أصالة عدم الوجوب. ١٥٩
٥. وجه عدم جريان اصل در فرض اوّل و وجه جريان آن را در فرض دوّم توضیح دهید.

در فرض اوّل، وجوب واحدی است که نمی دانیم به جامع یا فرد تعلق گرفته (مثلاً نمی دانیم واجب ما کفّاره است که به جامع بین صیام و اطعام تعلق گرفته یا خصوص اطعام است، با اتیان صوم، شک در سقوط تکلیف داریم که مقتضای اصل بقاء اشتغال و لزوم اتیان اطعام است). ولی در فرض دوّم یقین داریم که شارع امر به اطعام کرده است منتهی شک می کنیم که علاوه بر آن، امر به صوم هم کرده است - به عنوان عدل تخییری - یا نه؛ مقتضای براءت، عدم وجوب اطعام است.

* أمّا قوله (یدلّ): «فهو لك حلال حتى تعرف الحرام منه بعينه» فله ظهور في منع الحرمة المعلوم بالإجمال إنّما أن بقاء الصحيحه على هذا الظهور يوجب المنافاة لما دل على حرمة ذلك العنوان المشتبه، مثل قوله (اجتنب عن الخمر). ٢٠٢

٦. دلالت روایت فوق بر عدم حرمت مخالفت قطعیه را تقریر کرده و منافات مذکور در کلام مصنف را توضیح دهید؟

وجه ظهور این است که بعینه قید معرفت است پس معنایش این است که معرفت حرام، بشخصه لازم است پس حرمت معلوم بعلم اجمالی اثری ندارد ولی اگر این ظهور صحیحه باقی بماند با ادله حرمت واقعی که اطلاق آن شامل فرد معلوم بالاجمال می شود منافات دارد.

* الأَقْوَى في ما إذا اشتبه الواجب بغيره من جهة اشتباه الموضوع كما في صورة اشتباه الفاتنة وجوب الاحتياط كما في الشبهة المحصورة لعين ما مرَّ فيها من تعلق الخطاب بالفاتنة واقعاً وإن لم يعلم تفصيلاً و مقتضاه ترتب العقاب على تركها و لو مع الجهل و قضية حكم العقل بوجود دفع الضرر المحتمل و وجوب المقدمة العلمية و الاحتياط بفعل جميع الاحتمالات. ٢٩٩

٧. أ. با توجه به عبارت، در مثال «اشتباه الفاتنة» شبهة موضوعيه را تصوير كنيد. ب. دليل «وجوب احتياط» در مسئله فوق را توضيح دهيد.

أ. دليل «اقض مافات» ابهامی ندارد اما این که چه چیزهایی فوت شده معلوم نیست. (مثلاً ۱۰ نماز است یا بیشتر)

ب. دليل وجوب: تكليف معلوم است و اقتضای اشتغال يقيني برائت يقيني است، علاوه بر اینکه با اتیان بعضی، احتمال ضرر نفی نمی شود و دفع ضرر محتمل نیز مسلم است.

* قد يتمسك لوجوب الإحتياط في الأقلّ و الأكثر باستصحاب الاشتغال بعد الإتيان بالأقلّ؛ لكنّه مندفع بانّ بقاء وجوب الأمر المرّد بين الأقلّ و الأكثر بالاستصحاب لايجدى بعد فرض كون وجود المتيقّن قبل الشكّ غير مجدّ في الاحتياط. نعم، لو قلنا بالأصل المثبت أمكن الإستدلال بالاستصحاب. ٣٢٦-٣٢٥

٨. مثبت بودن اصل مثبت را در فرض فوق توضیح دهید.

لازمه عقلی بقاء اشتغال بعد از اتیان اقل این است که اکثر واجب است.

* المسألة الأولى: الأَقْوَى فيما إذا ثبت جزئية شيء وشكّ في ركنيته أصالة بطلان العبادة بنقص الجزء سهواً ... لأنّ ما كان جزءاً في حال العمد كان جزءاً في حال الغفلة، فإذا انتفى انتفى المركّب، فلم يكن المأتى به موافقاً للمأمور به، وهو معنى فساد، أمّا عموم جزئيته لحال الغفلة فلأنّ الغفلة لا يوجب تغيير المأمور به. ٣٦٣

٩. دليل «أصالة بطلان العبادة» را توضیح دهید. فساد در عبادت به چه معنی است؟

نظر به این که با فرض ثبوت جزئیت شیء - مثل سوره - برای مرکبی - مثل «صلاة» - جزئیت آن اختصاص به حال عمد ندارد و صورت غفلت را هم می گیرد زیرا با عروض غفلت، مأمور به تغییر نمی کند قهراً با نقص سهوی جزء مرکبی را که مأمور به بوده نیاورده و مأتی به (صلاة بدون سوره) با مأمور به (صلاة مع السورة) توافقی ندارد. فساد مأمور به هم به همین معنا می باشد که مأتی به موافق با مأمور به نباشد.